



دوره پنجم / شماره ۱
پاییز ۱۴۰۲ / صفحه ۴۸

www.roshdmag.ir

رشد آموزش



وزارت آموزش پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر ارتباط و فناوری آموزشی

خانواده

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای خانواده‌ها با نگاهی ویژه به برنامه درسی مدارس



همگامی
والدین

خانواده و
کتاب‌های درسی

هوش هیجانی
و کتاب درسی

خانواده در مشارکت با مدرسه

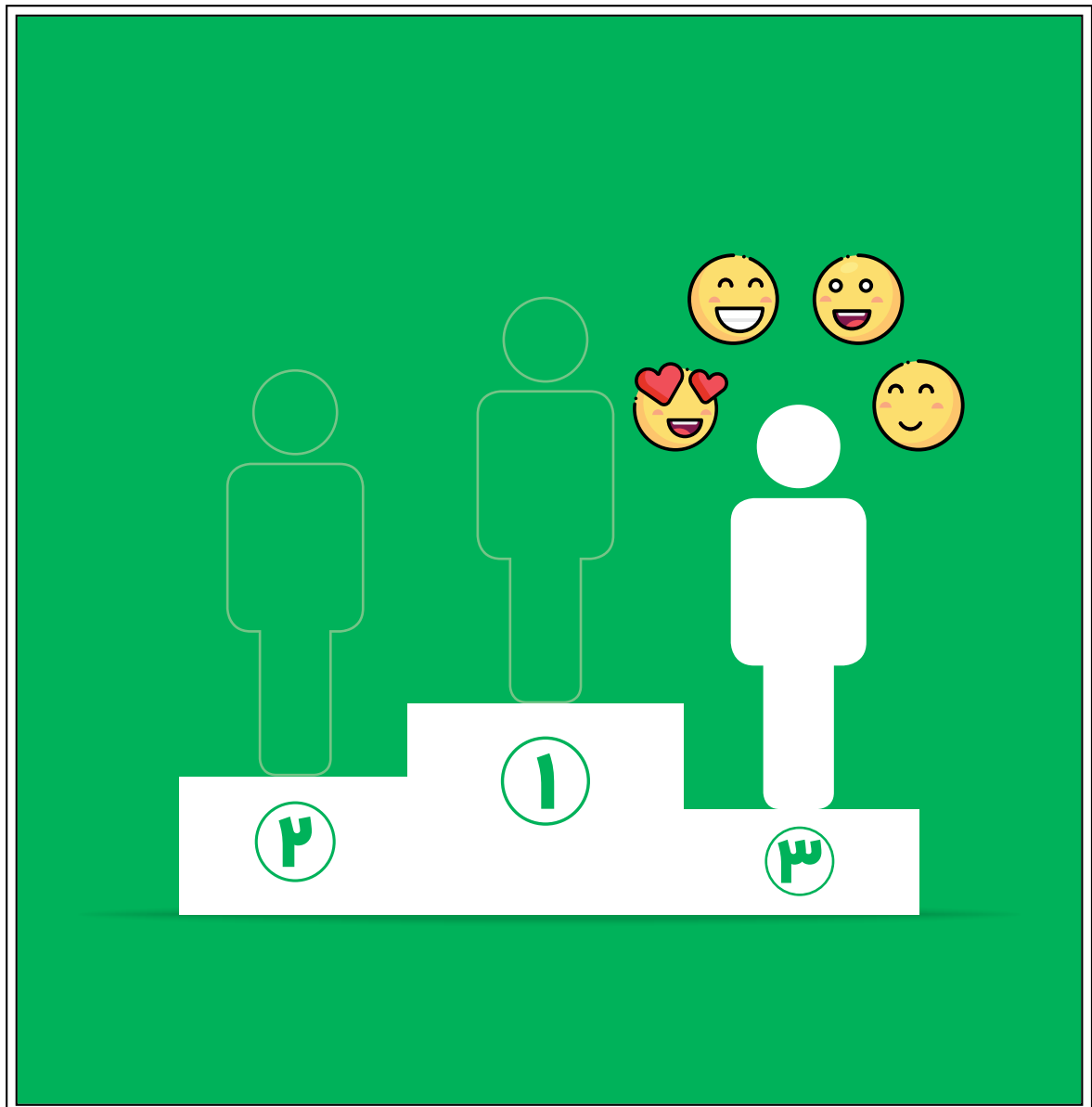
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) :

رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرٍّ. قَالَ كَيْفَ يُعِينُهُ عَلَى بَرٍّ؟
قَالَ يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَلَا يُرْهِقُهُ وَلَا يَخْرُقُ بِهِ.

خدای رحمت کند کسی را که فرزندش را در نیکی به خود یاری می کند. راوی حدیث پرسید: چگونه
فرزندمان را در نیکی به خود یاری نماییم؟

حضرت فرمود: آنچه را که کودک در قوه و توان داشته و انجام داده است از او قبول کند، آنچه انجام آن برای
کودک سنگین و طاقت فرساست از او نخواهد. او را به گناه و طغیان وادار نکند و به او دروغ نگوید و در برابر
او مرتکب اعمال جاهلانه (و احمقانه) نشود.

«الکافی، ج ۶، ص ۵۰»





اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُم



دفتر آموزش پژوهش
سازمان پژوهش برنامه‌ریزی آموزشی
و فرهنگیات و فناوری آموزشی

مدیر مسئول:

محمد صالح مؤذنی

سر دبیر:

دکتر حسن مظاهری

هیئت تحریریه:

دکتر پروین کدیور / دکتر قدسی احقر

دکتر اعظم ملایی نژاد / دکتر فریبرز بیات

دکتر ژاله کیانی / حجت الاسلام دکتر رضا ملایی

دکتر سمیه فریدونی / دکتر سجاد مهدی زاده

مدیر داخلی: زهره کریمی

مدیر هنری: سیدعلی موسوی

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

ویراستار: جعفر ربانی

طراح گرافیک: عبدالحمید سیامک نژاد

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱-۹

(داخلی ۵۰۵)

نمابر: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۱۶

صندوق پستی مجله: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

وبگاه مجلات رشد:

www.roshdmag.ir

رایانامه:

khanevadeh@roshdmag.ir

پیامک:

۳۰۰۰۸۹۹۵



با پویش رمزینه، در کنار

مطالب، از محتواهای

بیشتری استفاده کنید.



با پویش این رمزینه ما را از نظرات

ارزشمند خود بهره‌مند کنید.



دوره پنجم / شماره ۱
پاییز ۱۴۰۲ / ۴۸ صفحه

www.roshdmag.ir

رشد آموزش

خانواده

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای خانواده‌ها با نگاه ویژه به برنامه درسی مدارس

یادداشت سردبیر

همسویی خانواده در تربیت فرزندان / دکتر حسن مظاهری ۲

رویکردهای تربیتی

هدایت‌گری قرآن کریم در نقش تربیتی خانواده / دکتر سید محمد دلبری ۴

خانواده مطلوب / دکتر سمیه فریدونی ۱۱

روش‌های یاددهی یادگیری

مهارت‌های ارتباطی / دکتر مریم سلیمی ۳۹

محیط‌های تربیت و یادگیری

چشم و ابزار دیجیتال / دکتر اعظم گودرزی ۱۴

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

نقش بازخورد در یادگیری دانش‌آموزان (بخش اول) / دکتر عبدالحمید رضوی ۱۶

اهداف آموزشی تربیتی

شایستگی‌های پایه / دکتر فاطمه زهرا احمدی ۲۰

کتاب درسی

علوم زندگی / دکتر الهه علوی ۲۳

خانواده و کتاب‌های درسی / ابوالفضل طاهری ۲۶

دینداری دانش‌آموزان / مریم قربانی ۳۰

مدرسه

چهار گام برای موفقیت فرزندان / دکتر فاطمه مردان رابط ۳۲

تعامل با خانواده / سمیه فودازی ۳۶

مدرسه یک روز دست شما / آریتا پروانه ۷

همگامی والدین / لیلا صمدی، مرتضی سلطانی ۸

ابعاد روان‌شناختی یادگیری

هوش هیجانی و کتاب درسی (قسمت اول) / سمیه عبداللهی ۴۴

معرفی ویژه نامه / ۴۸

مجله رشد آموزش خانواده از همه خوانندگان و نویسندگان در زمینه نگارش مقالات مربوط به خانواده و

مدرسه، دعوت به همکاری می‌کند. لازم به ذکر است:

● مجله در حک، اصلاح، حذف و اضافه کردن مقاله‌ها آزاد است.

● مقاله‌ها را خوانا و تا حد امکان کوتاه بفرستید.

● استفاده از مطالب مجله در کتاب‌ها یا مجله‌های دیگر، با ذکر دقیق مأخذ، مانعی ندارد.

● مقالاتی را که از طریق پیام‌نگار مجله می‌فرستید به صورت فایل ورد یا پی‌دی‌اف ارسال کنید.

● در انتهای مقاله‌ها شماره تماس و نشانی پستی و نشانی رایانامه خود را حتماً درج کنید و در ابتدای مقاله نام و

نام خانوادگی و نام شهرستان و مدرک تحصیلی خود را قید فرمایید.

● آرای مندرج در مقاله‌ها، ضرورتاً مبین نظر دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ‌گویی به

پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.

● هدف اصلی محتوای این فصلنامه، مشارکت فعال خانواده‌ها در کیفیت بخشی به برنامه‌های درسی مدرسه‌ای و

برنامه‌های آموزشی فرزندان‌شان است.

همسویی خانواده در تربیت فرزندان

حسن مظاهری

گفت و با گذر از گلایه محور بودن آزمون سراسری در مدرسه‌ها، به کلاس آموزش والدین از سوی مدرسه بود اشاره کرد. او گفت که توانسته است کل جلسات این کلاس را شرکت کند. جمع‌بندی او درباره کلاس آموزش خانواده این بود: «به نظر من ۸۰ درصد والدین برای مؤثر بودن در پیشرفت تحصیلی تربیتی فرزندان خود و حتی برای اشتباه عمل نکردن در تربیت عمومی بچه‌های خود، نیاز به آموزش دارند!» این جمله برای من بسیار قابل تأمل بود، به‌ویژه که وی فردی تحصیل کرده در رشته مهندسی عمران از دانشگاه امیرکبیر با بیش از ۴۰ سال سابقه است.

این‌ها همه حکایت از ضرورت مشارکت فعال خانواده با مدرسه (به نمایندگی از آموزش و پرورش) در پیشرفت تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان دارد. سؤال این است که «چه تمهیداتی از طرف مدرسه برای نقش‌آفرینی واقعی خانواده در رشد و پیشرفت فرزندان صورت گیرد تا از ظرفیت خانواده‌ها بهره کافی برده شود؟» پاسخ این است که آموزش و پرورش باید در این باره (در تعامل نزدیک و همسو با مدرسه) برنامه جامع و کاملی تدوین کند و آن را مبنای عمل قرار دهد. در این صورت، تداوم مشارکت خانواده در تعلیم و تربیت محقق می‌شود و بهره‌مندی از ظرفیت خانواده در ارتقای عملکرد مدرسه و رشد دانش‌آموزان حفظ خواهد شد. خصوصاً در حوزه آگاهی‌بخشی به والدین درباره برنامه‌های درسی و رویکردهای جدید آن، فرایندها و روش‌های یاددهی‌یادگیری جای کار بسیار دارد. در ضمن برنامه‌هایی همسو با تغییر و تحول کتاب‌های درسی برای همراهی و در جریان قرار گرفتن والدین نیز تدارک دید.

«مجله رشد آموزش خانواده» به‌عنوان قطعه‌ای از این برنامه پیشنهادی، با هدف پشتیبانی و تغذیه علمی و دانشی خانواده‌ها در تحقق اهداف برنامه‌های آموزشی و کتاب‌های درسی منتشر

لابد شنیده‌اید مادری گلایه می‌کند که معلم فلان مطلب آموزشی را به‌گونه‌ای به فرزندم آموزش داده است که من از روش آن سر در نمی‌آورم. به عبارتی می‌گوید آن‌طور که من آن مطلب را یاد گرفته‌ام به بچه من یاد نداده و باعث دردرس شده است. در این میان چنانچه مادر اصرار بر آموزش و تمرین با فرزندش به روش دوران تحصیل خود داشته باشد، فرزند دچار سردرگمی خواهد شد. این دغدغه برای کسانی که در حوزه تعلیم و تربیت و برنامه‌های درسی مشغول به مطالعه و کارشناسی هستند، سؤال ایجاد می‌کند.

در همین مورد سه سال پیش در یکی از جلسات شورای برنامه‌ریزی گروه‌های درسی یکی از استادان پیشنهاد داد که هر گروه درسی (برای مثال گروه درسی ریاضی، علوم تجربی) یکی از پیش‌نیازها و استلزامات تحقق اهداف برنامه درسی خود را «آموزش والدین دانش‌آموزان» قرار دهد. به گفته او در صورتی اهداف درس‌ها تحقق پیدا خواهد کرد و دانش‌آموزان به انتظارات آموزشی و تربیتی در آن درس خواهند رسید که علاوه بر داشتن معلم متخصص، والدینی آموزش دیده برای پشتیبانی و همراهی داشته باشند. در این راستا والدین بایستی آموزش‌های مرتبط با برنامه و کتاب درسی را دیده باشند. به تعبیر آن استاد، اگر انتظار دارید که دانش‌آموزان به‌خوبی اهداف آموزشی تربیتی درس را کسب کنند، والدین این دانش‌آموزان نیز آموزش ببینند.

این پیشنهاد، مرا به یاد گفت‌وگوی دوستانه خودم با یکی از اقوام در مهمانی خانوادگی انداخت که وقتی میزان تحصیلات فرزندان او را جویا شدم، گفت: «پسر سوم من دبیرستانی است و دو فرزند دیگرم دانشگاهی هستند». از آنجا که می‌دانست من فرهنگی هستم، از وضعیت مدرسه فرزند سوم خود



درسی همسو با رویکرد کتاب درسی و معلم؛
- تمرین و تکرار آموخته‌های کلاس درس در محیط خانه،
محل زندگی و ارتباط دادن آن‌ها به زندگی واقعی؛
- ارائه بازخوردهای تحصیلی و تربیتی به معلم و مدرسه در
سطوح گوناگون.

ما مطمئن هستیم که مسائل پیدا و پنهان و ظرافت‌های
خاص دیگری در این زمینه وجود دارد که شما اولیای محترم
به آن‌ها اشراف بیشتری دارید و لازم است با ما در میان بگذارید
تا به آن‌ها نیز پرداخته شود. بر این اساس دریافت رهنمودها،
پیشنهادهای و نظرهای والدین، عامل موفقیت مجله است. به
عبارتی مهم‌ترین مؤلفه رضایتمندی متولیان مجله، رضایت
خانواده‌ها و مخاطبان از محتوای مجله است.

لطفاً ایده‌ها، نظرها و پیشنهادهای ارزنده خود را از طریق
رایانامه مجله khanevadeh@roshdmag.ir برای ما ارسال کنید.

می‌شود. به عبارت ساده‌تر، اگر کتاب‌های درسی با اهداف
خاصی برای دانش‌آموزان تألیف و برای تدریس آن کتاب
راهنمای تدریس برای معلمان و دبیران تدوین و در اختیار
آن‌ها قرار می‌گیرد، این مجله نیز برای آماده‌سازی و همسوسدن
بهتر والدین با اهداف کتاب‌های درسی، شیوه و روش کاری
معلم و در نهایت تربیت هرچه بهتر و کیفی‌تر دانش‌آموزان
منتشر می‌شود.

در این باره با بررسی منابع و گزارش‌های تحقیقاتی، مشورت
با صاحب‌نظران و خانواده‌ها و همچنین بهره‌گیری از تجربه‌های
زیسته، تلاش شده است نیازهای علمی، دانشی و تربیتی
خانواده‌ها شناسایی و مطالب براساس این موارد تهیه و تنظیم
شوند.

- تعامل خانواده با مدرسه (معلم/ معلمان، مدیر و دیگر مربیان
مدرسه) به‌منظور ارائه مشاوره، شناخت و آگاهی صحیح و واقعی
از خلیات، ظرفیت‌ها و ویژگی‌های فرزندان؛

- آگاهی از فرایند یاددهی‌یادگیری در کلاس درس و
تدارک دیدن موقعیت‌های متنوع یادگیری توسط معلم و
مدرسه؛

- چگونگی همراهی با فرزندان در انجام تکالیف و فعالیت‌های

هدایتگری

قرآن کریم و نقش تربیتی خانواده

دکتر سید محمد دلبری

عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

است، می‌توانم آن را حفظ کنم، ولی چگونه اهل بیت خودم را حفظ کنم؟» فرمود: «آنان را به آنچه خداوند به آن امر کرده است، امر کن و از آنچه خداوند از آن نهی کرده، نهی کن. اگر تو را اطاعت کنند آنان را حفظ کرده‌ای و اگر از تو سرپیچی کردند آنچه بر عهده تو بود به انجام رسانده‌ای». به تبع در میان علمای دینی و کارشناسان تربیت اسلامی درباره همین دیدگاه و رویکرد، که به مسئولیت کلیدی والدین برای تربیت فرزندان اشاره می‌کند، اجماع کلی وجود دارد.

در آیه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ» به طور مستقیم به خانواده اشاره می‌شود. بنابراین خانواده باید در بارگاه الهی درباره انجام تکالیف تربیتی خود پاسخگو باشد و نمی‌تواند نسبت به اهداف، برنامه‌ها و اقدامات تربیتی انجام یافته برای فرزندان خویش بی‌توجه باشد. نکته مهم این است که اولاً مشارکت فعال خانواده، تمام سطوح فعالیت‌های تربیتی، از هدف‌گذاری تا اجرا، حتی ارزشیابی و اقدامات اصلاحی را فرا می‌گیرد. ثانیاً به مشارکت فعال خانواده در فعالیت‌های تربیتی هم از منظر تکلیف الهی و وظیفه دینی ملاحظه می‌شود و هم از لحاظ حقوقی توجه می‌شود (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰).

بنابراین با عنایت به «تلازم حق با تکلیف» در امر تربیت در

خانواده نخستین و مهم‌ترین نهاد تربیتی است که فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و شاکله تربیتی وی را شکل می‌بخشد. همچنین، خانواده از بارزترین جلوه‌گاه‌های رحمت و مودت است، که به دلیل مناسبات و روابط ویژه عاطفی خود، پایدارترین تأثیرات روحی، اخلاقی و رفتاری را در وجود فرد بر جای می‌گذارد (صمدی و رضایی، ۱۳۹۰). این مهم در آیات قرآن کریم به صورت مکرر بیان شده است. از جمله در آیات ۶ سوره تحریم، ۲ سوره طه، ۵۵ سوره مریم، ۱۳ و ۱۷ سوره لقمان، ۴۴ سوره هود. همچنین در احادیث و روایات مختلف، از جمله در خطبه ۸۴ نهج البلاغه و احادیث متعدد دیگر به این معنا پرداخته شده است.

در اینجا به آیه ۶ سوره تحریم اشاره می‌کنیم که در آن آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده‌اند که خشن و سختگیراند و هرگز از فرمان خدا سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را به آن فرمان داده شده‌اند [به طور کامل] اجرا می‌کنند.»^۱ در تفسیر اهل بیت (ع) درباره این آیه چنین آمده است: ابوبصیر می‌گوید: از حضرت امام صادق (ع) درباره سخن خداوند عزوجل در این آیه پرسیدم و گفتم: «این نفس من



توجه به خانواده، در دین مبین اسلام، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز نمود دارد. به گونه‌ای که، قانون اساسی هم به خانواده و تربیت فرزندان و هم به وظایف حکومت اسلامی و دولت در این باره پرداخته است. برای مثال، از منظر قانون اساسی، بندهایی از حقوق تربیتی خانواده‌ها به شرح زیر است:

- حق دسترسی برابر به فرصت‌های تربیتی (براساس بندهای اول و ۱۴ و ۱۵ اصل سوم و اصل‌های ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی)؛
- حق برخورداری از تربیت منطبق با نیازها و شرایط فردی، خانوادگی، اقتصادی و فرهنگی (اصول ۲۹ و ۴۳ قانون اساسی)؛
- حق برخورداری از حدنصابی شایسته از تربیت (عمومی) به‌طور رایگان و الزامی (اصل ۳۰ و بند سوم اصل سوم قانون اساسی)؛

- حق برخورداری از تربیت اخلاقی و دینی (بند اول اصل سوم قانون اساسی)؛

- حق برخورداری از تربیت تأمین‌کننده کرامت انسانی (بند ششم اصل دوم قانون اساسی)؛

- حق برخورداری از تربیت تأمین‌کننده و ارتقادهنده آزادی انسانی (بند ششم اصل دوم و بند هفتم اصل سوم قانون اساسی)؛

- حق برخورداری از تربیت آگاهی‌بخش (بند دوم اصل سوم قانون اساسی)؛

- حق برخورداری از تربیت تفکربرانگیز و خلاق (بند چهارم اصل سوم قانون اساسی)؛

- حق برخورداری از تربیت زمینه‌ساز استقلال ملی و رهایی‌بخش از انواع سلطه (اصول دوم و سوم قانون اساسی)؛

- حق برخورداری از تربیت زمینه‌ساز وحدت ملی و انسجام اجتماعی (اصل نهم و بند ششم اصل دوم و بند ۱۶ اصل سوم و اصل ۱۱ قانون اساسی)؛

- حق برخورداری از تربیت مصون از تعرضات جسمانی و روانی (اصول ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی)؛

- حق برخورداری آحاد اقلیت‌های دینی و مذهبی رسمی از تربیت دینی و مذهبی متناسب (اصول ۱۴، ۱۳، ۱۲ قانون اساسی)؛

- حق برخورداری از تربیت فنی و مهارتی متناسب با نیازهای جامعه (بند هشتم اصل سوم قانون اساسی)؛

- حق برخورداری از محیط تربیتی سالم و ایمن و بهداشتی (اصل ۲۹، بند اول اصل ۴۳ قانون اساسی)؛

- حق توجه به علایق و استعدادهای فرهنگی و هنری در فرایند تربیت (بند ۱۳ اصل سوم، بند هفتم اصل ۴۳ قانون اساسی).

قانون اساسی هم به خانواده و تربیت فرزندان و هم به وظایف حکومت اسلامی و دولت در این باره پرداخته است

دیدگاه اسلامی، مشارکت والدین در فرایند تربیت (در همه انواع آن) هم حق آن‌ها و هم تکلیف آن‌هاست و دولت اسلامی موظف است در استیفای این حق و کمک به ادای این تکلیف بکوشد و سازوکارهای ضروری را برای آن فراهم آورد. بنابراین لازم

است دولت با طراحی و اجرای تدابیر مناسب، نخست خانواده را به لحاظ فکری و انگیزشی برای انجام تکالیف تربیتی و ایفای این نقش فعال در فرایند تربیت فرزندان خویش آماده کند و از طرفی زمینه مشارکت و پذیرش آن‌ها در فرایند تربیت و محیط تربیتی با محوریت مدرسه را فراهم کند. بدیهی است که نقش و جایگاه والدین در انجام تکلیف و حق تربیت فرزندان در تمامی سطوح و انواع تربیت یکسان نیست. تردیدی نیست که این نقش به سبب شرایط رشدی کودکان در سنین آغازین زندگی برجسته‌تر، حساس‌تر و ضروری‌تر است. اما با توجه به پیچیدگی‌های فرایند تربیت و

تخصصی‌بودن آن در عصر حاضر، خانواده‌ها نمی‌توانند به تنهایی این وظیفه خطیر اجتماعی را برعهده بگیرند (همان، ۱۷۷).



درسی، مانند چگونگی تقویت هویت اسلامی ایرانی، ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی، ترویج ارزش‌های مرتبط با خانواده سالم و صالح، یادگیری مهارت‌های تشکیل خانواده موفق، آشنا کردن کودکان با وظایف خانوادگی و نقش‌های جنسیتی، فرایند اجتماعی بارآوردن دانش‌آموزان، چگونگی حفظ سلامت جسمانی و روانی در خانواده، طراحی برنامه‌هایی با توجه به نیازهای منطقه‌ای و خرده‌فرهنگ‌ها، و اینکه با برنامه‌ریزان در سطوح ملی، منطقه‌ای و مدرسه‌ای همکاری کنند. همچنین ضرورت مشارکت والدین در فرایند برنامه درسی، به‌ویژه تدوین محتوای آموزشی برای دستیابی فرزندان به شایستگی‌های (اهداف) موردنظر برای آشنایی آن‌ها با نیازها و ویژگی‌های دانش‌آموزان به منزله یک وظیفه تأکید شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). از طرفی وزارت آموزش و پرورش موظف شده است که از مشارکت حداکثری خانواده‌ها، دستگاه‌های فرهنگی، هنری، خدماتی، مذهبی، تولیدی و... برای طراحی و اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های خارج از کلاس و مدرسه، به‌ویژه بخشی از برنامه‌ها که در تابستان اجرا می‌شود بهره بگیرد. برای مثال، در سنین آغازین رشد کودک، که دوره حساس کودکی، نوجوانی، مرحله تشکیل هویت و یادگیری نقش جنسیتی است، میزان و شدت مشارکت بیش از سایر مراحل است. بنابراین ضروری است نظام تربیتی کشور در انجام وظایف سنگین تربیتی خود برای تدارک سازوکارها و بسترسازی برای تحقق حقوق خانواده‌ها و فرزندان آن‌ها تلاش مضاعفی داشته باشد و خانواده‌ها نیز در این رابطه از حق و مسئولیت خود آگاه باشند و به آن عمل کنند.

امید است این تعامل نزدیک خانواده با نظام آموزشی تربیتی (به نمایندگی مدرسه) به تربیت آینده‌سازانی در تراز جمهوری اسلامی ایران منجر شود.

* پی‌نوشت‌ها

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غُلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ج ۱۶، ص ۳۹۲

* منابع

۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی. مبانی نظری تحول بنیادین تعلیم و تربیت رسمی و عمومی. شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰.
۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰.
۳. صمدی، معصومه؛ رضایی، منیره. بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال نوزدهم، دوره جدید، ش ۹۵، ۱۲-۱۱۷، ۱۳۹۰.
۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸.

همان‌طور که در موارد ذکرشده به‌عنوان بخش‌هایی از قانون اساسی آمده است، حق و حقوق ارزشمندی برای خانواده، تربیت، مسئولیت، وظیفه دولت و نظام حکمرانی در این باره مشخص شده است. در اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز که مبتنی بر فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران، اسناد و قوانین بالادستی تدوین شده است خانواده در نظام تعلیم و تربیت صاحب حق دانسته و در این باره تأکیدات فراوان شده است. از جمله در «مبانی نظری تحول بنیادین تعلیم و تربیت رسمی و عمومی» مطالب بسیار جهت‌دهنده و سرنوشت‌سازی درباره تربیت فرزندان، نقش، جایگاه و سهم خانواده در این رابطه بیان شده است. در این سند آمده است «خانواده به‌طور طبیعی مهم‌ترین نقش را در زمینه‌سازی رشد و تحول فرزندان برعهده دارد و...». در عین حال والدین (خانواده) در فرایند تربیت رسمی و عمومی فرزندان خود حقوقی دارند. از جمله:

- حق انتخاب نوع تربیت فرزندان خود در چارچوب فلسفه تربیتی جامعه؛
- حق مشارکت در مدیریت نظام تربیت رسمی و عمومی در حد توانایی و صلاحیت؛
- حق مشارکت در جریان تربیت فرزندان خود؛
- حق نظارت بر نظام تربیت رسمی و عمومی.

بر این اساس وظیفه شرعی و قانونی خانواده است که تکلیف خود در امر تربیت فرزندان را تمام و کمال انجام دهد و در این امر مشارکت فعالانه، مسئولانه و مؤثر داشته باشد. والدین باید با سیاست‌گذاران در سطح کلان در فعالیت‌هایی همچون تدوین اهداف آموزشی و در سطح میانی در تدوین اهداف برنامه‌های

مدرسه یک روز دست شما

آشنایی با طرح ایمو

آزیتا پروانه

مدیر دبیرستان شاهد معصومیه، شهرستان گیلانغرب، استان کرمانشاه

همهٔ اولیای مجری طرح برگزار می‌شود و آن‌ها تجربه‌های خود را به سایر والدین و مسئولان مدرسه منتقل می‌کنند. اجرای این طرح، حضور والدین در مدرسه را پررنگ‌تر می‌کند و حس تفاهم و هم‌اندیشی خانه و مدرسه بیشتر می‌شود. آشنایی والدین با یکدیگر و روبه‌رو شدن آن‌ها با دغدغه‌ها و مشکلات و سختی‌های کار در مدرسه، تأثیر بسزایی در درک و ایجاد همدلی و همسویی بین خانه و مدرسه دارد. همچنین، امکان مشارکت بیشتر آنان در همهٔ زمینه‌ها را فراهم می‌کند و عوامل مدرسه هم، از حضور فعال والدین و دیدگاه‌های آن‌ها بهره‌مند خواهند شد.

تقویت تعامل هدفمند میان خانواده‌ها و اولیای مدرسه، و افزایش مشارکت خانواده‌ها در تصمیم‌گیری‌ها برای تحقق اهداف مدرسه، از جمله پیامدهای خوب این طرح است. اجرای این طرح باعث می‌شود امور پرورشی و آموزشی مدرسه بهتر و باکیفیت‌تر اجرا شود؛ چرا که پشتیبانی و همراهی اولیا می‌تواند هم دانش‌آموزان و هم عوامل مدرسه را تشویق و دلگرم کند. اجرای این طرح مقدمه‌ای است برای استفادهٔ بهینه از مشارکت سودمند اولیا در فرایند تعلیم و تربیت، شناخت امکانات جامعهٔ محلی، و کسب تجربه‌ها و مهارت‌های متنوع، و همچنین تولید فکر، که یکی از زیرساخت‌های تعلیم و تربیت است.

این طرح و به دنبال آن همراهی و همدلی خانه و مدرسه، این امکان را به مدرسه می‌دهد تا با نهادهای تربیتی همچون مسجد، محله، بسیج و کانون‌های پرورشی و تربیتی، با پشتوانهٔ والدین، همکاری کند و دانش‌آموزان از برنامه‌های مفید این نهادهای تربیتی استفاده کنند. طرح ایمو که جزء طرح‌های برگزیده در مرحلهٔ نهایی داورى جشنوارهٔ بین‌المللی «الف تا» است، در تمامی مدرسه‌های سطح کشور و همهٔ دوره‌ها قابل اجراست و هزینه‌ای نیز ندارد.

* پی‌نوشت

۱. مخفف ادارهٔ یک روز مدرسه به کمک والدین

در اغلب کشورهای دنیا، والدین نقش مهم و پررنگی در مدرسه‌ها دارند. در این مدرسه‌ها محور اصلی ارتباط خانواده با مدرسه «انجمن اولیا و مربیان» است. تدوین سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی جمهوری اسلامی و توجه و تأکید آن بر خانواده و تعالی مشارکت همه‌جانبهٔ خانواده‌ها در نظام تعلیم و تربیت، با پشتوانهٔ سطح تحصیلات، تجربه‌ها و مهارت‌های متنوع آن‌ها، بستر مناسبی برای ظهور نوآوری و شکوفایی طرح‌های نوین و اصلاح روش‌ها در حوزهٔ تعلیم و تربیت فراهم می‌کند.

در راستای اجرای سند تحول و همچنین ایجاد همسویی و همکاری و همدلی خانه و مدرسه و در نتیجه پیشبرد امور پرورشی و آموزشی، طرح پیشنهادی «ایمو» می‌تواند گامی مناسب و کارساز برای تحقق اهداف ذکرشده باشد. در این طرح، یک روز ادارهٔ مدرسه، به‌طور کامل با تمام قوانین و مقررات، مسائل و دغدغه‌هایش، به اولیا واگذار می‌شود.

در این طرح رئیس انجمن اولیا و مربیان مدرسه، مدیر می‌شود و سایر اعضای اصلی انجمن، در نقش عوامل اجرایی (معاون آموزشی، معاون پرورشی، معاون اجرایی، مشاور و...) خواهند بود و تعدادی از اولیا هم ادارهٔ کلاس‌ها را با کمک همیار معلم‌ها به عهده می‌گیرند. البته این نقش‌ها پیش‌تر در جلسه‌ای با حضور همهٔ اعضای انجمن اولیا و مربیان تعیین و با انتخاب و نظر خود اولیا اجرایی می‌شود.

یک هفته قبل از اجرای برنامه، هماهنگی‌های لازم با اولیا، دبیران و دانش‌آموزان به عمل خواهد آمد و مجوز لازم نیز از ادارهٔ آموزش و پرورش ناحیه اخذ می‌شود. در روز اجرای طرح، اولیا از برنامهٔ صبحگاهی تا زمان تعطیلی مدرسه، عهده‌دار امور مدرسه خواهند شد. البته مدیر مدرسه و عوامل اجرایی نیز در مدرسه حضور دارند ولی هیچ دخالتی در نقش‌های محول شده به اولیا ندارند.

اجرای این طرح قطعاً شور و نشاط خاصی در مدرسه و دانش‌آموزان ایجاد خواهد کرد و باعث ایجاد حس اعتماد و ارزش در اولیا خواهد شد. بعد از اجرای طرح، جلسه‌ای با حضور

همگامی والدین

گفت‌وگو با زهرا حقوقی اردبیلی معاون پایه دوازدهم دبیرستان دخترانه فرزنانگان ۲ تهران

لیلا صمدی | مرتضی سلطانی

عکاس

گزارشگر

اشاره

خانم زهرا حقوقی اردبیلی مدرک کارشناسی رشته ریاضی کاربردی و کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی دارد. او ۱۳ سال دبیر ریاضی بوده و ۱۲ سال است معاون پایه دوازدهم در دبیرستان فرزنانگان ۲ در منطقه یک تهران است. با توجه به تعامل نزدیک ایشان با والدین دانش‌آموزان، با وی درباره کیفیت مشارکت والدین در تحقق اهداف آموزشی و تربیتی، دغدغه‌های آنان و راهکارهای افزایش تعاملات مثبت والدین با عوامل آموزشی و اجرایی مدرسه، گفت‌وگویی کردیم که خلاصه آن را می‌خوانید:

• در مدرسه‌تان چقدر با خانواده‌ها ارتباط کاری دارید؟

○ من به‌عنوان معاون پایه دوازدهم ارتباط خیلی نزدیکی هم با دانش‌آموزان و هم با والدین آن‌ها دارم. مدرسه ما یک مدرسه خاص و موفق است. حدود ۶۰۰ دانش‌آموز داریم که والدین آن‌ها آگاهی خوبی دارند، بنابراین برای پیگیری‌های آموزشی و تربیتی مراجعه زیادی به مدرسه دارند. در این مدرسه، ما باید برای هر مسئله از پیش تعیین‌شده یا غیرقابل‌پیش‌بینی راهکار داشته باشیم و مثل بچه‌های تیزهوش، هوشمندانه برای حل مسائل اقدام کنیم و همین رویکرد، کار را از حالت عادی سخت‌تر می‌کند.

• با توجه به اینکه دانش‌آموزان در دوره دوم متوسطه آزمون سراسری و انتخاب رشته تحصیلی را در پیش دارند، فکر می‌کنید تعامل والدین با مدرسه چقدر در تحقق اهداف مدرسه و آرامش خانواده‌ها و کمک

فکری به آن‌ها مؤثر است؟

○ هر چه ارتباط خانه و مدرسه بیشتر می‌شود و هر چه خانواده در خانه ارتباط صحیح‌تر و صمیمی‌تری با فرزند خود داشته باشد، دانش‌آموز هم آرامش بیشتری دارد. با توجه به سخت‌تر شدن رقابت در آزمون سراسری و اینکه اغلب دانش‌آموزان ما توقع و انتظار زیادی از خود دارند، والدین و دانش‌آموزان می‌توانند در مشارکت صمیمانه با مدرسه این مسیر سخت را آسان‌تر پشت سر بگذارند. ما در قالب برنامه‌های آموزش خانواده برای والدین کارگاه برگزار می‌کنیم و آن‌ها را با مسائل روز آزمون سراسری و امتحانات نهایی و تغییرات آن نسبت به سال‌های قبل آگاه می‌کنیم. بچه‌ها هر روز به مدت هفت ساعت‌ونیم در مدرسه حضور دارند، به همین دلیل مدرسه مشاهده میدانی خوبی از بچه‌ها دارد. در نتیجه ما می‌توانیم اطلاعات خیلی خوبی را در اختیار والدین قرار دهیم. همچنین زبان گفت‌وگوی صحیح با نسل جدید را به والدین آموزش می‌دهیم.

• در این دوره خانواده‌ها معمولاً در چه مسائلی با مدرسه ارتباط برقرار می‌کنند؟ آیا نیازمند کمک فکری شما هستند؟ شما چه راهکاری برای آنان دارید؟

○ در پایه دوازدهم به این خاطر که بچه‌ها به‌صورت فردی راهنمایی می‌شوند و با خودشان مقایسه می‌شوند، والدین هم بیشتر به صورت فردی مراجعه می‌کنند. در این جلسات حضوری ما به اتفاق آن‌ها، تأثیرگذاری برنامه‌های آموزشی، مشاوره و نتایج برنامه مطالعاتی بچه‌ها را بررسی می‌کنیم. والدین به‌صورت مستمر روند رشد و افت فرزندشان و میزان موفقیت او در آزمون‌ها را از معاون و مشاور جویا می‌شوند. بعضی از والدین هم برای مسائل تربیتی مراجعه می‌کنند که

بعضی از آن مسائل در مدرسه قابل بررسی و پیگیری است و حل و فصل می‌شود و بعضی نیاز به ارجاع به مشاوران بالینی دارد.

یکی از دغدغه‌های اصلی والدین این است که بچه‌ها نمی‌توانند براساس نیازشان، ارتباط صحیحی با فضای مجازی برقرار کنند. دانش‌آموز دو ساعت فیلم آموزشی را در فضای مجازی می‌بیند که مشکلی نیست، اما ممکن است در فضای مجازی هم یک ساعت وقت‌گذرانی داشته باشد و این باعث نداشتن تمرکز، پراکندگی ذهنی و اتلاف وقت او شود. زمان‌هایی که ما در مدرسه اردوی مطالعاتی برگزار می‌کنیم، بازدهی یا بهره‌وری بچه‌ها بالا می‌رود. دلیلش این است که بچه‌ها در این اردوها اجازه استفاده کردن از گوشی را ندارند و می‌توانند تمرکز بیشتری داشته باشند. ما در کلاس‌های آموزش خانواده به چالش‌هایی می‌پردازیم که ممکن است یک دانش‌آموز در استفاده از فضای مجازی با آن‌ها مواجه شود. همچنین، نحوه استفاده صحیح از فضای مجازی را به اولیا می‌گوییم. دیگر نمی‌توان فضای مجازی را نفی کرد و یا ابعاد مثبت آن را نادیده گرفت، بنابراین به بچه‌ها استفاده از آن را توصیه می‌کنیم، مشروط بر اینکه هدفمند و کنترل شده باشد. محتوای نادرست آموزشی در فضای مجازی، تأثیرات منفی در بچه‌ها دارد. خود ما به بچه‌ها منابع آموزشی مناسب را که در فضای مجازی در دسترس است معرفی و بخشی از آزمون‌ها را برخط (آنلاین) برگزار می‌کنیم. مناسب است که نظارت والدین در خانه، موازی با سیاست‌های مدرسه باشد.

در مدرسه‌های دخترانه ما کمال‌گرایی و به عبارتی بلندپروازی را بین دانش‌آموزان مشاهده می‌کنیم که متأسفانه آن‌ها را مستعد افسردگی می‌کند. در خانواده‌های کوچک، فرد به سمت کمال‌گرایی

سوق داده می‌شود. گاهی پدر و مادر دانش‌آموز کمال‌گرا، خودشان هم کم‌وبیش کمال‌گرا هستند. برای مثال، اکثر دانش‌آموزان مدرسه ما این توانایی را در خود می‌بینند که در برترین رتبه و تراز کشور و برترین دانشگاه قرار بگیرند و این می‌تواند جنبه مثبت کمال‌گرایی باشد. اما از طرفی شکست هم بخشی از تجربه انسانی است. بعضی از دانش‌آموزان بعد از اینکه می‌بینند در روند آموزشی‌شان نتیجه موردانتظار خود و والدینشان را به دست نیاوردند، دچار افسردگی می‌شوند. ما هیچ‌وقت نمی‌گوییم دانش‌آموز باید در فلان رشته پزشکی یا مهندسی درس بخواند، بلکه با توجه به اهداف، علائق و توانایی‌اش توصیه‌هایی برایش داریم، اما الزامی نداریم. این کار باعث می‌شود کمال‌گرایی آنان تا اندازه‌ای تعدیل شود و از افسردگی‌ای که ممکن است ترس از شکست برایشان داشته باشد فاصله می‌گیرند.

• از تجربه آموزش مجازی در مدرسه‌تان و مشارکت والدین در دوران کرونا بفرمایید.

○ از نکات مثبت کرونا این بود که بچه‌ها قدر مدرسه و معلم را بیشتر دانستند. در ایام کرونا فضای اجتماعی مدرسه از دانش‌آموزان گرفته شد که ما شاهد عواقب خیلی بدی بودیم و هنوز تبعات آن را شاهدیم. در ایام کرونا بار

سنگین‌تری به لحاظ آموزشی به خانواده‌ها تحمیل شد. اکثر اولیا سعی می‌کردند بعد از آموزش‌های مجازی مدرسه، با دانش‌آموز خود تعامل داشته باشند تا بدانند که آیا مطالب آموزش داده‌شده را یاد گرفته است؟ آیا برایش تفهیم شده است؟ و آیا قدرت حل مسائل مطرح‌شده را دارد؟ بعضی از اولیا تماس می‌گرفتند و می‌خواستند به هر قیمتی بچه‌ها به مدرسه برگردند. تعدادی از اولیا که کارشان تدریس بود، مشارکت مثبتی داشتند، اما چون همه خانواده‌ها در تدریس متخصص نبودند، دچار چالش‌های متنوعی شدند. اینکه من ریاضی بدانم با اینکه بتوانم آن را تدریس کنم دو موضوع متفاوت است. روش تدریس، بیان مسئله و اداره فکر دانش‌آموز در حل مسئله یک امر

امروزه با وجود سند برنامه درسی ملی، سند تحول بنیادین، برنامه تدبیر، تحولات و تغییرات جدید، کار آموزش و تربیت متفاوت و پیشرفته‌تر از گذشته شده است



منتقل می‌کند و این می‌تواند آسیب‌زا باشد. نظر شما چیست؟

○ اینکه مدرسه‌ها بار آموزش را به خانواده انتقال دهند کار درستی نیست، به این دلیل که آموزش مستلزم زمان، هزینه، تخصص و آگاهی است. فرض کنید شما مهندس هستید و ریاضیات و فیزیک را بهتر می‌دانید اما آیا امکان پذیر است همه درس‌های فرزندان را به او تدریس کنید؟ والدین حتی اگر در یک رشته، تحصیلات عالی هم داشته باشند تدریس آن به دانش آموز کار بسیار سختی است. تدریس یک کار تخصصی است و کار معلم است.

• در آخر هر پیشنهاد و نکته‌ای را که علاقه‌مندید با ما درمیان بگذارید، بفرمایید.

○ فضای داخلی خانه در آرامش فرزندان و موفقیت آنان بسیار مؤثر است. دانش‌آموزان به من می‌گویند: «با اولیای ما صحبت کنید که برای امور آموزشی‌مان زیاد از حد از ما پرسش نکنند که حساسیت ایجاد کنند و ما احساس کنیم زیر ذره‌بین و نگاه سنگینی هستیم که باید پاسخ‌گو باشیم.» اینکه اولیا تلاش بچه‌ها را نظارت کنند کافی است. وقتی زندگی‌نامه افراد موفق را بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم بعضی از آن‌ها شکست‌های متعددی را تجربه کرده‌اند، اما دست از تلاش برنداشته‌اند و با پشتکار و تلاشگری به نتیجه رسیده‌اند. رویکرد مثبت خانواده‌ها نسبت به تلاشگری دانش‌آموز باعث ایجاد رغبت و انگیزه در او می‌شود. نباید بچه‌ها احساس کنند که به خاطر داشتن یک نمره پایین‌تر، مقبولیت کمتری دارند و از دوست داشتن پدر و مادرشان کم می‌شود.

ما می‌خواهیم دانش‌آموزان را در روند آموزشی به موفقیت نزدیک کنیم، پس باید حامی آن‌ها باشیم و درک درستی از کاری که بچه‌ها انجام می‌دهند داشته باشیم. گاهی پدر و مادرها می‌گویند ما خودمان هم آزمون سراسری دادیم، پس می‌دانیم که چگونه است. من برای آن‌ها توضیح می‌دهم که زمانی که ما و شما آزمون سراسری دادیم، نه کتاب‌های آموزشی بر این اساس طراحی شده بودند، نه سند برنامه درسی ملی. اکنون تغییرات زیادی اتفاق افتاده است و اگر این تفاوت‌ها لحاظ نشوند دانش‌آموزان زیان می‌بینند.

ما اینجا تأثیر مثبت خانواده‌هایی را می‌بینیم که همراه با فرزندان بسیار دوستانه حرکت می‌کنند و در جایی هم که فرزندان خطایی انجام می‌دهد آن خطا را با درایت مدیریت می‌کنند و پوشش می‌دهند، برای آن راه‌حل پیدا می‌کنند، مشاوره صحیح می‌گیرند و دانش‌آموز به‌صورت صحیح راهنمایی می‌شود. با این کار این تصور برای بچه‌ها پیش نمی‌آید که با تنها یک خطا از چشم پدر و مادر می‌افتند. این نیاز در بچه‌ها به شدت قوی است که مقبولیت کافی داشته باشند.

تخصصی است و اولیا متوجه شدند که همیشه نمی‌توانند در این زمینه موفق باشند. اینجا بود که نقش معلم و مدرسه بیشتر از قبل پررنگ شد.

• برای مشارکت خانواده‌ها در انجام امور مدرسه چه موانعی وجود دارد و شما چه راهکاری برای آن موانع دارید؟

○ گاهی ممکن است درخواست‌ها و پیشنهادهای والدین از دید خودشان قابلیت اجرایی داشته باشد ولی وقتی ما در داخل مدرسه آن درخواست را بررسی می‌کنیم، ممکن است امکاناتش وجود نداشته باشد یا اصلاً انجام آن را صلاح ندانیم. اگر مدرسه و اولیا، فلسفه تشکیل انجمن اولیا و مربیان را به درستی بدانند و از ظرفیت آن استفاده کنند، این انجمن می‌تواند محل خوبی برای حل این مسائل باشد. وقتی نقش انجمن اولیا و مربیان را پررنگ می‌کنیم، اعضای انجمن کنار مسئولان مدرسه می‌نشینند و متوجه چالش‌های اجرا یا اجرانکردن برنامه‌ها می‌شوند و پل ارتباطی بین ما و دیگر خانواده‌ها هستند. نقش پررنگ انجمن اولیا و مربیان موجب می‌شود مراجعه سایر اولیا به مدرسه برای پیشنهاد و انتقاد به حداقل برسد، چون نظرات آن‌ها از طریق انجمن به ما می‌رسد و پاسخ مسئولان مدرسه هم از طریق انجمن به اولیا می‌رسد. مدرسه‌هایی که در آن‌ها انجمن اولیا و مربیان اعضای آگاه، دانا و پیگیر دارد می‌توانند موفقیت خیلی زیادی در تعامل با اولیا داشته باشند.

آن دسته از والدین که با موضوعات آموزشی آشنا نیستند، براساس تبلیغات رسانه‌ها و فضای مجازی فکر می‌کنند فلان معلم یا مشاور (با هزینه‌های هنگفت) که در جامعه مقبولیت دارد، ممکن است در راهنمایی آموزشی فرزندان مؤثرتر باشد. اما نمی‌دانند که اگر دانش‌آموز در یک زمان مشابه از دو برنامه هم‌زمان پیروی کند، دچار سردرگمی می‌شود و مسیرش را گم می‌کند. گاهی در میانه راه می‌بینیم دانش‌آموز علی‌رغم آن علاقه و انگیزه‌ای که روز اول داشته از ادامه فعالیتش باز می‌ماند. با اطمینان می‌گوییم دانش‌آموزانی که با تعدد مشاور روبه‌رو می‌شوند و جذب مسائل تبلیغاتی آزمون سراسری می‌شوند، با وجود صرف زمان و هزینه زیاد، لزوماً موفق نمی‌شوند. ما وقتی تک‌تک اولیا را موقع ثبت‌نام می‌بینیم، توصیه‌مان به آن‌ها این است که همراه با مدرسه حرکت کنند و با برنامه آموزشی مدرسه، مشاوره مدرسه و برنامه مطالعاتی که دریافت می‌کنند همگام باشند.

• برخی معتقدند آموزش و پرورش بار وظایف و مسئولیت‌های آموزشی خود را به خانواده

ما امروزه نمی‌توانیم فضای مجازی را نفی کنیم یا نکات مثبت آن را نادیده بگیریم، اما به شرطی که هدفمند و کنترل‌شده باشد، استفاده از آن را به بچه‌ها توصیه می‌کنیم

خانواده مطلوب

به روایت دانش‌آموزان

دکتر سمیه فریدونی

سید میثم موسوی

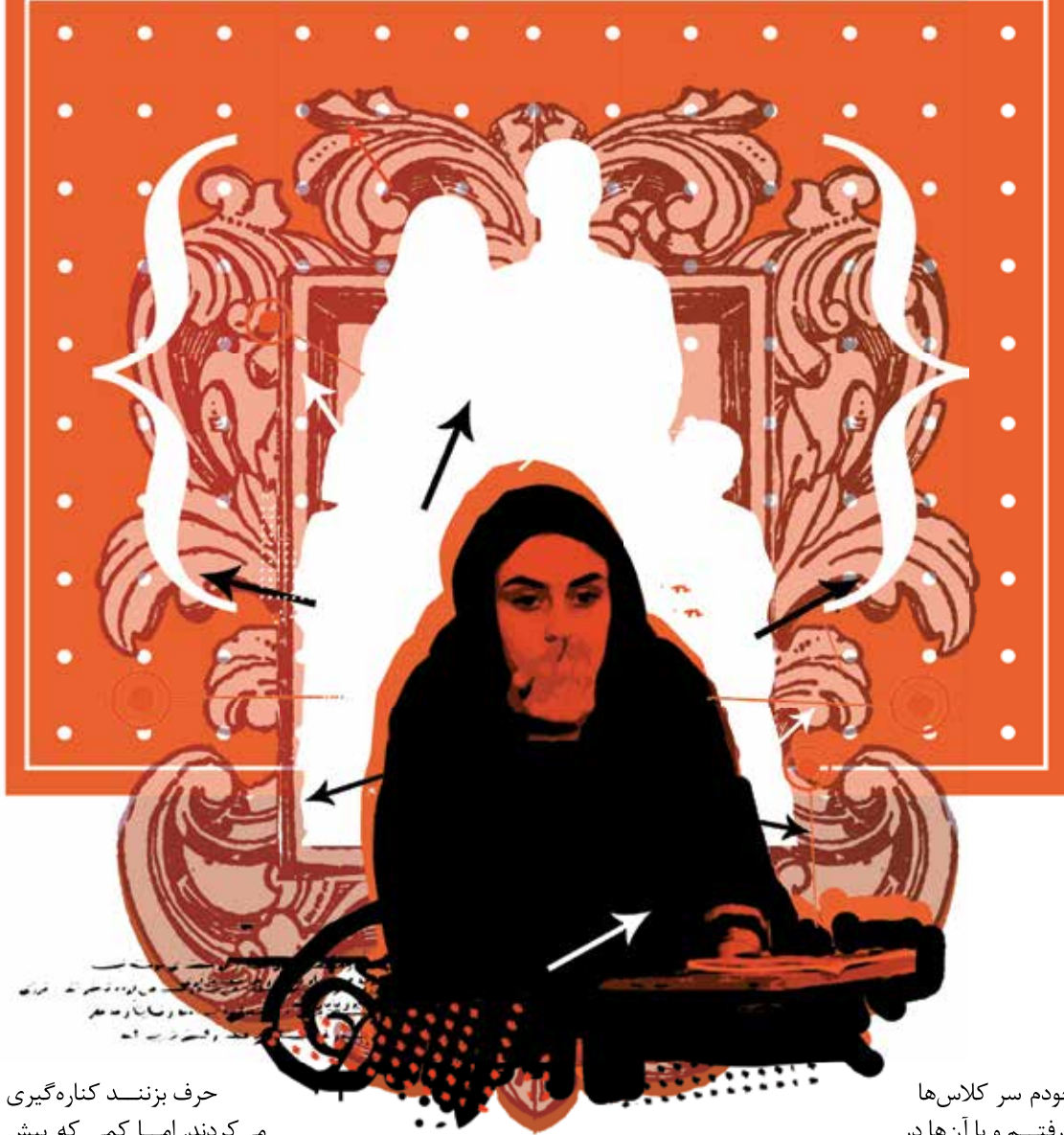
تصویرگر

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

فراوان آن، برخی به ارتباط با «آن سوی مرزها» اشاره کردند که به مدد فناوری‌های نوین میسر شده است و برخی هم از «خانواده». اما یک اصل مغفول در این میانه بود و آن هم فقدان صدایی که برخاسته از تجربه مستقیم خود دانش‌آموز باشد؛ یعنی همان کسی که کانون هدف تمام این برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌هاست و شاید کمتر از همه گروه‌های دیگر هم شنیده می‌شود، و نگرانی بزرگ‌تر از آنجا آغاز می‌شود که نه تنها شنیده نمی‌شود بلکه تصویر بسیاری از ما از دانش‌آموز آرمانی و مطلوب، همان دانش‌آموز درس‌خوان و حرف‌گوش‌کن و همراهی است که مؤدب است. من در میانه آن همه تأکید بر مفهوم دانش‌آموز مطلوب، اثری از فضایی برای شنیده شدن مخالفت‌ها و مطالبات آن‌ها و پررنگ‌بودنشان، نه در حاشیه و به‌عنوان امری تزیینی، که امری لازم، قابل اجرا و حتمی است، چیزی ندیدم.

گفت‌وگوها ادامه داشت و همان گروه به لطف سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش این امکان را برایم فراهم کردند که پژوهشی را با عنوان «روایت دانش‌آموزان از مفهوم خانواده مطلوب» پیش ببرم. به برکت آن پژوهش به ۱۰ استان کشور سفر کردم و با بیش از ۲۰۰۰ دانش‌آموز دیدار کردم؛ دختران و پسرانی از قومیت‌ها، مذاهب و رشته‌های گوناگون. تلاش کردیم مناطق گوناگون استان‌ها را، از نظر شرایط اقتصادی، تنوع مدرسه‌ها، ویژگی‌های متفاوت بافتی، مرزنشینی و مختصات گوناگون که به تنوع داده‌ها کمک می‌کرد، در نظر بگیریم تا نقشه رنگین تنوع سرزمینی و دانش‌آموزی‌مان را تا حد ممکن کامل کنیم.

از آن روزها بیش از شش سال می‌گذرد. خاطره یکی از جذاب‌ترین کارهایی که در زمینه فعالیت‌های پژوهشی انجام داده‌ام و آگاهی‌ای که برایم آورده بود، همچنان با من است. تلفنم زنگ خورد. خانمی بود از دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کار دانش، در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. مرا به جلسه‌ای دعوت کرد برای تألیف کتاب «سبک زندگی و مدیریت خانواده» که قرار بود برای دانش‌آموزان پایه دهم یا یازدهم تألیف شود. استقبال کردم و به جلسه رفتم. کارگروهی متشکل از افراد گوناگون، که هر یک به نمایندگی از حوزه‌ای مرتبط با خانواده بودند، در آن جلسه، حضور داشتند. اولین تجربه همکاری من با آموزش و پرورش بود و شاید اطلاعات زیادی هم درباره آن نداشتم. پس از طی چند جلسه اعضا گفت‌وگوهای متنوعی را درباره خانواده و کتابی که به مهارت‌های خانوادگی مربوط باشد، پیش بردند که بسیار مباحث ارزشمندی هم بود. روزی در یکی از همین نشست‌ها به آن‌ها گفتم که من به دلیل دوری از فضای آموزش و پرورش ممکن است اطلاعات زیادی از فضای مدرسه‌ها نداشته باشم، به همین خاطر سؤال مهمی ذهن مرا به خود مشغول کرده است. گفتم از کلام صاحب‌نظران و همکاران آموزش و پرورش این‌طور می‌فهمم که دانش‌آموزان ما گاه از خود «الگوی هویتی» نشان می‌دهند که نه مدرسه آن را می‌پسندد و نه جامعه و نه خانواده! حال به من بگویید «این بچه‌ها منابع هویت‌سازشان کجاست و این چارچوب‌های رفتاری را از کجاها کسب می‌کنند؟» پاسخ‌ها متفاوت بود. برخی از «گروه هم‌سالان» گفتند و برخی از «فضای مجازی» و محتواهای



حرف بزنند کناره‌گیری

می‌کردند. اما کمی که پیش

رفتیم و اطمینان خاطر یافتند که هیچ

پاسخ درست و غلطی وجود ندارد و من فقط مشتاق شنیدن

حرف تک‌تک آن‌ها هستم، گویا سپر دفاعی محو می‌شد و

گفت‌وگوها گل می‌انداخت و من هم لذت می‌بردم.

در برخی دیگر از کلاس‌ها وقتی اولیای مدرسه حضور

داشتند، دانش‌آموزان کم‌حرف‌تر می‌شدند و پاسخ‌هایشان

بیشتر کلیشه‌ای می‌شد. خودشان دلیلش را این‌طور توضیح

می‌دادند که اگر در مقابل اولیای مدرسه یا والدینشان از برخی

نگرش‌ها، تجربه‌ها و باورهایشان بگویند، پذیرفته‌شده نیست و

بعد توبیخ می‌شوند.

از آن پژوهش و نتایجش می‌توان بسیار سخن گفت، اما آنچه

دوست دارم بیشتر بر آن متمرکز شوم نیازی است که به‌طور

کلی دانش‌آموزان به شنیده‌شدن، درک‌شدن و پذیرفته‌شدن

دارند. دانش‌آموزانی که همواره بسیاری از آن‌ها از سوی نظام

آموزشی و خانواده‌ها به بی‌مبالایی، حرف‌گوش‌کن نبودن،

آداب‌دان نبودن، بی‌توجه بودن به احترام‌کردن معلمان و

بزرگ‌ترها، بی‌برنامه بودن، بی‌توجه بودن به آینده و بسیاری از

این دسته برچسب‌ها نواخته می‌شوند، بی‌آنکه کسی بداند در

دنیای آن‌ها چه می‌گذرد و آیا ساعت دنیای ما با ساعت دنیای

آن‌ها هم‌کوک است یا نه!

خودم سر کلاس‌ها

می‌رفتم و با آن‌ها در

مورد خانواده خوبی که دوست می‌داشتند در آینده

تشکیل بدهند صحبت می‌کردم. آن‌قدر از این دانش‌آموزان یاد

گرفته‌ام که توان گفتنش را ندارم. آن‌ها پیچیده‌ترین مباحث

روان‌شناسی را به زبانی ساده و با دریافتی روان برایم می‌گفتند،

از محبتی که می‌خواستند اصل و اساس زندگی باشد، از عشق،

اطمینان، امنیت، همراهی، احترام، اولویت‌دادن به همسر و فرزند

و بسیاری از مؤلفه‌های دیگر حرف می‌زدند، آن‌ها از غم‌هایشان

می‌گفتند و از تجربه‌های تلخی که داشتند و آرزوهایشان و آنچه

در دل داشتند. تلاش می‌کردم در گفت‌وگوها کمی به نقش

خودشان در برآوردن آرزوهایی که دارند برگردم و بینم تا چه

اندازه «عاملیت فردی» را می‌شناسند. وقتی از والدینشان انتقاد

می‌کردند، من با طرح پرسشی و شرح موقعیتی سعی می‌کردم

جای خودشان را با والدینشان عوض کنند و بعد بگویند چه

رفتاری می‌کردند. نتیجه جالب بود، حتی برای خودشان؛ چون

می‌دیدند خودشان هم در آینده بسیاری از همان رفتارهایی را بر

می‌گزینند که اکنون آسایش را دیده‌اند.

در بسیاری از کلاس‌ها در شروع صحبت، بسیاری از

دانش‌آموزان یا سکوت می‌کردند یا به خنده رد می‌شدند و

برخی از آن‌ها هم با عبارتی تحقیرآمیز و مسخره‌کننده فضایی

فراهم می‌کردند، که کسانی هم که دوست داشتند

اکنون، با احترام به تمام افرادی که به هر طریق برای فرزندان این سرزمین، در سال‌های که بیشترین نیاز را به رشد و پرورش دارند، زحمت کشیده‌اند، در این نوشتار می‌خواهم صدای دانش‌آموزانی باشم که مرا به اعتمادشان مفتخر کردند و برایم از تجربه‌هایشان گفتند؛ دانش‌آموزانی از نقاط گوناگون، از رشت، تالش، بیرجند، قائن، اهواز، آبادان، شادگان تا بندرعباس و بندر خمیر و بسیاری از شهرهای دیگر که هر روز تجربه جاری بافت آموزش و پرورش و مدرسه‌های ما را شکل می‌دهند و از آن اثر می‌پذیرند و همگان انتظار دارند که آن‌ها روز و شب قدر دان معلم، پدران، مادران و افراد دیگر باشند، بی‌آنکه بدانند این ما هستیم که باید برای لحظه‌لحظه حضور آن‌ها، که همگی فرزندانمان هستند، در آموزش و پرورش قدر دانش‌آموزان باشیم که بدون آن‌ها آموزش و پرورش معنایی ندارد. نه معلمی می‌ماند و نه مدیری!

همه نگرانی از آنجا آغاز می‌شود که «خب پس اولیای مدرسه چه می‌شوند؟ پدران و مادران چه می‌شوند؟ آیا همه باید دست به سینه در خدمت فرزندان باشیم و به قول معروف بر «عصر فرزندسالاری» مهر تأیید بگذاریم؟ آیا قرار است ما همان نسل سوخته‌ای باشیم که وقتی کوچک‌تر بودیم پدرسالاری بود و الان هم که خودمان پدر و مادر شده‌ایم، فرزندسالاری بر سرمان سایه افکنده است؟» و سؤال اساسی این است: «آیا می‌توان به روشی اندیشید که در آن به جای اینکه مفهوم «قدرت بر» را در مناسبت‌مان استفاده کنیم، قدرت را در میانه میدان و با مفهوم «قدرت با» پی بگیریم؟»

«قدرت بر» همان نگاه ارتباطی سنتی است که در آن یک فرد بر فرد دیگر یا گروهی بر گروه دیگر یا حتی ملتی بر ملت دیگر تسلط دارد. اما «قدرت با» امری است در میانه میدان که از مسیر ارتباط و همکاری ساخته می‌شود. در «قدرت بر» حفظ قدرت به سلسله‌مراتب و پذیرش بی‌چون و چرا وابسته می‌شود. احترام اگر از سوی آنکه در رده‌های پایین‌تر سلسله‌مراتب است (بخوانید دانش‌آموز)، اتفاق بیفتد می‌شود وظیفه، و اگر از سوی آنکه در رده‌های بالاتر سلسله‌مراتب قرار گرفته (بخوانید والدین، اولیای مدرسه و غیره) باشد، مهربانی و همراهی خوانده می‌شود. در این رویکرد حقوق افراد نه تنها حقی قابل مطالبه، بلکه لطفی است که آنکه در بالای هرم سلسله‌مراتب قرار گرفته انجام می‌دهد و به واسطه تمام این لطف‌هایی که می‌کند و آینده و مسیر روشنی که از دانش‌آموز بهتر می‌شناسد، او باید حرف‌شنو باشد و بپذیرد و قوانینی را که در تدوین آن‌ها هیچ نقشی نداشته است به تمامی انجام دهد.

اما وقتی سخن از «قدرت با» به میان می‌آید، آنکه در بالای سلسله‌مراتب قرار می‌گیرد می‌داند که قدرت از مسیر توزیع در میان همه ذی‌نفعان ثبات می‌گیرد، قانون در همکاری و همراهی جمعی نگاشته می‌شود و تا حدی امکان تغییر آن با تحولات گوناگونی که ممکن است رخ دهد، وجود دارد. برای مثال، توافق کرده‌ایم که هر جلسه قرار است برای اطمینان خاطر از یادگیری

درس جلسه قبل و شروع درس جدید، چند پرسش باز پاسخ را در ابتدای جلسه پاسخ دهیم. اما ممکن است در جریان کلاس راهبرد بهینه‌تری را برای اطمینان خاطر از این یادگیری و بهره‌وری پیدا کنیم. «آیا چون قبلاً قانونی وضع کرده‌ایم حالا دیگر نمی‌توانیم از آن عبور کنیم؟»، «آیا اگر دانش‌آموزانمان روش‌های خلاقانه‌تری را در مسیر تدریس پیشنهاد کردند، نباید آن‌ها را بشنویم و اجرا کنیم؟»

حلقه مفقوده نظام آموزش و پرورش ما آنجاست که به‌طور روزمره آثار خود را در بزنگاه کلاس درس، همان‌جا که باید فرزندانمان هر روز مشق زندگی بیاموزند، نشان می‌دهد و آن نبود «دریافت همدلانه و ابراز صادقانه» است. ما، گاه حتی می‌خواهیم مهارت‌های زندگی را هم با دستور به فرزندانمان بیاموزیم بدون آنکه بتوانیم به این سؤال اساسی پاسخ دهیم که «آیا اطمینان خاطر داریم آنچه از نظر ما مهارت زندگی خوانده می‌شود برای فردای فرزندانمان هم مهارت محسوب می‌شود و قابل به کار بستن است؟» تجربه

من از پژوهش روایت‌های دانش‌آموزان از مفهوم خانواده مطلوب نشان می‌دهد که باید بایستیم و از خودمان بیرسیم که «آیا می‌توانیم فضایی به وجود آوریم که همگان، چه دانش‌آموز و چه معلم، و چه اولیای مدرسه، سهم برابری از قدرت داشته باشند و مسئولیت‌های آن را هم با یکدیگر به اشتراک بگذارند؟» نه قرار است فرزندسالاری باشد، نه پدرسالاری، نه معلم‌سالاری و نه دانش‌آموزسالاری! ما باید بیاموزیم که ابراز کنیم، همدلانه بشنویم و در محیطی برابر همدیگر و نیازهایمان را بپذیریم و به رسمیت بشناسیم و مسیری برای رشد بیابیم.

دانش‌آموزان عاملانی فعال برای ترسیم مسیر یادگیری خود و همراهی در آن‌اند، به شرط آنکه باور کنیم گفت‌وگو و همکاری، روشی قابل آموزش است که آن را باید نخست از بزرگ‌ترها، چه در مدرسه و چه در خانه، آغاز کرد و بعد جریان آن را در مدرسه مبتنی بر آموزشی باکیفیت به تماشا نشست. فرزندان ما محتاج یادگیری مهارت‌های گفت‌وگو و تعامل هستند. باید یاد بگیریم و به آن‌ها هم یاد بدهیم تا از این رهگذر بتوان به کاهش بازنمایی‌های خشونت چه در جامعه و چه در مدرسه و چه در خانه امید بست.

* پی‌نوشت‌ها

۱. برخی از مهم‌ترین نتایج این پژوهش را می‌توانید در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی مفهوم خانواده مطلوب از دیدگاه دانش‌آموزان» چاپ شده در فصلنامه علمی پژوهشی خانواده و پژوهش، ۱۳۹۹، ۱(۱۷)، ۴۱-۶۲، مطالعه کنید.

2. Power over
3. Power with

آیا اطمینان داریم آنچه از نظر ما مهارت‌های زندگی خوانده می‌شود، برای فردای فرزندانمان نیز مهارت محسوب می‌شود و قابل به کار بستن است؟



چشم و ابزار دیجیتال

آثار و پیامدهای استفاده دانش‌آموزان از ابزارهای الکترونیکی

اعظم گودرزی

دکترای تخصصی آموزش و ارتقای سلامت

جمعیت جهانی وابسته به فناوریِ امروزی، همواره سبک زندگی ناسالم غیربهداشتی و کم‌تحرک را پیش می‌گیرند. این سبک آن‌ها را در معرض خطر ابتلا به بیماری‌های جسمانی شدید و اختلال‌های روانی قرار می‌دهد.

یک مطالعه در شش کشور آسیایی نشان داده است که ۶۲ درصد از گروه سنی ۱۲ تا ۱۸ سال گوشی هوشمند شخصی در اختیار دارند. در سال‌های اخیر دسترسی آسان به اینترنت باعث شده است که این گروه علاقه زیادی به استفاده از اینترنت پیدا

استفاده از ابزارهای فناوری با سرعت بی‌سابقه‌ای در سرتاسر جهان در حال افزایش است. در حال حاضر، نه تنها بزرگسالان، بلکه کودکان نیز بیش از حد روی ابزارهای فناوری سرمایه‌گذاری می‌کنند، که این موضوع پرسش‌ها و نگرانی‌هایی را در مورد تأثیر آن‌ها بر کودکان از نظر جسمی و ذهنی ایجاد می‌کند. اگرچه فناوری تأثیر عظیمی در شکستن موانع جغرافیایی و دسترسی به اطلاعات دارد، با این حال، اثرهای منفی خود را نیز دارد.

کنند و این علاقه خود به نوعی اعتیاد تبدیل شده است.

بررسی تاریخی پیدایش فناوری‌های ارتباطی پیشرفته بر آن دلالت دارد که با آمدن هر فناوری ارتباطی جدید به جامعه موجی از امیدها و هراس‌ها پدید می‌آید. در قرن نوزدهم با پایه‌عرصه‌نهادن تلگراف این امید در دل برخی از انسان‌های نیک‌اندیش و خیرخواه پدید آمد که این فناوری به تحقق «جامعه جهانی» کمک خواهد کرد و بدین ترتیب جهان دیگر شاهد رخ دادن جنگی نخواهد بود. زمانی هم که تلفن اختراع شد، برخی از منافع فراوان آن سخن به میان آوردند و از خارج شدن انسان‌ها از انزوای اجتماعی و برقراری رابطه بین افراد با برخی از نزدیکانشان، که به دلیل بعد راه، از یکدیگر دور افتاده‌اند، سخن گفتند.

با شکل‌گیری اینترنت نیز این اندیشه در افکار گسترده‌ای از مردم شکل گرفت، که با کمک اینترنت می‌توان جامعه‌ای برتر را رقم زد. با پایه‌عرصه‌نهادن تلفن همراه، بعضی از آن‌ها از خلاصه شدن تمامی فناوری‌های ارتباطی در مشت کاربران سخن به میان آوردند و انقلاب آموزشی مبتنی بر تلفن همراه و مانند آن را طرح کردند. با وجود این، برخی از افراد در جهت‌گیری و سمت‌وسویی متفاوت مردم را به خطرات بالقوه فناوری‌های نوین هشدار دادند. شکی نیست که پیشرفت سریع فناوری دیجیتال نحوه برقراری ارتباط، کار و گذراندن اوقات فراغت ما را تغییر داده است. اگرچه بسیاری از افراد موافقاند که دسترسی آسان به دستگاه دیجیتال چندمنظوره، مانند گوشی‌های هوشمند یا رایانه‌ها، و اینترنت پرسرعت زندگی ما را بهبود بخشیده و آزادی بیشتری به ارمغان آورده است. همچنین، در زمان مورد نیاز برای انجام بسیاری از کارهای روزانه صرفه‌جویی کرده است؛ اما بررسی‌ها

درباره تأثیر فناوری‌های نوین بر سلامت کودکان و نوجوانان محدود و انگشت‌شمارند. در دهه‌های گذشته هم‌زمان با افزایش استفاده از دستگاه‌های الکترونیک، تغییر رویکردی به سمت خواب ضعیف در میان دانش‌آموزان رقم خورده است. این فناوری‌ها موقعیت‌های بسیاری را برای تحصیل و سرگرمی در اختیار دانش‌آموزان قرار داده‌اند، بنابراین مخالفت و مواجهه افراطی با دستگاه‌های دیجیتالی می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری را در سال‌های زندگی آنان در بر داشته باشد. براساس گزارش «مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها» یک کودک در سنین مدرسه به‌طور متوسط حدود هشت ساعت در روز را صرف تماشای صفحه‌نمایش‌های الکترونیکی می‌کند. استفاده بیش از حد از صفحه‌نمایش و کمبود خواب می‌تواند به کاهش بهره‌وری بین دانش‌آموزان منجر شود.

استفاده بیش از حد از ابزارهای الکترونیکی در اوایل کودکی یا سال‌های نوجوانی می‌تواند به اختلال‌های روان‌شناختی گوناگونی، مانند اختلال نقص توجه، بیش‌فعالی^۱ و همچنین، عوارض فیزیولوژیک مانند چاقی، نزدیک‌بینی، تاری دید، سردرد و مشکلات ساختارقامتی منجر شود.

میان تماشای بیش از دو ساعت تلویزیون در روز از یک‌سو و داشتن تلویزیون در اتاق خواب از سوی دیگر با اضافه‌وزن و چاقی دانش‌آموزان ارتباط نزدیکی وجود دارد. همچنین، کودکانی که بیش از چهار ساعت تلویزیون تماشا می‌کنند فعالیت بدنی کمتر و عادات‌های غذایی نامناسب‌تری دارند، در نتیجه مستعد ابتلا به اضافه‌وزن و چاقی هستند. از سوی دیگر استفاده بیش از حد از رایانه و تماشای تلویزیون سبب بدخواهی و کم‌خوابی کودکان می‌شود که این موضوع خود یکی از علت‌های چاقی و اضافه‌وزن، نقص در زبان و بیش‌فعالی است.

از جمله اثرات منفی فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد جسمی و روانی کودکان در حوزه شناختی، گذاشتن تأثیر منفی بر خواب، حافظه، توانایی خواندن، تمرکز، توانایی برقراری ارتباط حضوری و اضطراب است.

افزایش استفاده از دستگاه‌های دیجیتال در میان نوجوانان چالش جدیدی را با عنوان «فشار چشم دیجیتال» به همراه دارد. فشار چشم دیجیتال به دنبال استفاده طولانی‌مدت از رایانه و گوشی تلفن همراه به وجود می‌آید.

تماشای صفحه‌نمایش قبل از خواب با شروع دیرتر خواب، خواب کوتاه‌تر، خواب با کیفیت پایین و خواب‌آلودگی در کلاس درس ارتباط معناداری دارد.

از طرف دیگر طول مدت تماشای تلویزیون با افزایش وزن و چاقی، مشکلات بهداشت دهان، مشکلات اجتماعی‌هیجانی و نگرانی درباره عزت‌نفس همراه بود. تماشای طولانی‌مدت تلویزیون نیز با کارکردهای اجرایی در دانش‌آموزان رابطه دارد.

از زمانی که جامعه از انواع فناوری استفاده می‌کند، جلوگیری از استفاده دانش‌آموزان از اینترنت و ابزارهای الکترونیک اقدامی چندان منطقی نیست، زیرا استفاده از این ابزارها، به‌ویژه در سنین مدرسه، فواید و همچنین مضراتی دارد. بهینه‌سازی استفاده از ابزارهای دیجیتال و اینترنتی و همچنین کاهش خطرات، با مشارکت والدین و مراقبین سلامت مدرسه، به‌عنوان ناظر و آموزش متخصصان بهداشت، اهمیت دارد.

* پی‌نوشت

1. ADHD

**بهینه‌سازی
استفاده از
ابزارهای دیجیتال
و اینترنتی و
همچنین کاهش
خطرات، با
مشارکت والدین
و مراقبین سلامت
مدرسه، به‌عنوان
ناظر و آموزش
متخصصان
بهداشت، اهمیت
دارد**

نقش بازخورد در یادگیری دانش‌آموزان

(قسمت اول)



دکتر عبدالحمید رضوی

عضو بازنشسته هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

شرقی، اصفهان، شهرستان‌های تهران و شهر تهران به اجرا درآمد.

یکی از ابزارهای استفاده‌شده در آن تحقیق بازبینی (چک‌لیست) پوشه‌کارهای دانش‌آموزان بود. می‌دانیم که کارپوشه (یا همان پوشه‌کار) پوشه‌ای است که در آن آنچه دانش‌آموز در طول سال تحصیلی انجام می‌دهد، اعم از امتحان‌ها، تکلیف‌ها و دیگر فعالیت‌های متنوع در کلاس و مدرسه نگهداری می‌شود. ما در مطالعه خود به دنبال آن بودیم که ببینیم معلمان در مقابل این فعالیت‌های تحصیلی چه بازخوردی به دانش‌آموزان داده‌اند. چرا که نوع بازخورد به دانش‌آموز در رشد و پیشرفت تحصیلی و تربیتی او تأثیر مستقیم دارد.

از سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ تا امروز ارزشیابی دانش‌آموزان در دوره ابتدایی به صورت توصیفی انجام می‌گیرد؛ بنابراین تلقی والدین این است که دیگر به دانش‌آموز نمره نمی‌دهند، بلکه او را به وسیله توصیف‌هایی ارزشیابی می‌کنند.

در سال ۱۳۹۲ نویسنده این مقاله تحقیقی در سطح کشور انجام داد که یکی از اهداف آن تعیین چگونگی بازخورد دادن به فعالیت دانش‌آموزان بود، بدین معنی که ببینیم معلمان چه عکس‌العملی (بازخورد) در مقابل فعالیت‌های دانش‌آموزان از خود نشان می‌دهند.

پژوهش در ۶۴ مدرسه ابتدایی واقع در ۳۰ منطقه آموزشی استان‌های فارس، بوشهر، هرمزگان، ایلام، آذربایجان

در اینجا فقط انواع بازخوردهای ثبت شده در کارپوشه‌ها را مرور می‌کنیم؛ بازخوردهایی که به‌طور معمول معلمان به دانش‌آموزان می‌دهند.

در مورد کمیت بازخوردهای معلمان به دانش‌آموزان باید گفت که در مقابل ۷۰۸۵ فعالیت دانش‌آموزان (شامل ۶۰۶۳ آزمون و ۱۰۲۲ پروژه)، روی هم رفته معلمان ۷۱۹۶ بازخورد به دانش‌آموزان داده‌اند. یعنی در مقابل هر فعالیت (هر آزمون یا هر پروژه) حدود ۱/۰۲ بازخورد داده شده است. البته باید این نکته را در نظر داشت که آزمون‌های اجرا شده در مورد درس فارسی، علوم و ریاضی بوده‌اند و هر آزمون خود تعدادی سؤال دارد، بنابراین میانگین ۱/۰۲ برای هر آزمون یا هر پروژه میزان قابل قبولی نیست، و این بدان معنی است که معلمان به برخی از آزمون‌ها یا پروژه‌ها بازخوردی نداده‌اند. آن‌ها در برخی از آزمون‌ها به بیش از یک سؤال بازخورد داده‌اند.

باید به یاد داشته باشیم که اصولاً بخش زیادی از بازخوردهای کلاسی، شفاهی هستند و بازخوردهای کتبی تنها زمان‌های خاصی کاربرد دارند. در اینجا بیشتر بازخوردهای کتبی معلمان بررسی شده است.

اولین سؤال این است: «اصولاً بین عملکرد دانش‌آموز و بازخورد معلم چه مقدار زمان طی شده است؟» برای این کار مشاهده‌کننده با مشاهده برگه‌های آزمون در پوشه کار براساس مقیاسی چهاردرجه‌ای، قضاوت کرد که این فاصله زمانی چگونه بوده است؛ این فاصله بین یک تا چهار روز «اندک»، بین پنج روز تا یک هفته «تقریباً اندک»، بیش از یک هفته تا دو هفته «نسبتاً زیاد» و زمانی بیشتر از دو هفته آن را «زیاد» دانسته‌ایم. این کار فقط در مورد اسنادی انجام شده است که روی آن‌ها تاریخ اجرای بازخورد وجود داشته است.

نوع بازخوردها را به‌طور معمول به سه دسته کتبی، شفاهی و نمایشی تقسیم می‌کنند. در این مورد به دلیل آنکه از لحاظ عملی امکان ثبت بازخوردهای شفاهی و نمایشی در پوشه کارها نبود، تنها وضعیت بازخوردهای کتبی بررسی و قضاوت شد.

اگرچه بیشتر بازخوردها کتبی بودند، اما برخی معلمان اظهار می‌داشتند که از بازخوردهای شفاهی در کلاس درس استفاده می‌کنند. همچنین، اظهار می‌کردند که برای کاردستی‌ها بازخوردهایشان اغلب شفاهی است. آن‌ها معتقد بودند که برای دانش‌آموزان کلاس اول، قادر به استفاده از بازخوردهای کتبی نیستند و ناچاراند از بازخوردهای شفاهی یا نمایشی استفاده کنند؛ اگرچه می‌گفتند در برخی از کلاس‌های کم جمعیت می‌توان از بازخورد شفاهی استفاده کرد. معلمان منطقه‌های روستایی هم به دلیل میزان اندک سواد والدین یا حتی بی‌سوادی آن‌ها به‌صورت شفاهی بازخورد داده بودند.

پژوهش به دنبال این بود تا ضمن بررسی پوشه کار، قضاوت کند که بازخوردها تا چه اندازه فراتر از عملکرد هستند، کلی

و با عملکرد بی‌ربط هستند، خلاصه هستند، فاصله عملکرد دانش‌آموز را با اهداف آموزشی توصیف کرده‌اند، با تجربه‌های قبلی دانش‌آموزان پیوند داشته‌اند یا اینکه برای پیشرفت‌های بعدی دانش‌آموز رهنمودهای اصلاحی داده‌اند.

برخی از بازخوردها به شکل کلی و بی‌ربط با عملکرد دانش‌آموزان بودند. برای مثال، اگر در برگه دانش‌آموز نوشته شود «نیازمند تلاش، آفرین، آفرین به دخترم، زکوشش به هر چیزی خواهی رسید، بسیار خوب، بسیار عالی آفرین، تلاش تلاش تلاش، خوب است، خوب بود، خیلی خوب، دقت دقت کن، صد آفرین، قابل قبول خانم درس بخوان» در واقع به دانش‌آموز بازخورد رهنموددهنده‌ای داده نشده است.

نمونه‌هایی از بازخوردها

۱. آفرین، خوب بود ولی من از تو انتظار بیشتری دارم.
۲. از تلاشت سپاسگزارم.
۳. ملاحظه شد.
۴. موفق باشی.

در برخی از بازخوردها تا حدودی فاصله عملکرد دانش‌آموز با اهداف آموزشی بیان شده بود، اما به شکلی که توصیفی از این فاصله باشد نبود، برای مثال:

۱. آفرین دختر خوب! در تقسیم کسرها بیشتر دقت کن.
۲. بهتر بود مرحله‌ها را کامل می‌نوشتی، بسیار خوب بود.
۳. دختر گلم! چرا در سه سؤال آخر این قدر بی‌دقتی کردی و ناقص نوشتی؟
۴. دختر گلم عالی نوشتی. آفرین! آفرین! اما ضرب ۶ در ۷ را بیشتر تکرار و تمرین کن.

نمونه‌ای از بازخوردهایی که منظور از آن‌ها سعی در برقراری ارتباط بین عملکرد فعلی دانش‌آموز با تجربه‌های قبلی او بود:

۱. آفرین پسر! از اینکه نسبت به دفعه قبل بهتر جواب دادی خوش‌حالم.
 ۲. ابوالفضل عزیز! خوش‌حالم که از ابتدای سال تحصیلی تاکنون توانسته‌ای همیشه بهترین و عالی‌ترین نتیجه را در نوشتن املا و سایر درس‌ها کسب کنی. موفق باشی.
 ۳. از قبل بهتر شدی.
 ۴. پسر! توانایی انجام آزمایش‌های علوم را داشتی.
 ۵. خوب است، ولی اگر به سؤال‌ها بیشتر دقت کرده بودی نتیجه بهتری می‌گرفتی.
- در گونه‌ای دیگر از بازخوردها معلم سعی کرده بود برای

بازخورد صحیح
دادن به عملکرد
شفاهی و کتبی
دانش‌آموز، بر رشد
و پیشرفت تحصیلی
و تربیتی وی تأثیر
مستقیم دارد

همچنین توجه به سطح توانایی یادگیرنده در دادن بازخورد لازم است. برخی از بازخوردها در پوشه کارها گویای توجه به این نکته بود:

۱. آفرین! کارت زیباست. امیدوارم بیشترین قسمت آن را خودت انجام داده باشی.

۲. از کارت لذت بردم. پیداست که برای انجام این کار تلاش کرده‌ای.
۳. آفرین! خوب است، ولی توقع بیشتری از شما می‌رفت.
۴. اگر بخواهی می‌توانی بهتر باشی.
۵. داری به هدف می‌رسی؛ پس به تلاشت ادامه بده.
۶. عزیزم! لازماً پیشرفت خواستن است.

از معلمان انتظار می‌رود در بازخورد دادن، به پیشرفت‌هایی که دانش‌آموز داشته است توجه کنند. این معلمان، گاهی با اشاره مستقیم به پیشرفت و گاهی با اشاره غیرمستقیم به آن، به گونه‌ای بازخورد داده‌اند که دانش‌آموز در کار خود احساس پیشرفت را کرده است.

برای مثال:

۱. آفرین! امروز موفق شدی جمع را به درستی انجام دهی.
۲. آفرین! جمله‌های زیبایی با واژه‌ها می‌سازی.
۳. آفرین دختر گلم! از پیشرفتی که در نوشتن املا داشته‌ای خوش‌حالم. سه کلمه را اشتباه نوشتی. صحیح کلماتی را که زیرش خط کشیدم یاد بگیر.

پیشرفت‌های بعدی دانش‌آموزان و اصلاح عملکرد آنان رهنمودهایی بدهد.

نمونه‌ای از این بازخوردها چنین بود:

۱. آفرین! خوب حل کردی. در سؤال دو بیشتر دقت کن!
۲. آفرین دخترم! خوب یاد گرفتی. دوباره در خانه مرور کن!
۳. امیدوارم آزمون‌های بعدی را با دقت و توجه بیشتری پاسخ دهی.
۴. امیدوارم دفعه بعد تکرار نشود.
۵. با دقت بیشتر، نتیجه بهتری خواهی گرفت.
۶. دخترم اشتباهت را تمرین کن. آفرین عزیزم! خیلی خوب و زیبا نوشته‌ای.
۷. دخترم! برای هر مسئله جلونویسی کن. موفق باشی.
۸. نمونه متن بالا را تمرین کن.

از معلمان انتظار می‌رفت در محتوای بازخوردهایشان به مهم‌ترین نکته‌ها در کار دانش‌آموز توجه کنند که با هدف‌های یادگیری مرتبط باشد، به سطح توانایی دانش‌آموز اشاره کنند و ضمن نظارت بر پیشرفت او، راهنمایی‌های لازم را به او بکنند. نمونه‌ای از بازخوردهایی که در آن‌ها به مهم‌ترین نکته‌ها در عملکرد دانش‌آموز توجه شده است، چنین بود:

۱. آفرین! پیشنهادهای جالبی داده‌ای.

۲. آفرین! با انتخاب تصاویر مناسب

مواد را خیلی خوب دسته‌بندی کردی.

۳. آفرین به رنگ‌آمیزی‌ای که انجام دادی!

۴. از دقت شما لذت بردم.

۵. پسر گلم خیلی خوب نوشتی. خوش‌حالم از املاي تمیز و بدون اشتباه تو.

۶. عزیزم! از اینکه صداها را به آسانی از یکدیگر تفکیک می‌کنی و بخش‌ها را می‌سازی ممنونم و به تو افتخار می‌کنم.

یکی دیگر از مصداق‌های توجه به اصل مربوط به محتوا در بازخوردها آن است که بازخورد با هدف‌های یادگیری مرتبط باشد. چند نمونه از این بازخوردها در پوشه کارها:

۱. از نقاشی و کار تو راضی بودم چون منظور موضوع را فهمیدی.
۲. در املا نوشتن کماکان ضعیف و ناتوان است.
۳. چرا بازگشت آب به کره زمین را نشان نداده‌ای؟!

محتوای بازخوردها باید به مهم‌ترین نکته در کار دانش‌آموز اشاره کند و با هدف‌های یادگیری و توانایی دانش‌آموز مرتبط باشد



۴. پسر م خوب بود. در ضرب بی دقتی داشتی. جبران شود. از پیشرفت تو خیلی خوش حالم.

۵. تلاش خوبی داری. جمع ها را خوب نوشتی.

۶. دختر گلم! تو که این قدر خوب می نویسی تعداد سوالات را بیشتر کن.

۷. دختر گلم! خوش حالم که جمع دو عدد را به درستی یاد گرفتی و قادر هستی جمع ها را ذهنی و سریع انجام دهی.

۸. گل قشنگم! از اینکه با دقت به سوالات پاسخ دادی از تو متشکرم. تلاش تو قابل تقدیر است.

همان طور که انتظار می رود معلمان هنگام ارائه بازخورد به دانش آموزان توصیه هایی کرده بودند که برای بهبود عملکرد دانش آموز جنبه راهنمایی داشته باشند. این موارد نمونه هایی از بازخوردهای معلمان در این زمینه اند:

۱. آفرین! پاسخ هایت خیلی خوب است. سعی کن خط زیبایی هم داشته باشی.

۲. آفرین! خیلی خوب بود. املاي درست کلمه هایی را که زیر آن ها خط کشیده ام، بنویس.

۳. آفرین دختر گلم! خیلی خوب دقت کرده ای، کلمه های غلط را تمرین کن و دوباره بنویس.

۴. دوباره با دقت بنویس.

۵. عزیزم! از اینکه می بینم در امتحان پیشرفت داشتی خیلی خوش حالم. معنی کلمات را یاد بگیر و جمله بندی هایت را بهتر بنویس.

۶. عزیزم! شما باید سریع تر کار انجام دهی، دسته بندی را بهتر انجام دهی و با خاصیت ضرب بهتر آشنا شوی.

در برخی از بازخوردها معلمان دانش آموزان را از بروز عملکردی منع می کنند. این بازخوردها عبارتند از:

۱. انتظار داشتم در درس املا تمرین بیشتری داشته باشی.

۲. بسیار بدخط نوشته شده است.

۳. پسر م چرا در جواب دادن دقت نداری!

۴. عزیزم! دقت در انجام کار بهتر از عجله کردن است.

۵. فراموش نکن که چه می نویسی!

۶. گلم! چرا از خط کش استفاده نکردی؟

هنگامی که دانش آموز، در زمان ارزشیابی، از ملاک هایی که قرار است براساس آن ها ارزیابی شود آگاه است، چه بسا بهتر می تواند عملکرد واقعی تری از خود نشان دهد. اینکه چگونه عملکرد دانش آموز را با خودش یا با دیگران، یا با ملاک هایی در آزمون مقایسه می کنیم از مهارت های اساسی در تهیه و اجرای هر نوع ارزشیابی است.

نمونه ای از بازخوردهایی که در آن ها تا حدودی عملکرد دانش آموز با ملاک های از پیش تعیین شده ارزیابی شده است چنین بود:

۱. آفرین گلم! عالی نوشتی؛ غیر از سؤال ۴ و ۷

صحیح و غلط؛ باید حواست را جمع می کردی.

۲. آفرین گلم! غیر از سؤال ۳ و ۵ که بی دقتی کردی بقیه سوالات را عالی نوشتی.

۳. آفرین بر شما! اگر جواب سؤال ۱۴ را می نوشتی خیلی بهتر بود.

۴. شکل هایی که کشیدی غلط است.

۵. آفرین مهدی جان! فقط سؤال آخر را ناقص جواب دادی.

جملات را کامل کن. متشکرم.

۶. دختر خوبم! شما به تمام اهداف، در جمع و تفریق های اساسی، در حد مطلوب دست یافته ای.

یکی دیگر از راه های رعایت اصل مربوط به ملاک های مقایسه برای قضاوت در مورد عملکرد دانش آموزان، آن است که عملکرد یک دانش آموز با هنجار، یا نمونه ای از عملکرد دانش آموز دیگر مقایسه شود. این عبارت ها را تا حدودی می توان شاهی بر استفاده معلمان از این شیوه دانست. اما باید گفت هنجار به معنی واقعی در بازخوردها ملاحظه نشده است.

۱. نور دیده! امیدوارم همیشه جزو بهترین ها باشی. از تلاش تو ممنونم.

۲. فرشته کوچکم. آفرین به تو! عالی نوشتی.

امیدوارم همیشه بهترین های کلاس باشی.

۳. پسر م! لازم است سر کلاس شنونده بهتری باشی و در جلسه با دقت تر باشی.

۴. گلم از شما بیشتر از این انتظار دارم!

۵. دختر م! توانستی به نیمی از سوالات پاسخ دهی (۱۰-۹-۸-۵-۴) دوباره با دقت بنویس.

همین طور ارزیابی عملکرد دانش آموز با گذشته اش می تواند معیار خوبی باشد.

بازخوردهای زیر نمونه ای از این ارزیابی هاست:

۱. نسبت به قبل بهتر شده ای!

۲. عزیزم تلاش و دقت شما باعث شد این بار کمتر اشتباه کنی!

۳. پیشرفت داشتی. برای بهتر شدن کارت کلمه های جدید درس و کلمه هایی را که مشکل داری در کارت ها بنویس و هر روز تمرین کن.

۴. در ترکیب و جداسازی کلمه ها و کامل کردن هنوز مشکل دارد.

۵. دختر گلم! از اینکه در کارهایت پیشرفت داشتی به خودت امیدوار باش.

خواننده گرامی، امیدوارم این مباحث برای شما قابل استفاده بوده باشد. ادامه این مطلب را در شماره بعدی مجله می خوانید.

اینکه چگونه
عملکرد دانش آموز
را با خودش یا
با دیگران یا با
ملاک هایی در
آزمون مقایسه
می کنیم، از
مهارت های اساسی
در تهیه و اجرای
هر نوع ارزشیابی
است

شایستگی‌های پایه

نیاز زندگی امروز و فردای فرزندان

دکتر فاطمه زهرا احمدی

عضو هیئت علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

و تصمیم‌گیری کنند، با دیگران ارتباط‌های مؤثر و سازنده برقرار کنند، داشته‌های فرهنگی و تاریخی خود را ارج نهند و برای رسیدن به اهداف بلندمدت خود، خویشتن‌دار باشند. در متون علوم تربیتی به چنین توانایی‌هایی «شایستگی‌های پایه» گفته می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده است که برخورداری از شایستگی‌های پایه به دانش‌آموزان کمک می‌کند یادگیرندگان موفق‌تری باشند. برای مثال، در آزمایش مشهوری به نام «مارشمالو» (پفنبات)، گروه زیادی از کودکان را به‌صورت تک‌تک در اتاقی قرار دادند. پژوهشگر یک پفنبات را در بشقابی قرار می‌داد و جلوی چشمان کودک می‌گذاشت و به او می‌گفت: «اگر بخواهی می‌توانی این پفنبات را بخوری، اما اگر صبر کنی تا من بروم و برگردم و تو هنوز این مارشمالو را نخورده باشی، علاوه بر آن مارشمالو،

مادر اول: سلام به همه مامانای عزیز... می‌خواستم بپرسم برای تابستون بچه‌ها چه کلاسایی ثبت‌نام کردین. اگه لطف کنین بگین تا منم تصمیم بگیرم کجا بنویسم...

مادر دوم: لیانا کلاس بنیۀ علمی ریاضی و نقاشی توی مدرسه خودشون میره... زبان هم که خصوصی معلم داره و خیلی خوب پیشرفت کرده... بنیۀ علمی فارسی رو هم می‌خواستم بنویسم، دیگه می‌شد کل هفته! دیدم زیاده، خودم کتاب گرفتم باهاش کار کنم.

مادر اول: مشخصه مدرسه‌ای که بردیش چه مدرسه خوبیه... کاربرگ‌هایی که کار می‌کنن رو برای من می‌فرستی.

مادر دوم: چشم عزیزم. می‌فرستم حتما. آنچه خواندید، جملاتی از گفت‌وگوی مادران چند کودک پیش‌دبستانی است که بچه‌هایشان را برای رفتن به کلاس اول دبستان آماده می‌کنند. هر چند با نقل این گفت‌وگو بیم آن می‌رود که مادران در دام برنامه‌ریزی افراطی برای زمان آزاد کودکان خود گرفتار شوند و فشار جسمانی و روانی بر کودکان وارد کنند، اما در عین حال این گفت‌وگو نشان از شوق مادران به درگیر شدن و مشارکت در فرایند تربیت فرزندانشان دارد.

بدون شک عمده‌ترین انتظار پدر و مادرها از نظام تعلیم و تربیت ایران این است که به کودکان و نوجوانان کمک کند به توانایی‌ها و مهارت‌هایی آراسته شوند که زمینه‌ساز موفقیت حال و آینده آنان در زندگی باشد. نگرش بعضی والدین در انتخاب مدرسه خوب، از پیش‌دبستانی تا بالاتر، عمدتاً ناظر بر یادگیری و موفقیت فرزندان در دروس خاصی است؛ اما زمانه‌ای که در حال حاضر فرزندان ما در آن زندگی می‌کنند بسیار پیچیده‌تر از زمانه‌ای است که ما کودکی‌مان را گذرانیدیم و احتمالاً همچنان پیچیده‌تر خواهد شد. برای موفق شدن در چنین روزگاری، باید رشد همه‌جانبه آن‌ها مدنظر باشد؛ آن‌ها باید بتوانند در مواجهه با اطلاعات و داده‌های گوناگون، با یا بدون کمک دیگران، بیندیشند



یکی دیگر هم به تو جایزه می‌دهم.» از بین ۶۰۰ کودکی که در این آزمایش شرکت کرده بودند، یک سوم آن‌ها توانستند تا برگشتن پژوهشگر که حدود ۱۵ دقیقه طول کشید، صبوری نشان دهند. پژوهشگران، این ۶۰۰ کودک را در سال‌های بعدی نیز بررسی کردند و دریافتند، کودکانی که در اولین تجربه، خویش‌نهادی نشان داده و خوردن مارشمالو را به تعویق انداخته بودند، در دوران مدرسه نمرات بالاتری دریافت کرده‌اند و در دوران بزرگسالی نیز از لحاظ جسمی بسیار سالم‌ترند و در ازدواج‌هایشان هم موفق‌تر از دیگر کودکان‌اند.

خوشبختانه در حال حاضر در سیاست‌گذاری‌های کلان نظام تعلیم و تربیت، شایستگی‌های پایه مورد توجه جدی قرار گرفته است و برنامه‌ریزی‌ها به‌شکلی صورت می‌گیرد که در آینده نزدیک، معلمان در هنگام تدریس دروس گوناگون مانند علوم، ریاضی، مطالعات اجتماعی و غیره به‌گونه‌ای عمل کنند که شایستگی‌های پایه نیز در دانش‌آموزان شکل بگیرد. از آنجایی که یادگیری واقعی وقتی رخ می‌دهد که یادگیرنده آنچه را در کلاس درس آموخته است با خود بردارد و به فراتر از محیط کلاس ببرد، نقش والدین برای نهادینه کردن این شایستگی‌ها در دانش‌آموزان بسیار جدی به نظر می‌رسد.

در آخرین تجدید نظری که بر شایستگی‌های پایه، در نظام برنامه‌ریزی درسی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران به عمل آمده است، بر چهار شایستگی پایه تمرکز شده که عبارت‌اند از:

- کسب هویت ایرانی اسلامی؛
- تفکر و تعقل؛
- ارتباط مؤثر و مسئولانه؛

- مدیریت خود.

معلمان با استفاده از منابع مختلفی که در



اختیار آنان قرار خواهد گرفت باید به دانش‌آموزان کمک کنند تا به کسب این شایستگی‌ها نایل آیند. همچنین منابعی در اختیار آنان قرار خواهد گرفت تا مشارکت والدین در تحقق این شایستگی‌ها را نیز جلب کنند. هر کدام از این شایستگی‌های چهار گانه، بروز رفتارهای خاصی را، در دانش‌آموزان، فرامی‌خواند و انتظار دارد که به شرح زیر آمده است:

۱. شایستگی هویت ایرانی اسلامی

اولین شایستگی پایه که برای تحقق آن در دانش‌آموزان برنامه‌ریزی شده، شایستگی هویتی است و انتظار می‌رود معلمان و والدین در راستای اجرای آن در قالب رفتارهای زیر تلاش کنند:

- پایبندی به معنای دینی زندگی در رفتار و تصمیم‌گیری‌های خود؛
- برخورداری از احساسات دینی؛
- ارج نهادن به مؤلفه‌های هویت قومی در اقوام گوناگون ایرانی؛
- افتخار آگاهانه به ایرانی‌بودن خود و دستاوردهای تاریخ و تمدن ایرانی اسلامی و انقلاب اسلامی و دفاع از آن‌ها؛
- پذیرش نقش‌های خود در خانواده و تعهد نسبت به حریم آن؛
- پذیرش تفاوت‌های جنسی و جنسیتی زن و مرد بر اساس نظام معیار اسلامی و اقدام بر اساس آن‌ها.

۲. شایستگی تفکر

شایستگی دیگری که برای تحقق آن در دانش‌آموزان برنامه‌ریزی شده است و انتظار می‌رود معلمان و والدین در راستای اجرای آن تلاش نمایند، «تقویت توانایی تفکر» است. برخی از رفتارهایی که در دانش‌آموزان برخورداری از شایستگی تفکر دیده می‌شود عبارت‌اند از:

- نشان دادن شوق به کندوکاو و اکتشاف؛
- شناسایی و طرح پرسش‌ها و مسائل گوناگون؛
- یافتن منابع اطلاعاتی مناسب؛
- سازمان‌دهی، دسته‌بندی و شفاف‌سازی اطلاعات پیش رو؛
- تحلیل، تفسیر و ارزشیابی داده‌ها و اطلاعات پیش رو؛
- ارائه راه‌حل‌های گوناگون برای حل مسائل (هم به شیوه متعارف و هم به شیوه نوآورانه)؛
- بررسی گزینه‌های پیش رو؛ یعنی سنجش جوانب مثبت و منفی و در نهایت پذیرفتن مسئولیت انتخاب‌های خود.

۳. شایستگی برقراری ارتباط مؤثر و مسئولانه

این شایستگی دیگری است که انتظار می‌رود در آینده نزدیک در فکر و عمل تمام دانش‌آموزانی که دوره دوازده‌ساله

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که برخورداری از «شایستگی‌های پایه» به دانش‌آموزان کمک می‌کند یادگیرندگان موفق‌تری باشند

شایستگی‌های پایه عبارت‌اند از کسب هویت ایرانی اسلامی، تفکر و تعقل، ارتباط مؤثر و مسئولانه و مدیریت خود

مدرسه را به پایان رسانده‌اند دیده شود. بعضی از رفتارهای مورد انتظار از این شایستگی عبارت‌اند از:

- سازمان‌دهی و بیان خواسته‌ها، احساسات و ایده‌های خود به صورت قانع‌کننده، محترمانه و متناسب با موقعیت؛
- رعایت حیا و عفاف در تمام ساحت‌ها و اقسام ارتباط با دیگران؛
- مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی منفی؛
- صداقت‌داشتن در ارتباط با دیگران؛
- نشان‌دادن مهرورزی، خیرخواهی و از خودگذشتگی در انواع ارتباط با دیگران؛
- دفاع از حقوق خود و دیگران؛
- تکریم محیط زیست و بهره‌برداری مسئولانه از آن؛
- نشان‌دادن همدلی و شفقت نسبت به دیگران؛
- حل‌وفصل سازنده تعارضات؛
- استفاده صحیح از فناوری‌های ارتباطی و محصولات رسانه‌ای.

۴. شایستگی مدیریت خود

معلم‌ان در آینده نزدیک، تدریس خود را به گونه‌ای انجام می‌دهند که رفتارهایی از دانش‌آموزان سرزند که حکایت از برخورداری آنان از این شایستگی دارد. برخی از نشانه‌های رفتاری «شایستگی مدیریت خود» عبارت‌اند از:

- آگاهی از افکار، احساسات، انگیزه‌ها و رفتارهای خود؛
- باور به ظرفیت‌های خود برای موفقیت در موقعیت‌های گوناگون؛

- داشتن احساس احترام و ارزشمندی نسبت به خود؛
- تعیین اهداف چالش‌برانگیز برای زندگی خود و تلاش برای تحقق آن‌ها؛
- پای‌بندی به نظم و انضباط و مدیریت زمان؛
- پشتکار داشتن در هنگام انجام باکیفیت یک فعالیت یا پروژه و ارائه آن در زمان مقرر، حتی در مواجهه با موانع و فشارهای رقابتی؛
- به کار بردن اقدامات پیشگیرانه به منظور ارتقای سلامت جسمانی و روانی خود و دیگران و پرهیز از رفتارها و عادت‌های پرخطر و آسیب‌زا؛
- نشان‌دادن تلاشگری، شکرگزاری و قناعت‌ورزی؛
- نشان‌دادن شوق به کسب درآمد حلال از مسیر تولید یک محصول یا ارائه خدمت.

ما معتقدیم گفت‌وگوی بیرون از مدرسه والدین با یکدیگر به‌ویژه مادران، گفت‌وگوهای مهم و ارزشمندی است. آن‌ها خواسته‌های خود را از مدرسه با هم در میان می‌گذارند و مسئولانه بر فعالیت‌های مدرسه نظارت آشکار و پنهان دارند. مدرسه و والدین هر دو یک هدف مشترک را دنبال می‌کنند و آن موفقیت فرزندان است. در بسیاری از اوقات من، که خود مادر دو دانش‌آموز هستم، این گفت‌وگوها را شنیده‌ام؛ نظیر اینکه:

آینده بچه‌ها چه می‌شود؟

بچه‌های ما که اکنون پیش‌دبستانی یا ابتدایی هستند، وقتی بزرگ شوند قرار است چه‌کاره شوند؟

آیا شغل‌ها تغییر خواهند کرد؟

آیا نیازهای جامعه عوض خواهند شد؟ و

این گفت‌وگوها که اکنون کم‌رنگ‌اند یا حتی بیان نمی‌شوند، نگرانی‌ها و دغدغه‌های والدین هستند. کدام‌یک از ما سی سال پیش می‌توانستیم حتی درباره اینترنت و شبکه‌های اجتماعی خیال‌پردازی کنیم؟ پس چه چیزی اصالت دارد؟ چه چیزی برای آموختن و یادگیری به فرزندانمان در تمام دوره‌ها و پایه‌ها و در تمام موقعیت‌ها به کارشان می‌آید؟ درست است که علوم، ریاضی، فارسی و ... درس‌های مهمی هستند، اما به جز آن‌ها باید به انتظاراتی اندیشید که ما از هر فرد برای آماده‌شدن او برای رودررو شدن با چالش‌های جدید و پیش‌بینی نشده داریم؛ انتظاراتی به نام «کسب شایستگی‌های پایه». زمان آن رسیده است مدرسه والدین تغییر گفتمان دهند. گفتمانی نو با عنوان اینکه قرار است در مدرسه یا پیش‌دبستانی، فرزندانم به چه شایستگی‌هایی دست یابند؟ مثلاً من آرزو می‌کنم زمانی برسد که علاوه بر اینکه در آموزش کتاب‌های درسی یادگیری و نهادینه‌شدن شایستگی‌های پایه اساس کار باشد، بلکه در گروه‌های مجازی مادران نیز، با این نوع گفتمان روبه‌رو شویم:

- سلام به همه مامانای عزیز، میشه به من بگید که در کدام کلاس‌های فوق برنامه بچه‌هاتون رو ثبت‌نام کردین؟
- توی کلاس لیانا بازی‌های جالبی دارند که مربی می‌گه برای پرورش شایستگی‌های پایه است. مثلاً بازی انتخاب جاده یا بازی نقش من در دنیا.

- چه جالب! می‌تونی درباره‌اش توضیح بدی؟
- بله. مثلاً توی بازی انتخاب جاده، چند مدل جاده مثل ماز هست، اون‌ها هر کدام از جاده‌ها را انتخاب کنند، با تابلوهایی روبه‌رو می‌شوند که اسمشون هست «تابلوهای واقعیت». اونجا یک داستان کوتاه براشون تعریف می‌کنند و بر اساس آن داستان، تصمیم می‌گیرند که جاده خود را عوض کنند یا ادامه دهند. یا مثلاً توی بازی نقش من در دنیا، جعبه‌هایی توی کلاشون هست به نام جعبه‌های خانواده. جعبه‌های طبیعت، جعبه‌های هم‌بازی‌ها، جعبه‌های پیش‌دبستانی. باید هر هفته یک نقش مهم توی خانواده، طبیعت، هم‌بازی‌ها و پیش‌دبستانی داشته باشند و بیايند گزارش بدهند. مثلاً لیانا هفته پیش مسئول این بود که چیزی از یخچال دور ریخته نشه و من گزارشش رو براش نوشتم. یا به هم بازی‌هاش توی پیش‌دبستانی برای درست کردن کاردستی کمک کنه و خانم مربی گزارشش رو برای من نوشته. این‌ها می‌شه افتخارات لیانا. و می‌گه اسم این کار هست نقش من در دنیا.

- چه جالب. من تا حالا نشنیده بودم. باید پیام و از نزدیک اونجا رو ببینم. هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم با بازی بشه به بچه‌ها آموزش‌های واقعی و مهم داد.

علوم زندگی

مروری بر نقش و کارکردهای درس علوم تجربی

دکتر الهه علوی

کارشناس مسئول گروه درسی علوم تجربی و مؤلف کتاب درسی

مقدمه

زندگی سالم، فعال و کارآمد است. در این نوشتار علاوه بر معرفی مختصر علم تجربی، به مهارت مشاهده و اینکه چگونه می‌توانید فرزندان را در تقویت این مهارت همراهی کنید، پرداخته شده است.

علم تجربی چیست؟

موضوع مورد مطالعه علم تجربی، جهان طبیعی و مادی است. به‌طور ساده زمین‌شناسی، زیست‌شناسی، شیمی، فیزیک و نجوم با همه شاخه‌ها و گرایش‌هایی که دارند در گستره دانش علم تجربی تعریف می‌شوند. با همه اهمیت که این مجموعه‌های دانشی دارند، یادگیری مهارت‌های علم تجربی در آموزش علوم تجربی در مدرسه‌ها، به‌ویژه در دوره اول ابتدایی، در اولویت است. حال ببینیم این مهارت‌ها چه هستند و شما در جایگاه پدر یا مادر چه کمکی می‌توانید به فرزندان بکنید؟

چرا درس علوم تجربی در همه کشورها از درس‌های اصلی است؟ شاید فکر کنید دلیل این موضوع نیاز کشورها به تربیت افراد متخصص باشد؛ اما این فقط بخش کوچکی از اهمیت آموزش علوم تجربی را نشان می‌دهد. واقعیت این است که نقش علم تجربی در زندگی ما بسیار فراتر از عرصه‌های شغلی و تخصصی است. علم تجربی جنبه‌های متفاوت زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از دانش‌های ضروری برای داشتن



پایان دوره اول ابتدایی باید بتوانند چیزهایی را که در محیط اطراف می‌بینند مشاهده و توصیف کنند. منظور از «چیزها» انواع اشیاء مانند اسباب‌بازی، خودکار، مداد و حتی وسایل و لوازمی که در خانه استفاده می‌شوند، انواع گیاهان و جانوران و اجزای آن‌ها، و نیز پدیده‌هایی مانند تشکیل سایه، تشکیل ابر و مه است. واژه «توصیف» بر این تأکید دارد که دانش‌آموز باید بتواند آنچه را مشاهده می‌کند، به شکل‌های متفاوت بیان کند، مثلاً توضیح دهد، بنویسد یا نقاشی کند.

ما محیط پیرامون خود را با حواس پنجگانه می‌شناسیم: با چشم می‌بینیم، با گوش می‌شنویم، با زبان مزه‌ها و با بینی بوها را حس می‌کنیم و با پوست هم ویژگی‌هایی مانند نرمی، زبری، سردی و گرمی را حس می‌کنیم. ساده‌ترین راه برای تقویت مهارت مشاهده، تقویت این حواس و چگونگی استفاده درست از آن‌ها در مشاهده است. چه‌بسا اکنون که در حال مطالعه این نوشتار هستید، موقعیت‌های متفاوتی برای تقویت مهارت مشاهده کودک خود به ذهنتان می‌رسد. برای مثال، فکر می‌کنید که خوب است موقع شستن میوه‌ها و سبزی‌ها به کودکان اجازه دهید تا شما را همراهی کند. بله، شما می‌توانید یاد دادن علوم تجربی به کودک را از کار با مشاهده مواد غذایی شروع کنید که در تهیه غذا به کار می‌برید. به‌عنوان مثال از او بخواهید گوجه فرنگی را ببیند و آن را توصیف کند. حال اگر

اگر کتاب‌های درسی علوم تجربی دوره اول ابتدایی (اول تا سوم ابتدایی) را ورق بزنید، خواهید دید که در همه درس‌ها از دانش‌آموزان خواسته شده است که کاری انجام دهند؛ برای مثال، چیزی بسازند، مشاهده کنند، درباره شیء یا پدیده‌ای مانند باران گفت‌وگو کنند، اطلاعاتی جمع‌آوری کنند و در کلاس ارائه دهند یا اینکه آزمایشی طراحی و اجرا کنند. همه این کارها در واقع با استفاده از مهارت‌های علوم تجربی قابل انجام است. مهارت‌های گوناگونی مانند مشاهده، دسته‌بندی، اندازه‌گیری، پیش‌بینی، بررسی متغیرها، تفسیر، برقراری ارتباط و نتیجه‌گیری در علم تجربی تعریف شده‌اند. در این شماره از مجله، مهارت مشاهده را معرفی می‌کنیم و در شماره‌های بعدی، ضمن توضیح بیشتر درباره مهارت مشاهده، مهارت‌های دیگر علوم تجربی را شرح می‌دهیم. امیدواریم که این مباحث نقش مثبتی در یادگیری علوم فرزندان داشته باشد.

مهارت مشاهده، نقطه آغاز

مشاهده نخستین مهارت در شناخت دنیای پیرامون است. به عبارت دیگر، اولین شناخت ما از دنیای پیرامون با استفاده از مشاهده شکل می‌گیرد. اشتباه نکنید! منظور از مشاهده فقط «دیدن» نیست.

مشاهده را می‌توان به‌طور ساده به معنی استفاده دقیق از حواس پنجگانه، یعنی بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی و لامسه برای جمع‌آوری اطلاعات درباره پدیده‌های جهان مادی دانست. مشاهده می‌تواند به وسیله ابزار، برای مثال دوربین، نیز انجام شود. اهمیت مشاهده در مورد کودک این است که حس کنجکاوی او برانگیخته می‌شود تا به‌طور مستقیم جهان پیرامون خود را کشف کند.

زمان یادگیری در مدرسه محدود است و اگر واقع‌بین باشیم، بعید است بتوان در مدرسه، آموزش را متناسب با نیازهای تک‌تک دانش‌آموزان به‌خوبی طراحی و اجرا کرد، در نتیجه فرایند یادگیری باید در خانه ادامه یابد. توجه داشته باشید که یادگیری فراتر از به‌یادسپاری (حفظ کردن) اطلاعات است. برای نمونه، انتظار داریم دانش‌آموزی که درباره رویش گیاه از دانه آموزش دیده است، بتواند گیاهی را برویاند و مرحله‌های رویش آن را گزارش کند و در واقع بگوید که چه کاری انجام داده و چرا انجام داده است، یا اینکه با دانستن مرحله‌های رشد درخت سیب، یا داشتن اطلاعاتی درباره درخت گلابی، مرحله‌های رشد این دو درخت را پیش‌بینی کند.

خانه محیطی برای یادگیری

هر خانه محیطی است سرشار از موقعیت‌هایی که شما می‌توانید متناسب با نیاز و علاقه فرزند خود برای تقویت مهارت مشاهده با او همراه شوید. دانش‌آموزان در



نبوده باشید. بنابراین، پوسته‌های بسته‌های خوراکی را دور نیندازید و آن‌ها را برای درست کردن شکل‌های متفاوت نگه دارید. شکل ساده‌ای از جانوران یا گیاهان را روی مقوا بکشید و با دوربری آن‌ها، شکلک‌هایی برای استفاده در سایه‌بازی درست کنید. شکلک‌ها را روی قطعه نوازی شکلی از مقوا بچسبانید تا بتوانید آن‌ها را به راحتی جابه‌جا کنید. در فضای نیمه‌تاریک، نور چراغ‌قوه یا گوهی همراه را به شکلک‌ها بتابانید به طوری که سایه آن‌ها روی سطحی صاف مانند دیوار اتاق بیفتد. با حرکت دادن هر شکلک و جلو و عقب بردن منبع نور یا شکلک و طرح پرسش‌هایی مانند «چرا سایه تشکیل می‌شود؟ چه زمانی سایه بزرگ‌تر یا کوچک‌تر می‌شود؟» توجه کودکان را به سایه و ارتباط اندازه سایه با فاصله شکلک از منبع نور جلب کنید. کودک در این بازی متوجه می‌شود که سایه همانند شکلک است و چون نور نتوانسته است از شکلک عبور کند، سایه آن روی دیوار تشکیل شده است.

علم تجربی
جنبه‌های متفاوت
زندگی ما را
تحت تأثیر قرار
می‌دهد و از
دانش‌های ضروری
برای داشتن
زندگی سالم،
فعال و کارآمد
است

چشم‌های بسته

چشم کودک را با پارچه پاکیزه‌ای ببندید، به طوری که نتواند چیزی ببیند. سپس چند شیء متفاوت در اختیارش قرار دهید و از او بخواهید که با لمس کردن و بوکشیدن، ویژگی‌های آن‌ها را بگوید و نام هر کدام را حدس بزند. این بازی می‌تواند برای آشنا کردن کودکان با دنیای افراد نابینا یا افرادی که یکی از حواس پنج‌گانه را ندارند، فرصت خوبی باشد. در این صورت می‌توان از او پرسید: اگر بنا باشد

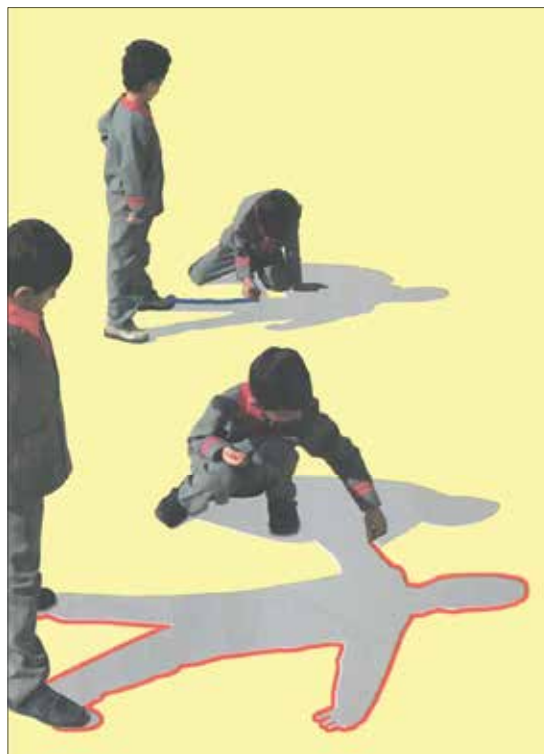
تو شهری بسازی، آن را چگونه می‌سازی که افراد نابینا بتوانند بدون کمک گرفتن از دیگران به آسانی رفت‌وآمد کنند؟ این گفت‌وگوها علاوه بر تقویت مهارت‌های تفکر و کلامی کودک، در تحکیم رابطه شما با کودکان نیز مؤثر است.

دو نکته

- در این بازی‌ها بنا نیست به کودک امتیاز بدهیم، بلکه می‌خواهیم به تقویت مهارت مشاهده او، به عنوان اولین گام در یادگیری علوم تجربی کمک کنیم. بنابراین به هیچ وجه از واژگان و جمله‌های منفی، مانند نتوانستی، اشتباه کردی، بلد نبودی، چرا توجه نمی‌کنی؟ استفاده نکنید تا حس «ناتوانی» به کودک القا نشود.

- رعایت موارد بهداشتی و ایمنی از اصول اولیه در انجام هر فعالیت و کاری است. بنابراین مطمئن باشید که کودک بعد از انجام فعالیت دست‌هایش را می‌شوید، و خودتان نیز از ابزار یا وسایل خطرناک در بازی‌ها استفاده نکنید.

... ادامه این مطلب را در شماره بعدی مطالعه فرمایید.



مشاهده را با پرسش همراه کنید به کودکان کمک خواهید کرد که دقت او در توجه به جزئیات افزایش یابد. برای نمونه، از او بپرسید: گوجه‌فرنگی چه رنگی است؟ چه شکلی است (گرد یا کشیده)؟ صاف است یا زیر؟ بو دارد یا نه؟

برگ سبزی‌هایی که شستیم چه شکلی است؟ چنین پرسش‌هایی، علاوه بر هدایت کودک در مشاهده کردن، به افزایش واژگان و تقویت مهارت‌های زبانی او نیز کمک می‌کند. بهتر است مشاهده همراه با ثبت یافته‌ها باشد. بنابراین، در صورتی که کودک شما نوشتن را یاد گرفته است، می‌توانید از او بخواهید علاوه بر بیان شفاهی، مشاهداتش را بنویسد، یا گوجه‌فرنگی را نقاشی کند. نقاشی کشیدن باعث افزایش دقت کودک در انجام مشاهده با استفاده از حس بینایی و توجه به جزئیات می‌شود.

تقویت مشاهده از طریق بازی

بازی، یادگیری علوم را لذت‌بخش و شورانگیز می‌کند. پس تا جایی که ممکن است از آن بهره ببرید. برای تقویت مشاهده می‌توانید بازی‌های متفاوتی انجام دهید. سایه‌بازی نمونه‌ای از این بازی‌هاست.

سایه‌بازی

بعید است شما در دوران کودکی خود محو تماشای سایه‌ها نشده باشید و دست‌کم لحظاتی را به سایه‌بازی با دست‌ها مشغول

خانواده

و کتاب‌های درسی

ابوالفضل طاهری

کارشناس گروه‌های آموزشی اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی

- درک عدد، جبر، الگوهای هندسه، اندازه‌گیری و آمار و احتمال؛

- نگاه به حل مسئله، برقراری ارتباط، استدلال و اثبات، به کارگیری زبان ریاضی و مهارت‌های کلامی، راهبردهای حل مسئله و استفاده از نمایش.

در کتاب ریاضی تنها یاد دادن خواندن و نوشتن اعداد و محاسبه با آن‌ها مورد نظر نبوده است، بلکه با توجه به اصول روان‌شناسی تلاش شده است در قالب فعالیت‌های کتاب، قوه ابتکار دانش‌آموزان هم به کار افتد و آن‌ها را در سطح توانایی خود به درک عمیق مفاهیم هدایت کند.

هدف‌های آموزشی ریاضی در دوره ابتدایی ناظر بر پرورش حس ابتکار و احیای معارف و سنت‌های ملی است. از آنجایی که هر کس در زندگی روزمره به گونه‌های متفاوتی با محاسبات اندازه‌گیری، حدس و تخمین کمیت‌ها، تشخیص درست از نادرست، نظم فکری، قضاوت کردن و استدلال کردن سروکار دارد، اهداف آموزش ریاضی در این دوره نیز در جهت نیل به این اهداف تعریف شده است.

خانواده باید از آموزش دادن مطالبی که معلم هنوز آن‌ها را درس نداده است بپرهیزد. فعالیت و کار در کلاس ناگزیر باید در کلاس و زیر نظر معلم انجام شود.

یادگیری مطالب کتاب در کلاس زیر نظر معلم انجام می‌شود، بنابراین به جز در مواردی که آموزگار توصیه می‌کند، دانش‌آموزان را در خانه به انجام دادن تکلیف‌های ریاضی اضافه وادار نکنید. نکته خیلی مهم اینکه، روش‌های جدید محاسبات چهارعمل اصلی را از معلم مربوطه بیاموزید، در غیراین صورت هیچ دخالتی نداشته باشید تا روش مورد نظر در کتاب آموزش داده شود تا فرزند شما دچار دوگانگی نشود.

رویکرد کتاب فارسی

کتاب فارسی با محتوا و رویکردی نو تألیف شده و در آن هر چهار مهارت زبانی (گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن)

در سال ۱۳۹۰ وزارت آموزش و پرورش سندی را با عنوان «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران» به عنوان چتر بالاسری و راهنمای کلان برنامه‌ها و کتاب‌های درسی تهیه و ابلاغ کرد. از همان سال تغییر کتاب‌های درسی دانش‌آموزان از دوره ابتدایی کلید خورد و تغییراتی ایجاد شد که در بعضی کتاب‌ها از جمله ریاضی، از منظر رویکرد، محتوا و روش اساسی و چشمگیر بود. تغییر دیگر، چرخش از معلم‌محوری و حافظه‌محوری به سمت دانش‌آموز‌محوری عملکردی بود. از آنجا که محتوای جدید با روش‌های جدید ارائه شده است و اولیای دانش‌آموزان از رویکردها و روش‌های جدید آموزشی کمتر اطلاع دارند، آشنایی هرچه بیشتر آن‌ها با محتوا و روش‌های آموزشی کتاب‌های نونگاشت امری ضروری است که این آشنایی به همسویی خانواده و معلم در تربیت و یادگیری دانش‌آموزان کمک خواهد کرد.

لازم است اولیای عزیز ضمن آشنایی با روش کار تدریس معلم، کار با دانش‌آموزان را نیز بیاموزند تا آموزش در منزل و مدرسه همسو و تقویت‌کننده یکدیگر باشد. به بیانی دیگر، راهنمایی درست در امور درسی و آموزشی کاری دشوار است و به آگاهی‌های خاص آموزشی نیاز دارد. چه خوب است شما خانواده عزیز در بعضی امور با معلمان در ارتباط باشید و برای کمک به فرایند یاددهی یادگیری با کمک و همکاری یکدیگر گام بردارید تا نتیجه مطلوب حاصل آید.

با این مقدمه، رویکردها و محورهای موضوعی کتاب‌های درسی، به‌ویژه در دوره ابتدایی، برای آشنایی بیشتر خانواده‌ها بیان شده است.

رویکرد درس ریاضی

- تغییر موضوع‌محوری به فرایند‌محوری، با تأکید بر حل مسئله؛

- زمینه‌سازی برای شکوفایی فطرت الهی با استفاده مطلوب از موقعیت‌های ایجادشده؛

- برای آموزش مؤثرتر درس علوم تجربی، مشاهده مستقیم و دست زدن به ابزار و مواد و آزمایش کردن نقش بسیار مهمی دارد؛

- معلم می‌بایست از هر فرصتی برای پرورش مهارت‌ها و شناخت استعدادهای دانش‌آموزان و پاسخ به سؤال‌های آن‌ها استفاده کند تا روحیه پرسشگری در آن‌ها تقویت شود؛

- معلم باید از دیکته کردن نتیجه یک فعالیت یا آزمایش بپرهیزد تا شوق یادگیری در دانش‌آموز تقویت شود. خانواده نیز نباید لذت یادگیری همراه با فرزند خود را از دست بدهد.

مسیری که یک دانش‌آموز از طرح پرسش تا یافتن پاسخ و رسیدن به نتیجه طی می‌کند برای او خیلی باارزش است؛ این مسیر همان مسیر یادگیری است.

● رویکرد درس قرآن

- رویکرد جاری درس قرآن، انس با قرآن کریم و دستیابی به مهارت‌های اصلی سواد قرآنی است؛ یعنی خواندن قرآن و درک تدریجی معنای عبارات و آیات ساده آن. این رویکرد نه تنها در راستای رویکرد برنامه درسی ملی است، بلکه از لوازم و مقدمات

مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل درس فارسی شامل دو کتاب فارسی و نگارش است. که باید هر دو کتاب به موازات یکدیگر و همگام پیش بروند.

در کتاب‌های فارسی از سه نوع خط نسخ، خط تحریری و خط نستعلیق ساده استفاده شده است که هر کدام هدف خاصی را دنبال می‌کنند. ولی در ارزشیابی درس املا، آنچه بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، درست‌نویسی کلمات است.

برای تدریس، به تناسب رشد و توسعه تعلیم و تربیت، شیوه‌های تدریس نوینی طراحی شده است و آموزگاران محترم موقع تدریس ارائه می‌دهند.

● رویکرد علوم تجربی

- توجه به رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی (شکوفایی استعدادهای فطری دانش‌آموزان)؛

- توجه به رویکرد زمینه‌محوری، توجه به جنبه واقعی زندگی، یادگیری فعال، اجتماعی و خلاقانه‌بودن؛



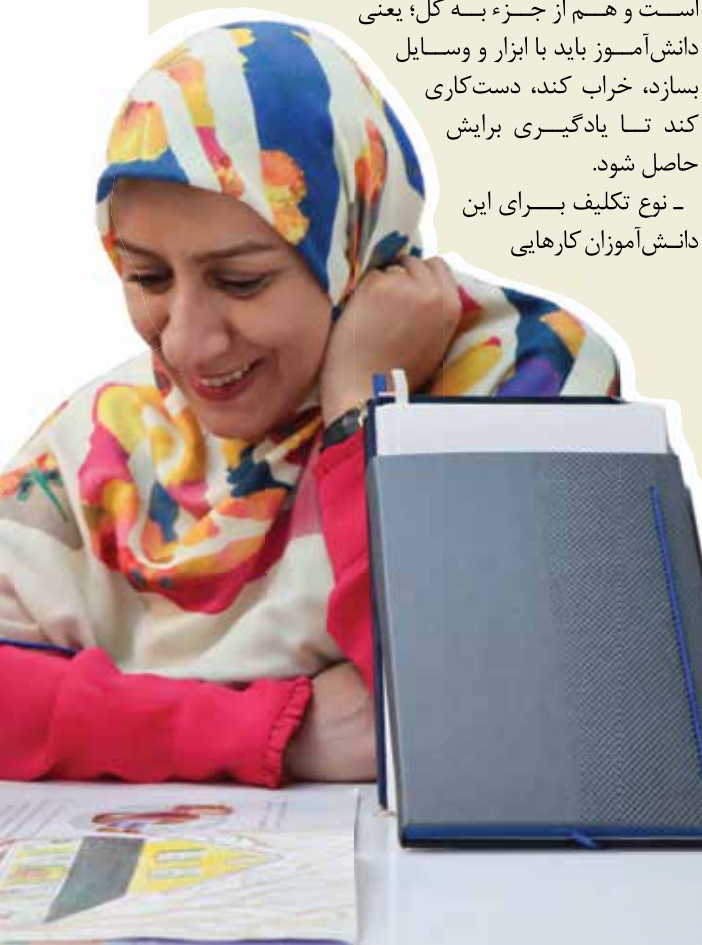
- یادگیری در این گروه از دانش آموزان، از راه شنیدن است، از جزء به کل است و با تکرار درس، آموزش صورت می گیرد.
- نوع تکلیف در این گروه، بازگو کردن مطالب و تحقیق کردن است.
- بچه های کلامی؛ از کلام به مرحله مجرد یا انتزاع می رسند.

دسته دوم: دانش آموزان تصویری

- یادگیری در این گروه از دانش آموزان؛ از راه دیدن محقق می شود و از کل به جزء است.
- این دانش آموزان تمایل دارند آموزش را از طریق عکس های داخل کتاب یا نمودار (چارت) تصویری و فیلم یا نمونک (ماکت) ببینند.
- نوع تکلیف در آنان نیز کشیدن نقاشی مربوط به موضوع است.
- علامت ظاهری این دانش آموزان این است که انگشت شست دست خود را در بین چهار انگشت پنهان می کنند.
- این دسته از دانش آموزان در یادگیری درس دایره، بسیار موفق هستند.
- دانش آموزان تصویری از دیدن تصویر به مرحله مجرد یا انتزاع می رسند.

دسته سوم: دانش آموزان دست ورز

- یادگیری در این دسته از طریق لمس کردن صورت می گیرد، مثل انجام آزمایش. در ضمن این یادگیری هم از کل به جزء است و هم از جزء به کل؛ یعنی دانش آموز باید با ابزار و وسایل بسازد، خراب کند، دست کاری کند تا یادگیری برایش حاصل شود.
- نوع تکلیف برای این دانش آموزان کارهایی



ضروری تحقق آن نیز می باشد.

- آشنایی با آموزه های قرآنی در قالب پیام های قرآنی و انجام فعالیت های یادگیری با تأکید بر محورهای برنامه درسی ملی مانند: «تقویت قدرت تفکر و تعقل، تقویت ایمان و باورهای دینی، آشنایی با آموزه های قرآنی، آشنایی با آداب و اخلاق اسلامی و تقویت مهارت های زندگی، برقراری پیوند میان علم و عمل.»

رویکرد درس هنر

تربیت هنری دارای پنج رکن اساسی است:

۱. زیبایی شناسی (یکی از جنبه های فطرت توحیدی)؛
۲. آشنایی با خلقت؛
۳. آشنایی با تاریخ هنر ایران (میراث فرهنگی و هنری)؛
۴. تولید هنری؛
۵. نقد هنری.

همچنین، باید دانست که دیگر مثل گذشته درس هنر به دو قسمت نقاشی و خوش نویسی خلاصه نمی شود.

رویکرد درس مطالعات اجتماعی

مطالعات اجتماعی حوزه ای مهم در یادگیری است که از انسان و تعامل او با محیط های گوناگون، در زمان های متنوع و جنبه های متفاوت آن، بحث می کند. رویکرد اصلی این درس «رویکرد کاوشگری» است.

کسب مهارت های زندگی اجتماعی یکی از اهداف مهم این کتاب است و دانش آموزان باید بتوانند آموخته های خود را در زندگی واقعی به کار ببرند. بسیاری از این مهارت ها باید در محیط خانواده گسترش و پرورش یابند. این موضوع مستلزم مشارکت وسیع خانواده ها از طریق همکاری و شرکت در جلسات با معلمان است. توجه داشته باشیم که دانش آموز ما باید مهارت های زندگی را فرا بگیرد تا بتواند در جامعه به خوبی زندگی کند و اگر نتوانست برای مثال، اسامی پادشاهان ایران را بگوید بر او سخت نگیریم.

بنابراین، هدف نهایی مطالعات اجتماعی، تربیت افرادی مؤمن، مسئول، آگاه و توانمند در زندگی فردی و اجتماعی، پایبند به اخلاق و ارزش های دینی و علاقه مند به ایران و هویت اسلامی ایرانی است.

نکته دیگری که در این خصوص و برای توجه اولیای محترم در دوره جدید آموزش و یادگیری قابل بیان است و به یادگیری فرزندان آن ها کمک می کند این است که سبک های یادگیری فرزند خود را بشناسیم و بر این اساس آن ها را همراهی و کمک کنیم. بر این اساس دانش آموزان برای یادگیری مطالب به سه دسته تقسیم می شوند:

دسته اول: دانش آموزان کلامی

کمک درسی به
فرزندان نیازمند
آشنایی والدین با
رویکردهای جدید
در کتاب های
درسی است

مثل ساختن ماکت، مدل، بریدن تصویر و چسباندن آن برای پوشش کار است. دانش‌آموزان دست‌ورز، درس‌های سه‌بعدی را بهتر می‌آموزند. نشانه‌های ظاهری این گروه، داشتن انگشتان بلند است. دانش‌آموزان دست‌ورز از لمس کردن به مجرد یا انتزاع می‌رسند. اکثر مخترعان و صنعتگران از سبک یادگیری دست‌ورزی آموزش می‌بینند.

با توجه به این سبک‌های متفاوت یادگیری، جا دارد معلمان برای تثبیت یادگیری از تمام ابزار و روش‌ها استفاده کنند. دانش‌آموزی که حافظه دیداری قوی دارد می‌تواند با دیدن مداوم کلمه‌ها و نشانه‌ها آن‌ها را به‌خاطر بسپارد؛ بعضی با مهارت دست‌ورزی و عملکردی می‌توانند به درک کلمه و جمله برسند؛ بعضی دیگر هم با شنیدن صداهایی از طرف دیگران می‌توانند کلمه را درک کنند، و بعضی با نقاشی، سخنرانی، بازی و...

در پایان به توصیه‌هایی برای راهبری و نظارت بر فرایند یادگیری فرزندان و تدارک موقعیت‌های یادگیری متنوع برای آن‌ها توسط اولیا در خانه و محیط زندگی می‌پردازیم:

- باید به سبک یادگیری دانش‌آموز توجه کرد و راه یادگرفتن را به او آموخت.

- ضروری است حس کنجکاوی و پرسشگری در او تقویت شود.
- آموزش مفاهیم اساسی را مورد توجه قرار دهیم تا بتوانیم فرایند تفکر را در دانش‌آموز تقویت کنیم.
- به پرورش استعداد و ذوق هنری دانش‌آموزان توجه و زمینه را برای شکوفایی استعداد آن‌ها فراهم کنیم.

- مقدمات شناخت علمی محیط را برای دانش‌آموزان فراهم کنیم.

- شرایطی در منزل ایجاد کنیم که دانش‌آموز احساس نیاز به



دانستن کند.

- بکوشیم بچه‌ها آنچه یاد می‌گیرند به تجربه درآورند.
- مطالب درسی را با واقعیات زندگی آن‌ها ارتباط دهیم (در حد امکان)
- از دانش‌آموز بخواهید برنامه‌ریزی کند و خودتان هم برنامه داشته باشید، زیرا داشتن برنامه و نهادینه‌نمودن آن رمز موفقیت برای هر فرد در زندگی شخصی و اجتماعی به‌شمار می‌آید.
- زمینه‌ای فراهم کنید تا فرزند شما مدت‌زمان بیشتری را صرف مطالعه کند، چون به پایداری مطالب در ذهن او کمک خواهد کرد.

- دامنه تنوع آموزش و تمرین را گسترش دهید و به جای نگرانی، عجله و فشار بی‌مورد بر فرزند خود، با هماهنگی مدرسه و معلم، شرایط را برای یادگیری بیشتر وی هموار کنید.
- شما با رعایت توصیه‌های معلمان و اجرای آن‌ها بی‌شک نتیجه مطلوبی به دست خواهید آورد.

یکی از راه‌های موفقیت والدین در کمک به فرزندان خود، در انجام تکالیف درسی، شناخت سبک یادگیری آن‌هاست

- اگر می‌خواهید فرزند شما در کلیه درس‌ها سرآمد باشد، باید آن‌ها را تمرین و تکرار کند.
- تمرین و تکرار، دانش‌آموز را بر درک بهتر موضوع درس‌ها مسلط می‌کند و یادگیری در سطح بالاتری صورت می‌گیرد. به‌ویژه اینکه برای کسب مهارت‌های عملی، حتماً باید آن‌ها در منزل تمرین و تکرار شوند.
- به یادداشت‌های معلم نگاه کنید و نظرات خود را بنویسید و ارتباط خودتان را با معلم و مدرسه حفظ و تقویت کنید.

- توجه داشته باشید که مدرسه محل یادگیری و خانه محل تمرین و تکرار است.
- معلم از شما انتظار ندارد که در منزل به فرزند خود تدریس کنید، بلکه می‌خواهد ناظر بر کارهای او باشید.

نکته پایانی اینکه، هدف اصلی از رفتن به مدرسه فقط درس‌خواندن نیست، بلکه پرورش است. فرزندان ما به مدرسه می‌روند تا با جامعه خود آشنا شوند و ارتباط اجتماعی، اخلاقی و انسانیت، مهارت‌های زندگی، مسئولیت‌پذیری، کار گروهی، قدرت تصمیم‌گیری، مدیریت فشار روانی (استرس)، همکاری و ابتکار را بیاموزند. رشد اجتماعی مهم‌ترین جنبه شخصیتی افراد است که هر قدر فرد سازگارتر و دارای روابط اجتماعی قوی‌تری باشد می‌تواند در بستر اجتماع از نظر شخصیتی و شغلی موفق‌تر باشد. امید آنکه بتوانیم با تلاش مستمر و ارتباط و تعامل مؤثر با مدرسه و معلم فرزند خود، برای تربیت نسل آینده‌ساز و در تراز جمهوری اسلامی ایران گامی مؤثر برداریم.



گذری بر نقش الگویی و تأثیر والدین

دینداری دانش‌آموزان

✦ مریم قربانی

کارشناس گروه درسی حکمت و معارف اسلامی دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

دارم، گفت‌وگو کنیم، ببین و بگو، بدانیم، ببندیشیم، با هم بخوانیم، اجرای بازی و نمایش و فعالیت‌های نشاط‌آور (مانند نقاشی، خط خوش، نامه‌نگاری، خاطره‌گویی و...) که همه با هدف تحقق اهداف آموزشی تربیتی دینی دانش‌آموزان است.

در هیچ‌یک از بخش‌های این کتاب هدف تنها حفظ مطالب درسی و یادگیری خطبه‌خط متن کتاب نیست، چرا که به‌خاطر سپردن مجموعه‌ای از اطلاعات و متراکم کردن محفوظات، رغبتی برای عمل کردن به دانستنی‌ها در فرد ایجاد نخواهد کرد. انجام اعمال و آداب دینی بدون آنکه باور و ایمانی همراه آن باشد ارزش چندانی ندارد. پس مطلوب این است که دانش‌آموزان نخست مفاهیم و مطالب دینی را درک کنند و به کسب معرفت بیشتر و عمل به دانسته‌ها علاقه‌مند شوند. سپس اعمال و وظایف دینی را با آگاهی و انگیزه به‌صورتی مستمر و دائم انجام دهند. مطلوب است برای پاسخ‌گویی به فعالیت‌های گوناگون

در تعلیم و تربیت دینی عوامل متعدد و گوناگونی دست‌به‌دست هم می‌دهند تا بستر مناسبی برای رشد کودک مهیا شود، و والدین یکی از این عوامل هستند. برنامه درسی هدیه‌های آسمان (تعلیم و تربیت اسلامی) ضمن توجه به سهم و نقش مؤثر والدین در مجموعه برنامه، توصیه‌هایی برای بهبود و سازمان‌دهی مؤثرتر این نقش در بر دارد.

«هدیه‌های آسمان» شامل موضوعات خدشناسی، پیامبری، امامت، جهان آخرت، قرآن کریم، آداب و اخلاق اسلامی، احکام، مراسم اسلامی و شخصیت‌های دینی است. این کتاب با شیوه‌های نوین تعلیم و تربیت، افزایش مشارکت دانش‌آموز و خانواده، استفاده از موقعیت‌های موجود و فراهم کردن فرصت تمرین و تعمیم آموخته‌ها به زندگی روزمره دانش‌آموزان است. این کتاب همچنین دارای فعالیت‌های یادگیری متنوع در پایه‌های متفاوت است؛ از قبیل فکر می‌کنم، دوست

مطرح شده در کتاب درسی مانند: «فکر می‌کنم، ببین و بگو، بگرد و پیدا کن، گفت‌وگو کنیم» که نشانه مشارکت دانش‌آموز در مسیر و فرایند یادگیری و توسعه و تعمیم مطالب است، ذوق و شوق ایجاد کنید، حس کنجکاوی او را برانگیزید و به فعالیت‌های او ارزش و اهمیت بدهید.

برای ارزشیابی از شایستگی‌های دینی فرزند خود باید به او مجال دهید تا برداشت و ادراک خود را از مفاهیم آموخته شده با سازمان ذهنی و زبان خاص خود بیان کند، و مثال‌ها، نمونه‌ها و مصداق‌های جدیدی علاوه بر مثال‌ها و نمونه‌های تدریس شده بیان کند. همچنین، مصداق یک مفهوم را از مصداق غیر آن تشخیص دهد و آن‌ها را در قالب‌ها و شکل‌های گوناگون شناسایی کند. ارتباط آن را با مفهوم و موضوعات دیگر، جست‌وجو و بیان کند و در موقعیت‌های عملی و به شیوه‌های متعدد آن را به کار بندد، طوری که بتواند برخی از نتایج و تبعات آن را پیش‌بینی کند.

بعد دیگر شایستگی‌های دینی مربوط به یادگیری برخی از احکام عملی و عبادی و ممارست در انجام آن‌هاست، باید به فعالیت‌هایی مانند وضو، نماز، مشارکت در فعالیت‌های گروهی و عبادت‌های جمعی مانند نماز جماعت و نماز جمعه بهای لازم داده شود. یکی از وظایف بسیار مهم هر پدر و مادری در تربیت دینی فرزند خود، آموزش واجبات دینی به اوست. با توجه به اینکه کودک از اعمال والدین خود تأثیر می‌گیرد و از آنان تقلید می‌کند، شما باید الگوی مناسب و خوبی برای او باشید. به عبارت دیگر، اگر انجام واجبات دینی را به نحو مطلوب در خانواده و نزد فرزند خود رعایت کنید فرزندان نیز با مشاهده رفتار و اعمال شما، شیوه صحیح و درست را یاد می‌گیرند و به انجام آن‌ها عادت خواهد کرد.

در بخش یادگیری احکام کتاب درسی هر پایه لازم است والدین با فرزند خود در طول سال تحصیلی و در فرصت‌های مناسب، درستی انجام احکام را مانند وضو و نماز بررسی و در منزل تمرین کنند و فرزند خود را در یادگیری احکام تشویق کنند. برنامه درسی هدیه‌های آسمان بیش از هر چیز بر اهداف بعد نگرشی تأکید دارد و به دنبال آن است که دانش‌آموزان به کمک درک مفاهیم، بسط و گسترش و به کارگیری آن‌ها، توانایی و مهارت کسب کنند.

پس به خوشایند شدن تجربیات فرزند خود در مورد اهداف درسی، از طریق شعرها، نمایش، خاطره‌گویی، تصویر خوانی و...، توجه بیشتر به حیطه عاطفی و ایجاد نگرش نسبت به مفاهیم دینی، کمک کنید؛ فعالیت‌هایی از قبیل دوست‌دارم، ببین و بگو، با هم بخوانیم، خاطره‌گویی و اجرای نمایش بیشتر با همین هدف در کتاب گنجانده شده است.

فعالیت با خانواده، در کتاب درسی اولاً با هدف گسترش یادگیری و ثانیاً با هدف تقویت نگرش دانش‌آموز نسبت به مفاهیم

دینی برای بروز رفتار دینی و اخلاقی وی قرار داده شده است. برای اجرای این بخش انتظار می‌رود والدین گرمی همراهی لازم را با فرزند خود مبذول دارند.

هدف استفاده از آیات و احادیث در این کتاب درسی نتیجه‌گیری نهایی فرزند شما براساس منابع اصیل آن (قرآن و معصومان علیهم‌السلام) و تقویت تفکر او در آیات، احادیث و همسو با هدف درسی بوده است. بنابراین از فرزند خود بخواهید پس از خواندن عبارات و ترجمه آن‌ها درباره معنا و مفهوم آن‌ها از طریق فعالیت‌هایی که در کتاب آمده است، با شما گفت‌وگو کند. از بیان مطالب تفصیلی خسته‌کننده درباره معنای آیات قرآنی و احادیث دوری کنید.

به کتاب درسی (هدیه‌های آسمان) فرزند خود به همان اندازه کتاب‌های درسی ریاضی و فارسی اهمیت دهید، طوری که فرزندان احساس کنند این کتاب در نزد پدر و مادرش اهمیت زیادی دارد. برای مثال با او در مورد چگونگی انجام فعالیت‌هایش در کلاس درس، نحوه پاسخگویی به سؤال‌ها، همراهی در انجام برخی فعالیت‌ها مانند با خانواده، با هم بخوانیم یا درباره تصاویر و داستان‌های کتاب گفت‌وگو کنید.

در کتاب هدیه‌های آسمان برخی از مراسم دینی معرفی شده است. به والدین توصیه می‌شود جهت آشنایی و تأثیرگذاری بیشتر، به همراه فرزندان خود در این گونه مراسم، که در مسجد‌ها، حسینیه‌ها و هیئت‌های مذهبی برگزار می‌شود، شرکت کنند یا در خانه و در ایام ولادت ائمه معصومین علیهم‌السلام و جشن‌ها، فضای خانه را با استفاده از بسترهای مناسب، پخش شیرینی، شکلات، دادن هدایا، چراغانی کردن آماده کنند تا فرزندان خاطرات خوبی از آن مناسبت‌ها به یاد بسپارند. در ایام عزاداری، والدین هم بخشی از فضای خانه را با استفاده از کتیبه‌ها، پرچم‌های سیاه و... آماده کنند.

در بیان داستان‌های دینی در حوزه معاد و جهان آخرت از بیان وقایعی که مربوط به عذاب‌ها و سخت‌گیری‌های خداوند بر بندگان است، خودداری شود و بیشتر داستان‌هایی بازگو شوند که چهره‌های صمیمی و مهربان از پروردگار را به نمایش می‌گذارند. از گفتن نتیجه داستان‌های کتاب درسی قبل از آنکه فرزندان داستان را در ذهن خود تحلیل کنند و نتیجه برایش مسجل شود، پرهیزید.

با نصب رمزیننه یا برنامه کیوآرکد (QR-code) روی گوشه همراه خود و پویش (اسکن) رمزیننه‌هایی که در ابتدای عنوان‌های هر درس در کتاب درسی موجود است، می‌توانید به‌طور مستقیم به محتوای آموزشی مکمل دسترسی پیدا کنید. همچنین از آن‌ها برای تشبیه و تعمیق اهداف درس در خانه، برای فرزند خود، استفاده کنید.

از گفتن نتیجه داستان‌های کتاب درسی قبل از آنکه فرزندان ذهن خود تحلیل کند و نتیجه برایش مسجل شود، پرهیزید



چهار گام برای موفقیت فرزندان

فاطمه مردان رابط

دکترای علوم تربیتی و پژوهشگر خانواده از تبریز

مقدمه

خانواده از دیرباز به عنوان پایه اصلی زندگی شناخته شده است. فرزندان نیز در خانواده پرورش و رشد خواهند یافت. از این رو موفقیت تحصیلی فرزندان مشروط به همکاری و مشارکت اعضای خانواده است. بر این اساس در نظر است راهکارهایی برای ایفای نقش هر چه بهتر خانواده در موفقیت تربیتی و تحصیلی فرزندان از طریق تعامل و مشارکت نزدیک با مدرسه ارائه شود. این راهکارها در پاسخ به چهار سؤال اساسی زیر بیان شده است.

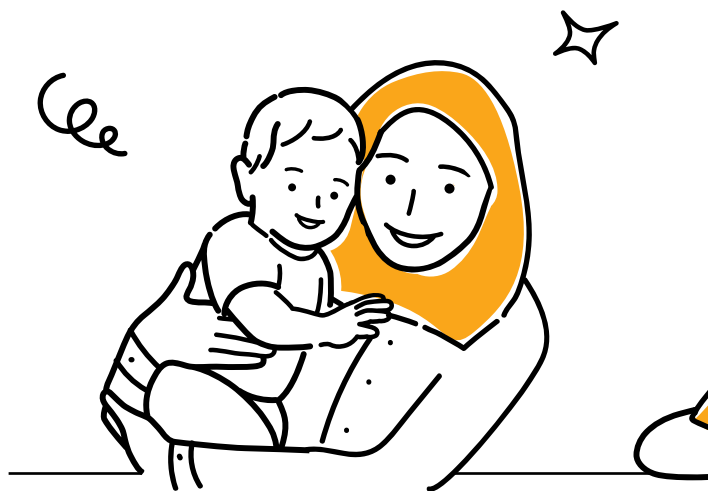
خانواده چگونه می‌تواند به تحصیل فرزندان خود کمک کند؟

مشارکت خانواده به معنی کمک به فرزندان و پشتیبانی از آن‌ها در تحصیل است. خانواده‌ای که در آن اعضا با هم همکاری می‌کنند و به تحصیل یکدیگر اهمیت می‌دهند، بهترین شرایط را برای موفقیت تحصیلی فرزندان فراهم می‌کنند. در اینجا نقش اساسی والدین در حمایت از

مسیر تحصیلی فرزندان عبارت‌اند از:

۱. کمک به رشد و تعالی فرزندان: با تشویق و پشتیبانی والدین، فرزندان ترغیب می‌شوند تا در رسیدن به هدف‌های تحصیلی خود بیشتر بکوشند و اعتماد به نفس آن‌ها افزایش یابد. برای مثال، وقتی فرزند شما از یک آزمون مهم عبور می‌کند و شما به او تبریک می‌گویید، نشان می‌دهید که به تلاش‌هایش توجه می‌کنید، بنابراین احساس ارزشمندی می‌کند و انگیزه‌اش برای کسب موفقیت‌های بیشتر افزایش می‌یابد.

۲. آماده کردن فرزندان برای رویارویی با چالش‌ها: زمانی که خانواده در مواجهه با مشکلات تحصیلی به فرزند خود کمک می‌کند، او مهارت‌های حل مسئله را یاد می‌گیرد. پشتیبانی خانواده باعث می‌شود فرزندان بهترین راه‌حل‌ها را برای رفع مشکلات پیدا کنند. به عنوان مثال، وقتی که فرزندان با یک مسئله پیچیده در تکالیف تحصیلی خود روبه‌رو می‌شوند، شما می‌توانید با او درباره راه‌حل‌های گوناگون گفت‌وگو کنید و او را به دستیابی به پاسخ مناسب هدایت کنید. این شرایط به او کمک می‌کند تا به مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله



دست پیدا کند.

۳. حمایت احساسی از فرزندان: وقتی خانواده از فرزند خود حمایت احساسی می‌کند، به او احساس اطمینان و امنیت می‌دهد. این موضوع انگیزه تحصیلی وی را بیشتر می‌کند و موقع مواجهه با مشکلات تحصیلی قوی‌تر عمل کند. به عنوان نمونه وقتی که با ابراز احساسات مثبت نسبت به تلاش‌ها و پیشرفت‌های فرزندان، او را به ادامه تلاش در مسیر تحصیلی تشویق می‌کنید. این ارتباط احساسی باعث می‌شود که او با اطمینان، به خود و توانایی‌هایش نگاه کند.

۴. ایجاد انگیزه و هدف‌گذاری در تحصیل فرزندان: خانواده می‌تواند با انگیزه دادن و هدف‌گذاری، فرزندانش را به سمت پیشرفت تحصیلی هدایت کند. در این صورت فرزندان با انگیزه بیشتری برای رسیدن به موفقیت تحصیلی، همراه می‌شوند. به عنوان نمونه، می‌توانید با فراهم کردن جوایز کوچک برای دستیابی به اهداف تحصیلی، او را به کار بهتر ترغیب کنید. به علاوه، با بحث درباره اهداف تحصیلی بلندمدت و ارائه راهبردهایی برای دستیابی به آن‌ها، انگیزه و تعهد او افزایش خواهد یافت.

۵. کاربرد آموخته‌های کلاسی: خانواده با کسب اطلاع از آموخته‌های کلاسی فرزند خود در مدرسه، می‌تواند آن‌ها را در محیط خانه و زندگی واقعی با وی تمرین و تکرار کرده و به کار ببندد.

۲ شما به عنوان پدر یا مادر چگونه می‌توانید با مدرسه به گونه‌ای همکاری کنید که به تحصیل بهتر فرزندان منجر شود؟

در این گام شش راهکار مهم را برای همکاری مؤثر خانواده با مدرسه درباره بهبود تحصیلات فرزندان معرفی می‌کنیم:

۱. برقراری ارتباط‌های مستمر: ارتباط مستمر با معلم بسیار مهم است. شما با برگزاری جلسات مشاوره و تبادل نظر

مرتب با معلم یا معلمان فرزندان، می‌توانید از رشد و پیشرفت تحصیلی فرزند خود باخبر شوید و نقاط قوت و ضعف او را بشناسید.

۲. بهره‌گیری از فناوری: استفاده از ابزارهای ارتباطی نظیر پیامک، رایانامه و انواع پلتفرم‌های آموزشی برخط خصوصاً بهره‌گیری از ظرفیت شبکه شاد، به شما امکان می‌دهد تا از نزدیک با برنامه‌ها، تکالیف و پیشرفت تحصیلی فرزندان آشنا شوید. همچنین این ابزارها به شما فرصت می‌دهند تا با معلمان در ارتباط باشید و اطلاعات جدید را از آن‌ها دریافت کنید.

۳. حضور در رویدادهای مدرسه: با شرکت در فعالیت‌ها و همایش‌های مدرسه، می‌توانید به تحصیل فرزندان بیشتر توجه کنید و با محیط تحصیلی او آشنا شوید. این امر به شما فرصت می‌دهد تا با دیگر والدین و دیدگاه‌ها و نظرات آن‌ها آشنا شده و با آن‌ها ارتباط برقرار کنید.

۴. اطلاع‌رسانی منظم: با اطلاع‌رسانی به موقع برنامه‌ها، تکالیف و پیشرفت تحصیلی فرزند خود، به مدرسه نشان می‌دهید که به پیشرفت تحصیلی او اهمیت می‌دهید و آماده‌اید با مدرسه همکاری کنید.

۵. ایجاد فضای باز برای گفت‌وگو: فضای باز گفت‌وگو با معلمان و دیگر والدین به شما کمک می‌کند تا از تجربیات و نظرات دیگران استفاده و مشکلات و چالش‌ها را حل کنید.

۶. تشویق به مشارکت فعال: به فرزندان یادآوری کنید که با مشارکت فعال در کلاس‌ها و فعالیت‌های مدرسه می‌تواند به تجربه

تحصیلی خود بیفزاید و تعامل بیشتر با معلمان داشته باشد. او را تشویق کنید تا در بحث‌ها، پروژه‌ها و فعالیت‌های گروهی فعالیت کند.

خلاصه کلام اینکه شما با اتخاذ این راهکارها، می‌توانید به عنوان پدر و مادر به بهبود تحصیلات و پیشرفت فرزندان خود کمک کنید و با مدرسه همکاری مثبتی داشته باشید. این همکاری نه تنها به بهبود تجربه تحصیلی فرزند شما، بلکه به تقویت ارتباط بین خانواده و مدرسه نیز کمک می‌کند. خلاصه‌اش این است که ارتباط خوب و همکاری میان خانواده و مدرسه، به موفقیت تحصیلی کودکان کمک می‌کند. این همکاری باعث می‌شود فرایند یادگیری بهتر شود و رفتارها و نتایج تحصیلی بهبود یابد.

والدین چگونه می‌توانند مهارت‌های خود را برای کمک به تحصیل بهتر فرزندان خود ارتقا دهند؟

در این گام، به بحث درباره راه‌های افزایش مهارت‌های خانواده‌ها برای حمایت از تحصیل فرزندان می‌پردازیم.

با ابراز احساسات مثبت نسبت به تلاش‌ها و پیشرفت‌های فرزندان، او را به ادامه تلاش در مسیر تحصیلی تشویق کنید

در یک درس خاص مشکل دارد، به جای اینکه به او احساس ناتوانی بدهید، به او انگیزه دهید که آن را بهبود بخشد. شما می‌توانید با او در مورد راهبردهای یادگیری گفت‌وگو کنید و به او پیشنهادهایی برای بهتر کردن عملکردش در آن درس بدهید. برای نمونه، اگر فرزندان در ریاضی مشکل دارد، می‌توانید از وسایل آموزشی گوناگون یا حل تمرین‌های مرتبط برای رفع مشکل استفاده کنید و او را تشویق کنید که به صورت مرتب تمرین کند.

۴. پیگیری مسیر تحصیلی

● **شرکت در جلسات اولیا و مربیان:** حضور در این جلسات به شما امکان می‌دهد تا در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های تحصیلی فرزندان مشارکت کنید.

● **پیگیری مداوم تحصیلات:** شما باید با پیگیری از وضعیت مناسب تحصیلات فرزند خویش مطمئن شوید و از طرفی به نیازهای آموزشی او توجه کنید.

جمع‌بندی اینکه خانواده می‌تواند با افزایش مهارت‌های ارتباطی، مدیریت زمان، تحلیل عملکرد تحصیلی فرزند و پیگیری مسیر تحصیلی وی، در پیشرفت تحصیلی او نقش مهمی داشته باشد و او را به سوی موفقیت تحصیلی هدایت کند.

۴

۵. خانواده چطور در خانه محیطی خوب برای یادگیری ایجاد کند؟

در این گام، به اهمیت ساخت محیط‌های یادگیری خانگی مثبت و مؤثر پرداخته شده است. برنامه‌ریزی برای مطالعه مشترک، ساخت کتابخانه خانگی، تشویق به استفاده از منابع آموزشی اینترنتی و فراهم کردن مکان‌های آرام برای تمرکز، راهکارهایی هستند که خانواده‌ها می‌توانند از آن‌ها بهره‌برداری کنند. محیط یادگیری خانگی، زمینه‌ساز به کارگیری آموخته‌های کلاسی در محیط واقعی خانه و زندگی است. این مهم به ماندگاری دانش و مهارت‌های دانش‌آموزان منجر خواهد شد. در ادامه، چند راهکار برای ساخت محیط‌های یادگیری خانگی مؤثر ذکر شده است:



این مهارت‌ها شامل توانایی‌های ارتباطی، مدیریت زمان، تجزیه و تحلیل عملکرد تحصیلی فرزندان و پیگیری مسیر تحصیلی آن‌ها می‌شود.

ارتقای مهارت‌های خانواده‌ها برای حمایت از تحصیل فرزندان اهمیت بسیاری دارد و می‌تواند در پیشرفت و توسعه تحصیلی فرزندان بهبود چشمگیری ایجاد کند. در اینجا به چند راهکار برای ارتقای مهارت‌های خانواده‌ها در این زمینه اشاره می‌شود:

۱. ارتقای مهارت‌های ارتباطی

● **حضور در کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی:** شرکت در این کارگاه‌ها و دوره‌ها می‌تواند مهارت‌های ارتباطی شما را بهبود دهد. همچنین این دوره‌ها به شما برای برقراری ارتباط بهتر با فرزند خود و نیز با معلمان کمک می‌کند.

● **حمایت از ارتباط با مدرسه:** مهم است که شما ارتباط منظم و مداوم با معلمان فرزندان خود داشته باشید. این ارتباط می‌تواند برای شما فرصت مناسبی فراهم کند اطلاعاتی در مورد پیشرفت تحصیلی و نیازهای آموزشی فرزندان دریافت کنید.

۲. مهارت‌های مدیریت زمان

● **تعیین برنامه زمانی:** با همکاری فرزند خود، برنامه زمانی مناسبی برای تحصیل و فعالیت‌های غیرتحصیلی او تنظیم کنید. این برنامه می‌تواند زمان مطالعه، وقت آزاد، ورزش و تفریح او را شامل شود.

● **بهره‌گیری از مهارت‌های مدیریت زمان:** با یادگیری و استفاده از مهارت‌های مدیریت زمان، الگوی خوبی برای فرزند خود خواهید بود و او را به بهترین شیوه‌های مدیریت زمان تشویق می‌کنید.

۳. تجزیه و تحلیل عملکرد تحصیلی

● **مرور منظم عملکرد تحصیلی:** به صورت منظم عملکرد تحصیلی فرزند خود را بررسی و نقاط قوت و ضعف او را شناسایی کنید. برای مثال، شما می‌توانید هر هفته یک‌بار با او بنشینید و در مورد عملکرد تحصیلی وی صحبت کنید. از او بخواهید تا نمرات، تکالیف و پیشرفت‌هایش را با شما به اشتراک بگذارد. مثلاً، اگر متوجه شوید که در یک درس خاص دچار مشکل شده است، با او درباره دلایل احتمالی این مشکل گفت‌وگو کنید. با این اطلاعات، می‌توانید برنامه‌هایی برای رفع نقاط ضعف او تدارک ببینید.

● **تشویق به بهبود:** شما باید فرزندان را تشویق به پیشرفت در تحصیل خود کنید و برای بهتر شدن وی در تحصیل راهنمایی‌هایی ارائه دهید. برای مثال، اگر فرزند شما

محیط یادگیری خانگی مؤثر، زمینه‌ساز به کارگیری آموخته‌های کلاسی در محیط واقعی خانه و زندگی است. این مهم به ماندگاری دانش و مهارت‌های دانش‌آموزان منجر خواهد شد

گفت‌وگو کنید.

۳. تشویق به استفاده از منابع آموزشی اینترنتی

● **معرفی منابع آموزشی اینترنتی:** به فرزندان خود منابع آموزشی اینترنتی را معرفی کنید که بتوانند به تقویت مهارت‌ها و یادگیری آن‌ها کمک کنند.

● **پیگیری استفاده:** پیگیری کنید که آیا فرزندان از منابع آموزشی اینترنتی استفاده می‌کند یا نه، و با او دربارهٔ مطالبش صحبت کنید.

۴. ایجاد فضای آرام برای تمرکز

● **فضای مناسب:** یک فضای آرام و بدون اختلال در خانه ایجاد کنید تا فرزندان بهتر بتوانند تمرکز کنند و یاد بگیرند. البته آرامش واقعی وابسته به روابط خوب و صمیمی اعضای خانواده است

● **تشویق و انگیزه‌بخشی:** با تشویق و انگیزه‌بخشی، فرزندان را به استفاده از این فضا برای مطالعه ترغیب کنید.

ایجاد محیط‌های یادگیری خانگی مؤثر، به‌عنوان یک عامل اساسی در پیشبرد تحصیلات فرزندان، نقش مهمی دارد. این محیط‌ها باعث ایجاد انگیزه برای یادگیری و ایجاد ارتباط نزدیک‌تر میان خانواده‌ها و فرزندان می‌شود.

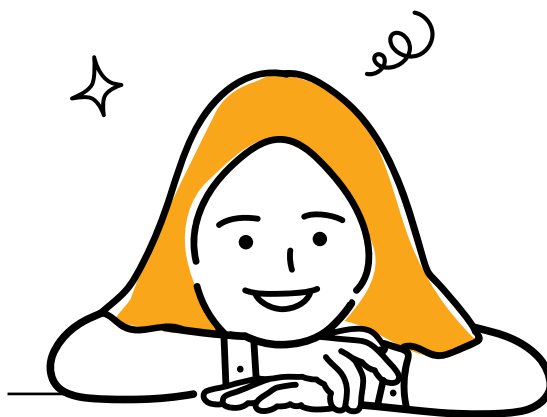
نتیجه‌گیری

پدران و مادران عزیز، شما می‌توانید با ایجاد محیط پشتیبانی‌کننده و محبت‌آمیز در خانه، فرصت‌های یادگیری فرزندان را افزایش دهید. با گوش دادن به نیازها و علاقه‌های آن‌ها، می‌توانید منابع مناسبی را برای تقویت مهارت‌هایشان فراهم کنید. همچنین، همکاری

میان خانواده و مدرسه ضروری است. شما می‌توانید با مراجعه به مدرسه و گفت‌وگو با معلمان و ارتباط با آن‌ها، روند تحصیلی فرزندان را پیگیری کنید. از طرف دیگر، مدرسه نیز می‌تواند راهنمایی‌ها و دستورهایی برای بهبود یادگیری در خانه به شما بدهد. شما می‌توانید با شرکت در کارگاه‌ها یا دوره‌های آموزشی مرتبط با تحصیل، بهترین راهکارها و روش‌ها را بیاموزید. این آموزش‌ها و مهارت‌ها به شما کمک می‌کند تا بهترین راهبردها را برای تحصیل آسان فرزندان پیدا کنید.

ایجاد یک محیط آرام و منظم در خانه می‌تواند به ترکیب موفقیت فرزندان کمک کند. اختصاص یک فضای خاص برای مطالعه و انجام تکالیف، ایجاد برنامه‌های روزانه مشخص برای تحصیل، و ارائه ابزارهای یادگیری مناسب (کتاب‌ها، رایانه و غیره) به او کمک خواهد کرد تا تمرکز و تعهد به یادگیری را افزایش دهد.

به‌طور کلی، مشارکت فعال و همکاری مستمر خانواده در تحصیل فرزندان، اساسی‌ترین عامل در رشد و توسعه آن‌هاست. با ایجاد محیط‌های حمایتی در خانه، می‌توانید به موفقیت‌های بزرگ فرزندان کمک شایانی بکنید.



۱. برنامه‌ریزی مطالعات مشترک

● **تعیین زمان‌های مشترک:** بهتر است زمان‌های خاصی را برای مطالعه و یادگیری مشترک تعیین کنید. از این زمان‌ها می‌توان برای مطالعه به همراه گفت‌وگو و بحث دربارهٔ مباحث درسی استفاده کرد. برای مثال، شما می‌توانید تصمیم بگیرید که هر شب پس از شام، زمانی را برای مطالعه و یادگیری مشترک تعیین کنید. در این زمان، اعضای خانواده می‌توانند به مباحث درسی بپردازند و سؤالات یا نیازهای یادگیری خود را با یکدیگر مطرح کنند. این فرصت به والدین کمک می‌کند تا در تحصیل فرزندان به‌عنوان راهنما حضور داشته باشند و فرایند یادگیری را از نزدیک تجربه کنند.

● **انتخاب موضوعات مشترک:** موضوعات مورد علاقهٔ خود و فرزندان را برای مطالعه انتخاب کنید. این کار باعث ایجاد انگیزه برای یادگیری می‌شود. برای نمونه، اگر شما و خانواده‌تان به تاریخ یا علوم طبیعی علاقه دارید می‌توانید موضوعی در این زمینه را برای مطالعه انتخاب کنید. مثلاً می‌توانید با هم در مورد یک دورهٔ تاریخی مشخص صحبت کنید یا به شناخت بهتر از جهان طبیعی بپردازید. این‌گونه فرصت‌ها زمینه فراهم می‌کند که اطلاعات و دانش خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارید. به این ترتیب، یادگیری به تجربه‌ای مهیج و فرح تبدیل می‌شود.

۲. ساخت کتابخانه خانگی

● **تجهیز فضای کتابخانه:** در خانه فضایی را برای کتابخانه طراحی کنید و کتاب‌ها و منابع یادگیری را در آن قرار دهید. این فضا می‌تواند جذابیت خاصی برای فرزند یا فرزندان شما ایجاد کند.

● **تشویق به خواندن کتاب:** فرزندان را تشویق کنید تا کتاب‌ها را بخوانند و دربارهٔ محتوا و داستان‌هایشان با یکدیگر

پیش‌نیاز کمک به
پیشرفت تحصیلی
فرزندان،
آگاه‌بودن و
یادگیری مداوم
والدین در این
خصوص است

تعامل با خانواده

مؤثرترین راه برای افزایش کیفیت آموزش

دکتر سمیه فودازی

دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت

کلیدواژه‌ها: خانواده، نظام تعلیم و تربیت رسمی، مدرسه، تعامل، مشارکت

مهم‌ترین نهاد تأثیرگذار بر فرایند تربیت معرفی شده؛ به‌طوری که تربیت را محصول مشارکت مؤثر خانواده و

مقدمه

در اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش آمده است: «اگرچه وزارت آموزش و پرورش مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرایند تعلیم و تربیت در همهٔ ساحت‌های تعلیم و تربیت و قوام‌بخش فرهنگ عمومی و تعالی‌بخش جامعهٔ اسلامی براساس نظام معیار اسلامی است، اما این کار را باید با مشارکت خانواده، نهادها، رسانه‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی به انجام برساند. به همین دلیل در رهنامهٔ نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران به چهار رکن دولت اسلامی (حاکمیت)، خانواده، رسانه، نهادها و سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت اشاره شده است.»

در عین حال از میان نهادهای غیررسمی همواره «خانواده»



رسانه را بیش از خانواده و مدرسه بر فرایند تربیت می‌انگارند. این در حالی است که انتظار می‌رود خانواده و مدرسه به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تربیت، بتوانند با تعامل یکدیگر و نقش‌آفرینی مؤثر، از رسانه به‌عنوان عامل کمک‌دهنده یاری بگیرند. در ادامه مؤلفه‌های تعامل خانواده و مدرسه را به‌اختصار مرور خواهیم کرد، به این امید که ورود بیشتر والدین به عرصهٔ تعلیم و تربیت و ارتباط بیشترشان با مدرسه بتواند مدیریت عرصهٔ تربیت را بیش از امروز به مسئولان اصلی آن بازگرداند.

تعامل خانواده و مدرسه

در حال حاضر ارتباط خانواده و مدرسه در حد انتظار بیان‌شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیست. عموماً مدیران مدرسه‌ها و بدنهٔ نظام تربیت رسمی از مشارکت والدین به‌جز در کمک‌های مالی استقبال نمی‌کنند و خانواده‌ها نیز اصل این مشارکت را تا حد شرکت در انتخاب چند عضو انجمن اولیا و مربیان و ورود اعضای این نهاد به فرایند جمع‌آوری کمک‌های مالی از اولیا و امضاکردن مصوبات فرمایشی جلسات کاهش داده‌اند.

برای تعامل خانواده و مدرسه می‌توان فرصت‌های گوناگونی برشمرد؛ فرصت‌هایی که می‌توانند خانواده را به‌عنوان «ولی تربیتی» دانش‌آموز وارد عرصهٔ تربیت رسمی و عمومی کنند و با حضور این ناظر صاحب‌حق، کیفیت تربیت را در نظام

تربیت رسمی بالا و بالاتر ببرند. شاید به‌نظر برسد این مؤلفه‌ها قابل‌دسترس نباشند و به‌طور کلی خانواده حوصلهٔ این مداخله را نداشته باشد، اما واقعیت این است که باید دست‌به‌دست هم دهیم و بستر این تعامل را فراهم کنیم و زمینهٔ ایفای نقش خانواده را در تربیت و رشد فرزندانمان ایجاد کنیم. زیرا این حضور و تعامل به نفع همهٔ طرف‌های تربیت و رسیدن به مقصود، یعنی تربیت بچه‌ها، خواهد بود.

مؤلفه‌های تعامل خانواده با مدرسه

۱. ایجاد باور مفیدبودن مشارکت خانواده‌ها در مدرسه
تلاش خانواده‌ها در مشاوره و همفکری و بازخوردادن به مدرسه و همچنین تأمین نیازهای مادی و مالی و تجهیزاتی و تعمیراتی مدرسه باید به‌گونه‌ای باشد که معلمان و مدیران مدرسه‌ها احساس کنند حضور والدین در مدرسه از نظر معنوی و مادی سودمند و ثمربخش است. با انجام این مهم و فرهنگ‌سازی و ایجاد این باور در مدیریت مدرسه و معلمان، کم‌کم حضور و مشارکت والدین در مدرسه یک اصل ضروری تلقی و خانواده به‌عنوان بازوی کمکی مدرسه مطرح خواهد شد. مشارکت داوطلبانهٔ خانواده‌ها در فعالیت‌های

مدرسه‌ای مقوم این مهم خواهد بود. از جملهٔ این مشارکت‌ها استفاده از ظرفیت شغلی و توان اجرایی خانواده‌ها در برگزاری اردوهای مهارتی و تفریحی، مشارکت خانواده‌ها در اجرای کلاس‌های فوق‌برنامه، مشارکت خانواده‌ها در شناسایی ظرفیت‌های مناسب برای برگزاری دوره‌های آموزشی، اردوها و دوره‌های مهارت‌افزایی است.

۲. همکاری و مشارکت علمی و پژوهشی خانواده‌ها با مدرسه

این کار حضور والدین را در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مدرسه ضروری خواهد کرد، چنانچه خانواده‌ها در امور مدرسه حضور و مشارکت بجا، منطقی و علمی داشته باشند، مدرسه پذیرای آن‌ها در بعضی تصمیم‌گیری‌ها خواهد شد؛ از جمله: همکاری در



تعیین سیاست‌های تربیتی، تعیین اولویت‌های تربیتی، تعیین مشکلات و نقاط قوت و ضعف تربیتی براساس شرایط و بافت اجتماعی مدرسه.

۳. اعتماد متقابل در عین شفافیت

در بحث اقتصادی و پرداخت‌های خانواده‌ها به مدرسه لازم است بین والدین و مدرسه، در عین شفاف‌سازی، اعتمادی دوطرفه برقرار شود. از جمله راهکارها این است که رئیس انجمن اولیا و مربیان به‌عنوان نماینده اولیای دانش‌آموزان و از طرفی به‌عنوان یکی از صاحبان اصلی امضای اسناد و مدارک مالی، هم بر هزینه‌ها و دخل و خرج مدرسه نظارت داشته باشد و هم گزارش مالی شفافی به اولیای دانش‌آموزان به‌صورت ماهانه یا فصلی ارائه کند.

۴. کمک فکری خانواده به مدرسه

دادن مشاوره و کمک فکری به مدرسه در خصوص شناسایی و معرفی سازمان‌ها، نهادها و شرکت‌ها و مراکزی که می‌توانند به مدرسه خدمات ارائه دهند. از نمونه این موارد است.

۵. نظارت خانواده بر تربیت فرزندان در مدرسه

براساس اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش مسئولیت اصلی تربیت، به‌ویژه در بُعد فردی، بر عهده والدین است و مدیریت (مدرسه) به نمایندگی از خانواده‌ها، دوره‌ای از تربیت را عهده‌دار شده است. بنابراین، نظارت بر تربیت فرزندان حق اولیای آن‌هاست؛ ولی ضروری است این نظارت با در نظر گرفتن ظرافت‌ها و حساسیت‌های خاص خود صورت گیرد؛ به‌گونه‌ای که در نگاه مدیریت و معلمان مدرسه، نظارت به دخالت تبدیل نشود.

۶. همسویی خانواده و مدرسه

این کار براساس ارزش‌های دینی و ملی با کمک دسته‌بندی این ارزش‌ها و تعیین اولویت آن‌ها براساس درجه ضرورت التزام مدرسه‌ها به ارزش‌ها صورت می‌گیرد.

۷. قبول مسئولیت تربیتی از سوی خانواده

نقش تربیتی پدر و مادر باید با همکاری نظام تربیت رسمی بازخوانی شود و زمینه پدری کردن و مادری کردن براساس وظایف آن‌ها در تربیت، با کمک مدرسه، اتفاق بیفتد.

۸. هماهنگی و یکسان‌سازی اهداف تربیتی

در نگاه مدرسه و خانواده

والدین با مدرسه، به‌عنوان متولی رسمی تربیت، همسو و هم‌راستا شوند و در موارد لازم دیدگاه‌ها و نظرهای پیشنهادی خود را به مدرسه ارائه کنند.

۹. برنامه‌ریزی امور مدرسه با کمک خانواده

برنامه‌ریزی براساس نیازهای اجتماعی و اقتضات بومی و محلی خانواده‌ها، همراهی مدرسه با خانواده برای شناسایی این نیازها و مهیا کردن بستر تحقق آن‌ها در این خصوص مدنظر است.

۱۰. شفافیت متقابل برنامه‌ها و سیاست‌های تربیتی

پرهیز دو نهاد خانواده و مدرسه از پنهان‌کاری و اهمال‌کاری در تعیین برنامه‌ها و سیاست‌های تربیتی، الزام مدرسه‌ها به شفاف‌سازی برنامه‌ها و سیاست‌های تربیتی برای خانواده‌ها و ایجاد بستر مداخله خانواده در برنامه، از این قبیل است.

۱۱. همیاری مدرسه و خانواده

یاری‌رسانی مدرسه به یادگیری و آموزش در خانه و کسب مهارت‌های تربیتی توسط اولیا با رسمیت دادن آموزش در خانه و همراهی با خانواده برای قبول مسئولیت بخشی از تربیت و تقویت بسترهای آموزش در خانه با پشتیبانی مدرسه و نظام تربیت رسمی در این راستا ضروری است.

نتیجه

شاید به نظر برسد بسیاری از این مؤلفه‌ها از توان قانونی فعلی و حتی حوصله خانواده فراتر است، اما تا زمانی که خانواده به حقوق و تکالیف تربیتی خود واقف نشود و در مقابل مهم‌ترین سرمایه معنوی و غیرقابل جایگزین خویش یعنی «فرزند»، احساس ولایت نکند و در عرصه تعامل کیفیت‌ساز با مدرسه به مطالبه اقدام نکند، نهادهای رسمی و قانون‌گذار با خانواده هم‌سو و هم‌صدا نخواهند شد.

بنابراین لازم است این مؤلفه‌ها از بلندگوهای گوناگون به گوش خانواده‌ها و مسئولان مدارس برسند تا با ایجاد حرکت فعال در خانواده، روبه‌روز تعامل خانواده با مدرسه افزایش یابد.

* منبع

مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۰

* پیوست

نقشه مفهومی مؤلفه‌های تعامل خانواده و مدرسه

در رهنامه نظام
تعلیم و تربیت
رسمی و عمومی
جمهوری اسلامی
ایران چهار
رکن، به‌عنوان
عوامل مؤثر در
تعلیم و تربیت
معرفی شده‌اند:
دولت اسلامی
(حاکمیت)،
خانواده،
رسانه، نهادها
و سازمان‌های
غیردولتی
به‌عنوان
عوامل مؤثر در
تعلیم و تربیت
اشاره شده است

مهارت‌های ارتباطی

(قسمت پنجم)

حریم خصوصی و ارتباطات

دکترای علوم ارتباطات
مریم سلیمی

و احساسات خاص خود را داشته باشد. ضعف در حفظ حریم شخصی، باعث آسیب‌پذیری و مشکلات جدی برای فرد می‌شود، به‌طوری که هر کسی به خود اجازه می‌دهد حریم آن فرد را زیر پا گذارد و وارد حریم امن او شود. احترام به حریم دیگران نیز یک امر واجب و بسیار ضروری است، چرا که بدون احترام به حریم خصوصی دیگران، روابط اجتماعی مناسبی ایجاد نمی‌شود. در قوانین زیادی به حریم خصوصی و لزوم حفظ آن تأکید شده که از این جمله ماده ۱۲ اعلامیه حقوق بشر است که در آن آمده: «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد در مقابل این‌گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد. در اصل بیست‌ودوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به این مهم اشاره شده است: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

گونه‌های حریم خصوصی

برای حریم خصوصی گونه‌ها و ابعاد مختلفی تعریف شده که از آن جمله حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی مکانی، حریم خصوصی ارتباطاتی، حریم خصوصی اطلاعاتی، حریم خصوصی روانی (عاطفی)، حریم خصوصی ذهنی و ... است. یکی از این گونه‌ها، حریم خصوصی جسمانی است که در آن بر بحث فاصله شخصی تأکید می‌شود. در فضای شخصی

در شماره‌های گذشته در همین رشته مقالات در خصوص مباحثی همچون ارتباط با خود، ارتباطات میان‌فردی، عوامل مؤثر در ارتباطات، علل عدم ارتباط مؤثر با فرزندان و راهکارهای مؤثر ارتباطی و ... سخن به میان آمد. در این شماره سعی می‌کنیم تا تمرکز بحث را بر «ارتباطات و حریم خصوصی» قرار دهیم، زیرا یکی از مسائلی که بر روابط دوسویه والدین و فرزندان تأثیر منفی می‌گذارد، همین نقض حریم خصوصی از سوی طرفین است.

حریم خصوصی چیست؟

حریم خصوصی هر فرد شامل قلمرو شخصی و خصوصی او، خانواده، محل زندگی و اقامت، مکاتبات شخصی، شرافت، حیثیت و آبروی وی می‌شود. به این موارد باید کلیه اطلاعات و داده‌های شخصی فرد و ارتباطات او در فضای واقعی و مجازی را نیز اضافه کرد. در همه قوانین، برای حفظ حریم خصوصی، حمایت‌ها و مصونیت‌هایی وجود دارد، در عین اینکه افراد هم برای حفظ این حریم، مانند پرچین، موانعی بین خود و دیگران تعریف می‌کنند. افراد از طریق حریم خصوصی می‌توانند حد و مرز ارتباطات خود را با دنیای بیرون تعیین کنند و مانع از واپایش (کنترل) اطلاعات خود توسط دیگران (دولت، سازمان و شرکت‌ها و اشخاص حقیقی) شوند.

به زبانی دیگر، حریم خصوصی یا شخصی به معنی مرزهای فیزیکی، ذهنی و احساسی مخصوص هر فرد است و مانعی برای سودجویی و تجاوز دیگران به آزادی شخص به حساب می‌آید. هر فرد در حریم شخصی خود می‌تواند هویت، عقاید، نگرش‌ها

تلفن همراه، ویژگی‌های جسمانی و ظاهری خاص، ویژگی‌های روان‌شناختی و هر موضوع دیگری باشند که با آن بتوان فردی را شناسایی کرد.

همچنین دسته خاصی از اطلاعات شخصی از قبیل ملیت، مذهب، رنگ پوست و دید کاربر به مسائل سیاسی بخشی از اطلاعات شخصی فرد محسوب می‌شوند.

یکی از دغدغه‌های فعلی بشر که ناشی از گسترش هوش مصنوعی و تحولات فناورانه است به خطرات دادن حریم خصوصی ذهن است. این اتفاق با نفوذ در مغز و تلاش برای خوانش افکار افراد و تحت کنترل درآوردن مغز همراه است.

تلاش‌هایی برای آموزش حریم خصوصی

مفهوم حریم خصوصی در خانواده‌ها عموماً به تدریج و به مرور زمان به کودک آموزش داده می‌شود. وقتی افراد خانواده به حریم خصوصی یکدیگر احترام بگذارند، کودک نیز به درکی صحیح از آن می‌رسد و او نیز به حریم خصوصی خود و دیگران احترام خواهد گذاشت.

زمانی که او را با اندام یا اعضای خصوصی بدنش آشنا می‌کنید و از او می‌خواهید تا آن‌ها را از انظار و هر گونه تعرض دور نگه دارد، یا وقتی به او می‌آموزید اجازه ندهد هر کسی او را بغل کند یا ببوسد یا بدنش را لمس کند، عملاً فاصله شخصی و خصوصی را به عنوان بخشی از حریم خصوصی جسمانی به او آموزش می‌دهید.

فواصلی بین افراد در محیط‌های شخصی، خانوادگی، کاری، اجتماعی و ... تعریف شده است. در این فضا هر فرد حباب یا حفاظتی نامحسوس در اطراف بدن خود فرض می‌کند.

حریم شخصی جسمانی را می‌توان مرزی برای جلوگیری از وارد شدن فردی مزاحم به خلوت شخص تعریف کرد که این مزاحمت سبب ایجاد حس ناامنی در فرد می‌شود.

فردی که به ما خیلی نزدیک باشد می‌تواند حداکثر در فاصله کمتر از ۴۵ سانتی‌متری ما، که به آن «محدوده یا فاصله صمیمی» گفته می‌شود، قرار گیرد. هر قدر این فاصله با دیگری بیشتر شود آن شخص را به عنوان غریبه می‌شناسیم و در نتیجه فاصله ما نیز از او بیشتر می‌شود. فرد غریبه نباید به خود اجازه دهد که بدن ما را لمس کند.

یکی از دغدغه‌های امروزی، تلاش برای حفظ حریم خصوصی در فضای مجازی و حفاظت از اطلاعات فردی و شخصی در این فضا است که از آن به عنوان «حریم خصوصی داده‌ها» یاد می‌شود. در مقررات حفاظت از اطلاعات عمومی اتحادیه اروپا به تعریف داده خصوصی یا شخصی چنین اشاره شده است:

داده‌های خصوصی به داده‌هایی اطلاق می‌شود که می‌توان با استفاده از آن‌ها به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم یک شخص را شناسایی کرد. این داده‌ها می‌توانند شامل نام فرد، شماره

وقتی افراد خانواده به حریم خصوصی یکدیگر احترام بگذارند، کودک نیز به درکی صحیح از آن می‌رسد



در شرایطی که از او می‌خواهید بیش از حد به شما نچسبد و فاصله خود را از شما حفظ کند، بر همین مهم تأکید می‌کنید. کتاب‌هایی در این زمینه وجود دارد که می‌تواند در خصوص آموزش این مسائل به فرزند شما کمک کند.

زمانی که به کودک خود یاد می‌دهید که هر کسی باید در بستر خودش بخوابد، هر کسی باید کمد و کشوی لباس و کیف خودش را داشته باشد، هر کسی باید منتظر باشد تا دیگری از حمام بیرون بیاید تا او بتواند از حمام استفاده کند، و یا وقتی کنار کسی روی مبل می‌نشینید نباید خیلی به او بچسبد، همه این‌ها مقدماتی برای درک لزوم حفظ حریم خصوصی به‌ویژه حریم جسمانی است.

همچنین زمانی که از او می‌خواهید وقتی وارد اتاق خواب شما می‌شود یا زمانی که در حمام هستید، باید در بزند و بدون اطلاع وارد نشود، دیگر این مسائل برای او قابل درک و حل خواهد بود. زمانی که به او اجازه می‌دهید خودش لباسی را که دوست دارد انتخاب کند و او را به استقلال در تصمیم‌گیری برای این‌گونه موارد تشویق می‌کنید، به حریم خصوصی او احترام گذاشته‌اید. زمانی که انتخاب‌های او را با لحاظ مسائل فصلی، عرفی و ... مناسب نمی‌دانید و با استدلال او را به انتخاب بهتر هدایت می‌کنید، او فرق مشورت با مداخله را درک خواهد کرد. وقتی به فرزندان مفهوم رازدانی و رازداری را می‌آموزید و از او می‌خواهید رازدار باشد و اسرار و اطلاعات شخصی خود و اعضای خانواده را در جایی افشا نکند، به این معناست که

بر حفظ حریم خصوصی اعضای خانواده تأکید می‌کنید.

بر این اساس، رفتار والدین تعیین‌کننده حد و مرز حریم خصوصی فرزندان خواهد بود و آن‌ها به مرور مفهوم حریم خصوصی را درک می‌کنند.

پدر و مادر هم باید به حریم خصوصی فرزند خود احترام بگذارند. مثلاً از تفتیش وسایل شخصی، پیام‌ها و نوشته‌های او خودداری کنند. از طرح سؤالات بازجویی‌گونه در خصوص ارتباطات و رفت‌وآمدهایش پرهیزند و به جای برخوردهای آمرانه و دستوری و سرک‌کشیدن‌های بی‌مورد، به روش‌های صحیح‌تری بر پایه اعتماد متقابل متوسل شوند.

از سویی والدین نیز باید نظارت‌های خود را داشته باشند تا فرزند بتواند دوره رشد خود را در فضایی مبتنی بر اعتماد متقابل و ارتباط مؤثر، به سلامت و با کمترین خطرات احتمالی طی کند.

با فرزند خود دوست باشید و در زمان صحبت با او، کارهای دیگران را متوقف و فقط به او توجه کنید. با همه حالات و روحیات و رفتارهایش آشنا باشید تا هر تغییر احتمالی را شناسایی کنید و برای حلش بتوانید با فرزندان صحبت کرده و یا دست به اقدامات لازم دیگر بزنید.

به‌طور نامحسوس عملکرد فرزند را به یاری معلمان و مسئولان مدرسه زیر نظر داشته باشید. دوستان فرزندان را بشناسید و اجازه دهید گاهی به منزلتان رفت‌وآمد داشته باشند. برقراری ارتباط با والدین دوستان فرزندان می‌تواند به شما کمک کند تا بدون ضربه

وارد کردن به حریم خصوصی فرزندان، او را زیر نظر داشته باشید. سعی کنید از پرس‌وجو کردن مداوم از ارتباط‌ها و مسائل فرزندان خودداری کنید. به محتوای گفت‌وگوهای او با دوستان و اعضای خانواده زیاد کنجکاوی نشان ندهید.

دفترچه خاطرات او را بخوانید. رایانامه‌ها (ایمیل‌ها) یا پیامک‌های او را واریسی نکنید. اگر فرزند شما برای معاینه به دکتر می‌رود و شما می‌خواهید در هنگام معاینه با او باشید، قبلش از او اجازه بگیرید.

آن قدر با او صمیمی و دوست باشید که او داوطلبانه مسائلش را با شما طرح کند و از خودتان راهنمایی بگیرد. اگر اشتباه کرده است او را سرزنش نکنید، به او مشورت دهید و بگذارید فکر کند. بدون اجازه فرزندان از او عکس و فیلم نگیرید و بدون اجازه او عکس‌ها و فیلم‌هایش را جایی اشتراک‌گذاری نکنید. در برابر او از دیگر افراد بدون اجازه عکس و فیلم نگیرید. به حریم خصوصی دیگران احترام بگذارید تا او نیز این‌ها را بیاموزد. از کودک خود حرف نکشید و او را وادار به حرف زدن در

والدین باید نظارت‌های خود را داشته باشند تا فرزند بتواند دوره رشد خود را در فضایی مبتنی بر اعتماد متقابل و ارتباط مؤثر، به سلامت و با کمترین خطرات احتمالی طی کند



مواردی که دوست ندارد ننکند. اجازه دهید هر زمان که دوست داشت با شما صحبت کند. همچنین سعی نکنید او را مجبور به خبرچینی از زندگی و رفتارهای دیگران کنید.

اگر به فرزند خود پول توجیبی می‌دهید، مهارت‌های مدیریت مالی، پس‌انداز و ... را به او آموزش دهید ولی دائم در خصوص نحوه هزینه‌کرد آن پول او را استنطاق نکنید.

به کودک خود بیاموزید که بدون اجازه دست در کیف و جیب شما یا عضو دیگری از خانواده نکند و بدون هماهنگی گوشی آن‌ها را بر ندارد، چرا که همه این‌ها جزئی از حریم خصوصی افراد محسوب می‌شود.

به بهانه اینکه من تجربه بیشتری دارم و چند پیراهن از تو بیشتر پاره کرده‌ام، حق انتخاب را از فرزندتان نگیرید.

به جای اینکه سعی کنید دائم او را زیر نظر بگیرید و در جزئی‌ترین مسائلش مداخله کنید، او را

راهنمایی کرده و با ارتقای مهارت‌هایش به او کمک کنید؛ مهارت‌هایی همچون دوست‌یابی، حل مسئله، نه گفتن، جرئت‌ورزی و ... در اولویت است.

بین سن و حریم خصوصی و فضای شخصی و روانی رابطه مستقیم وجود دارد، یعنی هر چه سن فرزندتان بالاتر می‌رود به حریم خصوصی بیشتری نیاز دارد و او در پی کسب استقلال بیشتری است.

به خاطرم آن باشد که با بزرگ‌تر شدن، فرزند علاقه‌مند است تا بیشتر تنها بماند و وقت اختصاصی برای خود داشته باشد و در اتاقش بیشتر به سر ببرد. بعضی والدین

احساس می‌کنند در اتاق بودن فرزندشان به معنای انجام کارهای مخفیانه است یا حس می‌کنند که فرزندشان دیگر دوست ندارد با آن‌ها وقت بگذراند، در حالی که همیشه چنین نیست. البته رفتارهای والدین همچون اختلاف‌های خانوادگی، جلوی دیدبودن و کار مدام به بچه‌دادن و ... می‌تواند سبب خیزدن او به اتاقش شود ولی همواره چنین نیست.

بین مسئولیت‌پذیری و صداقت فرزندتان و حریم خصوصی مجاز او ارتباط ایجاد کنید و در صورتی که به هر دلیلی از اعتمادتان سوء استفاده کرد، امتیازی به خصوص را از او بگیرید. به عنوان مثال ساعت بازی یا مدت زمان استفاده از اینترنت را برایش محدودتر کنید.

حریم خصوصی و فضای مجازی

یکی از دغدغه‌های جدی والدین در خصوص فرزندشان در فضای مجازی، نگرانی از به خطر افتادن حریم خصوصی اوست. اینجاست که می‌توان در عین نظارت، به او آموزش‌ها و مشورت‌های لازم را داد و به انجام اقداماتی متوسل

شد.

هرچه سن کودک پایین‌تر باشد به نظارت‌های بیشتری نیاز دارد. هرگز نباید فرزند را در فضای مجازی رها کرد. یک راه غیرمستقیم برای نظارت، اتصال بین گوشی تلفن همراه هوشمند به صفحه تلویزیون است، این کار ضمن اینکه مشاهده تصاویر را در صفحه‌ای نمایشگری بزرگ راحت‌تر می‌کند، به والدین این امکان را می‌دهد تا بدانند فرزندشان وارد چه صفحاتی می‌شود و چه می‌کند.

فرزندتان را تشویق کنید در فضایی مبتنی بر دوستی و اعتماد متقابل از تجاربش در فضای مجازی به شما بگوید. خودتان نیز او را در رسانه‌های اجتماعی دنبال کنید. البته لازم است توافق‌نامه یا قراردادی برای حضور او در اینترنت امضا کنید و به آن پایبند باشید. وفاداری به این توافق‌نامه می‌تواند به تداوم اعتماد متقابل میان شما و او کمک کند.

تعیین ساعتی مشخص برای حضور در اینترنت برای کودک و اعضای خانواده و رعایت قوانین تعیین‌شده در این خصوص می‌تواند کمک‌کننده باشد.

تنظیمات مرتبط با حریم خصوصی را روی گوشی تلفن هوشمند فرزندتان فعال کنید. اگر فرزندتان سنی بالای ۱۳ سال دارد و در رسانه‌های اجتماعی عضو است، از او بخواهید، صفحه یا صفحات خود را روی حالت خصوصی قرار دهد و تنها با حضور دوستان، آشنایان و فامیل در صفحه خود به عنوان دنبال‌کننده موافقت کند.

مفهوم حریم خصوصی داده‌ها را به فرزندتان بیاموزید و از او بخواهید اطلاعات و داده‌های شخصی خود را در فضای مجازی به اشتراک نگذارد. از جمله این اطلاعات می‌توان از این موارد یاد کرد: اطلاعات شناسنامه‌ای (مانند نام و نام خانوادگی، سن و روز و محل تولد، شماره و سریال شناسنامه، نام والدین و ...)، کد ملی و شماره گذرنامه، نشانی منزل و مدرسه و یا مکان‌های قابل دسترسی به فرد یا خانواده و اطرافیان وی، اطلاعات حساب‌های بانکی، اطلاعات مربوط به شکل و خصوصیات ظاهری فرد، حقایق خانوادگی (مانند جدایی احتمالی والدین، وضعیت مالی، نوع خودرو، وسایل زندگی و ...)، اعلام و انتشار موقعیت شغلی و اجتماعی والدین (با احتمال خطراتی برای فرد یا خانواده او)

او را با خطرات انتشار عکس و فیلم شخصی و خودعکس (سلفی) آشنا کنید، چرا که ممکن است از این اطلاعات با اهداف بسیاری توسط افراد سودجو استفاده شود.

از او بخواهید در صفحات و وبگاه‌های غیر اخلاقی و نامتناسب با سنش عضو نشود. به توصیه‌های احتمالی دوستان نیز، از سر کنجکاوی، توجه نکند

از او بخواهید هرگز عکسی از خود در حالت عریان، چه در حمام یا ساحل یا هر جای دیگری، منتشر نکند، چرا که این عکس‌ها یا ویدئوها ممکن است در فیلم‌ها یا وبگاه‌های غیراخلاقی منتشر شود. از او بخواهید در صفحات و وبگاه‌های غیراخلاقی یا نامناسب با سنش عضو نشود. به توصیه‌های احتمالی دوستان نیز، از سر کنجکاوی، توجه نکند.

به فرزندان بیاموزید که چطور کلمه یا رمز عبور قوی برای ورود به ایمیل یا صفحات خود بسازد و برای احتیاط، کلمه عبور و کاربری را به شما نیز بدهد تا در زمان بروز مشکل یا فراموشی، بتوانید به او کمک کنید.

روی گوشی یا رایانه کیفی (لپ‌تاپ) یا رایانه کودک خود ضدویروس وصل کنید. از او بخواهید از وی‌فای رایگان استفاده نکند تا حد ممکن از فناوری‌های پوشیدنی مانند عینک هوشمند، ساعت هوشمند و ... که به تحلیل اطلاعات کاملی از فرد می‌پردازند و از سویی می‌توانند حریم خصوصی فرد و اطرافیانش را به خطر بیندازند (به خصوص در دوره‌های کودکی و نوجوانی) استفاده نکند. به او کمک کنید از مسائل فنی، کاربردی، امنیتی، حریم خصوصی هر وسیله ارتباطی جدید و هر فناوری، از جمله فناوری‌های پوشیدنی، قبل از استفاده، مطلع شود.

از او بخواهید وسایل الکترونیکی خود را در اختیار دیگران، به‌ویژه افراد کوچک‌تر از خود (احتمال انتشار محتوای شخصی یا پخش زنده و ...) قرار ندهد.

پوشاندن دوربین وب‌بین (وب‌کم) و دوربین‌های رایانه، رایانه کیفی و ... در زمان عدم استفاده را به او یادآوری کنید.

از فرزندان بخواهید در زمان ایجاد حساب کاربری به کلیه نکات مرتبط با ایجاد دسترسی به اطلاعات توجه نماید و با دقت کامل

گزینه‌های موافقت و مخالفت را انتخاب کند. از قوانین عضویت، فعالیت و انتشار محتوا در رسانه‌های اجتماعی پیش از فعالیت کسب اطلاع کند.

از او بخواهید از گوشی یا رایانه کیفی خود به‌درستی مراقبت کند تا در هنگام سرقت احتمالی، امکان سوءاستفاده از اطلاعات شخصی آن به وجود نیاید.

همچنین بر این‌گونه موارد تأکید کنید: استفاده نکردن از فیلترشکن، بازکردن هر پیامی از سوی افراد (به خصوص موارد مشکوک یا ارسالی از طرف افراد غریبه)، توجه به پیام‌های دوستان در اعلام احتمال رخنه (هک‌شدن) پیام‌رسان‌های آن‌ها، عدم باز کردن پیوندهایی (لینک‌هایی) که در آن‌ها وعده‌ها یا مشوق‌های مالی و پولی و امتیازات خاص، رفاهی و ... داده شده است، احتیاط در باز کردن پیوندها (لینک‌ها)ی مربوط به چهره‌های مشهور و معروف، حضور نیافتن با گوشی روشن در اماکنی که احتمال جاسوسی، شنود یا سوءاستفاده از اطلاعات وجود دارد، آشنایی با چالش‌هایی همچون طعمه‌گذاری (فیشینگ) اطلاعات، حفظ اطلاعات به‌خصوص در حوزه‌های مالی، آشنایی

با راه‌های ایمن خرید برخط (آنلاین) ایمن، عدم انتشار محتوا در زمان خواب‌آلودگی و عدم هوشیاری کامل (واردنشدن به فضای مجازی یک ساعت قبل و بعد از خواب)، انتشار ندادن اطلاعات محرمانه و طبقه‌بندی‌شده در هر سطحی.

باید این نکته را خود و فرزندانمان به یاد بسپاریم که با توسعه هوش مصنوعی و فناوری‌ها و همگرایی بین آن‌ها، حلقه حریم خصوصی انسان‌ها تنگ‌تر می‌شود. وقتی برای رفت‌وآمدهای خود از وسایل حمل‌ونقل اینترنتی استفاده می‌کنیم، عملاً

اطلاعات رفت‌وآمد خود و آخرین موقعیت‌ها و مکان حضورمان را به اشتراک می‌گذاریم. وقتی از وسایل هوشمند مرتبط با سلامتی استفاده می‌کنیم، یعنی اطلاعات سلامتی خود را با پزشکان یا حداقل شرکت سازنده این دستگاه به اشتراک می‌گذاریم. از این قبیل مثال‌ها بسیار می‌توان نام برد. حال هر قدر از این‌گونه وسایل الکترونیکی و مجازی بیشتر استفاده کنیم، یعنی اطلاعات بیشتری از خود به اشتراک می‌گذاریم و حریم خصوصی ما بیشتر تهدید می‌شود. ضمن تأکید بر اینکه استفاده از این وسایل باید با آگاهی صورت گیرد، تصمیم به استفاده باید با هم‌فکری و بررسی والدین صورت گیرد.

در یک جمع‌بندی، بر لزوم کمک به حفظ حریم خصوصی فرزندان در فضای واقعی و مجازی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر ارتباطات والدین و فرزندان تأکید می‌شود. باید یادآور شد احترام به حریم خصوصی فرزندان با حرف حاصل نمی‌شود. باید در عمل به آن قائل بود. احترام به حریم خصوصی یک امر دوجانبه است که آغازگر آن والدین هستند، چرا که این مهم را فرزندان از والدین می‌آموزند.

احترام به حریم خصوصی یک امر دوجانبه است که آغازگر آن والدین هستند، چرا که این مهم را فرزندان از والدین می‌آموزند



هوش هیجانی و کتاب‌درسی

(قسمت اول)

✦ سمیه عبداللهی

کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی و آموزگار دوره ابتدایی شهر تهران

✦ مقدمه

آموزش مهارت‌های زندگی از گذشته‌های دور مورد توجه نظام‌های آموزشی و پژوهشگران بوده است. برای نمونه، جمعی از مربیان و محققان علوم تعلیم و تربیت همچون دیویی (۱۸۹۷)، فریره (۱۹۹۸)، کریشنامورتی (۱۹۸۱) و والترز (۱۹۹۷) همواره بر اهمیت مهارت‌های زندگی تأکید کرده‌اند و هدف نهایی آموزش را «پرداختن به چالش‌ها و بُعدهای گوناگون زندگی افراد و کمک به آن‌ها برای رویارویی مناسب با این مسائل دانسته‌اند.»

✦ مهارت‌های زندگی

الگوی توسعه انسانی بر اهمیت مهارت‌های زندگی تأکید دارد. طبق این الگو وجود محیطی مناسب و دارای استانداردهای زندگی که در آن فرد از زندگی سالم، شاد و خلاقانه برخوردار باشد به وی این امکان را می‌دهد که قابلیت‌های خود را در زمینه‌های گوناگون فردی، خانوادگی، اجتماعی و شغلی کشف و شکوفا کند.^۱ بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که یادگیری مهارت‌های زندگی یکی از ابتدایی‌ترین نیازهاست و در کمک به افراد، برای مقابله موثر با مسائل و بحران‌هایی نظیر فشار روانی، بی‌انگیزگی، افسردگی، درماندگی و روابط اجتماعی ضعیف یا پرتنش نقش بسزایی ایفا می‌کند. طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی، مهارت‌های زندگی به

توانایی‌هایی اطلاق می‌شود که به فرد قابلیت رویارویی مناسب با مسائل و موانع روزمره زندگی را بدهد. این توانایی‌ها عبارت‌اند از:

تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر خلاق، تعاملات اجتماعی سازنده، مهارت‌های ارتباطی، تفکر انتقادی، خودآگاهی و خودباوری، احساس همدردی با دیگران، مدیریت (کنترل) خود در بیان احساسات و در نهایت مدیریت فشار روانی (سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۹).

از آنجا که خانواده‌ها بر داشتن فرزندان باهوش برای رشد علمی در مدرسه‌ها تلاش می‌کنند، توجه به این نکته مهم است که تنها داشتن هوش عقلانی زیاد (که مدرسه‌ها می‌خواهند) از آن برای گذشتن از سد آزمون سراسری استفاده کنند) برای کسب موفقیت کافی نیست، بلکه هوش دیگری نیز لازم است که امروزه به آن «هوش هیجانی» می‌گویند. کسی که هوش هیجانی دارد، می‌آموزد که احساسات، هیجانات، نیازها و تمایلات همه افراد یکسان نیست. رسیدن به چنین درکی از انسان‌ها، به افزایش شفقت و احترام به احساسات و تفاوت‌های فردی دیگران منجر می‌شود که این خود اساس همدلی (یکی از مهارت‌های هوش هیجانی) خواهد بود. با پرورش هوش هیجانی در فرزندانمان، آن‌ها پی می‌برند که افراد زمانی به کمال می‌رسند و احساسات بهتری خواهند داشت که با یکدیگر همکاری و تشریک‌مساعی کنند؛ و این از مؤلفه‌های

کلیدی هوش هیجانی به حساب می‌آید. تحقیقات نشان داده است که کودکانی که از نظر هیجانی سالم‌تر و باهوش‌تر هستند ویژگی‌های زیر را دارند:

۱. یادگیرندگان بهتری هستند؛
۲. مشکلات رفتاری کمتری دارند؛
۳. در مقابل فشار همسالان بهتر مقاومت می‌کنند؛
۴. نسبت به دیگران احساسات بهتری دارند؛
۵. خشونت کمتری دارند و قادر به همدلی بیشتری هستند؛
۶. در حل مشکلات و تعارض‌ها بهتر عمل می‌کنند؛
۸. در دوست‌یابی موفق‌ترند؛
۹. بیشتر از دیگران قادر به مدیریت هیجانات و تکانه‌های خود هستند؛
۱۰. معمولاً خوش‌حال‌تر، سالم‌تر و موفق‌تر از دیگران‌اند.

ابراز احساسات اگر به‌طور مناسب انجام گیرد به کاهش مشکلات رفتاری منتج می‌شود و در نهایت به پذیرش بیشتر دیگران منجر می‌شود. کودکانی که هیجانات منفی خود را به شکلی غیرقابل‌مهار همچون عصبانیت و یا ناسزا ابراز می‌کنند، واکنش‌های منفی دیگران را علیه خود برمی‌انگیزانند، که این موضوع خودآرزشمندی فرد و

مطالعات تربیتی نشان می‌دهند، که هوش هیجانی تأثیر مستقیمی بر آموزش، یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و رضایت آن‌ها از زندگی دارد افراد یکسان نیست



هیجانی به شدت رابطه دارد. همچنین، آموزش هوش هیجانی، دانش‌آموزان را برای ورود به زندگی دانشگاهی آماده می‌کند (پارکر، سامرفلد، هوگان و مجسکی، ۲۰۰۴).

هوش هیجانی

معیار ارزیابی هوش هیجانی «ضرب هوش هیجانی» است که بر توانایی، ظرفیت یا مهارت ادراک، سنجش و مدیریت هیجانات خود و دیگران دلالت دارد. البته به دلیل تازه‌بودن نسبی این مفهوم، تعریف دقیق آن هنوز در بین روان‌شناسان مورد اختلاف است. ما در این مطالعه به پنج مؤلفه اصلی «هوش هیجانی» که در بین صاحب‌نظران بیشتر استفاده شده است اشاره می‌کنیم. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: درون‌فردی، میان‌فردی، سازگاری، مدیریت تنش‌ها و خلق‌وخوی عمومی. در ادامه این مؤلفه‌ها و پانزده عامل زیرمجموعه آن‌ها را توضیح می‌دهیم:

۱. **مؤلفه درون‌فردی:** توانایی‌های شخص را در آگاهی از هیجان‌های خود و بررسی آن‌ها مشخص می‌کند و شامل خودآگاهی عاطفی (هیجانی)، جرئت‌مندی، حرمت‌نفس، خودشکوفایی و استقلال می‌شود.

۲. **مؤلفه میان‌فردی:** توجه به هیجان‌های ناشی از تعاملات اجتماعی است. هیجان‌ها از روابط میان‌فردی جدایی‌ناپذیرند. هیجان‌ها در ایجاد، حفظ و حل کردن روابط میان‌فردی نیز نقش مهمی دارند به‌طوری که ما را گرد هم می‌آورند و از هم جدا می‌کنند (ریو، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۹، ص ۳۷۸). این مؤلفه دارای سه شاخه روابط بین‌فردی، مسئولیت اجتماعی و هم‌حسی است.

۳. **مؤلفه سازگاری:** انعطاف‌پذیری و توان حل مسئله، که واقع‌گرایی شخص را بررسی می‌کند. شامل حل مسئله، آزمون واقعیت و انعطاف‌پذیری است.

۴. **مؤلفه اداره یا مدیریت تنش‌ها:** توانایی تحمل تنش و کنترل تکانه‌ها را بررسی می‌کند و شامل تحمل تنش‌ها و کنترل تکانه‌هاست.

۵. **مؤلفه خلق‌وخوی عمومی:** این مؤلفه نشاط و خوش‌بینی فرد را بررسی می‌کند. خلق‌وخو را می‌توان به‌صورت حالت‌های روحی تعریف کرد که زندگی عاطفی هر کدام از ما را معین می‌کند و هر یک از ما تا حدی از طیف عاطفی مطلوبی بهره‌مند هستیم و شامل شادی/نشاط و خوش‌بینی است.

هوش هیجانی در برنامه‌های درسی

چون نظام آموزشی جمهوری اسلامی، نظام متمرکز است، کتاب درسی محور اصلی در فرایند یاددهی یادگیری در کلاس است؛ بنابراین ضروری است از طرفی به مؤلفه‌های هوش هیجانی در کتاب‌های درسی و تدریس معلم توجه شود و از طرف دیگر والدین در خانه و محیط زندگی بر آموزش،



توانمندی‌های یادگیری او را می‌کاهد. اما کودکانی که قادرند هیجانات منفی خود را به‌طور سازنده‌ای مهار کنند، واکنش‌های مثبتی از دیگران می‌بینند و بدین‌سان ظرفیت یادگیری آن‌ها افزایش می‌یابد (کلرک و روکس، ترجمه کریمی، ۱۳۸۸، ص ۱۹).

با این مقدمه، به‌نظر می‌رسد که مدرسه‌ها و مؤسسه‌های آموزشی، با توجه به محیط آموزشی و اهدافی که در این محیط‌ها دنبال می‌شود، بستری مناسب برای آموزش این مهارت‌ها محسوب می‌شوند. نتایج پژوهش‌های انجام شده در خصوص هوش هیجانی در خارج از کشور نشان داده است که مدرسه‌هایی موفق‌ترند که به ایجاد رابطه مناسب بین دانش‌آموزان و معلمان و سایر اعضای مدرسه کمک می‌کنند (جلالی، ۱۳۸۱). بنابراین هوش هیجانی پدیده‌ای سرنوشت‌ساز در داشتن زندگی بهتر برای افراد هر جامعه است. بنابراین؛ ضروری است در هر نظام آموزشی به این موضوع مهم توجه خاص بشود.

مطالعات تربیتی نشان می‌دهند که هوش هیجانی تأثیر مستقیمی بر آموزش، یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و رضایت آن‌ها از زندگی دارد. مطالعه پارکر و همکاران نشان داد که موفقیت تحصیلی با ابعاد گوناگون هوش

پنج مؤلفه اصلی «هوش هیجانی» عبارت‌اند از: درون‌فردی، میان‌فردی، سازگاری، مدیریت تنش‌ها و خلق‌وخوی عمومی



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی ابتدایی

به صورت ماهنامه و ۹ شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

- رشد کودک** برای دانش‌آموزان پیش‌دستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی
- رشد نوآموز** برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی
- رشد دانش‌آموز** برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی متوسطه

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

- رشد نوجوان** برای دانش‌آموزان دوره اول آموزش متوسطه
- رشد ناصب** برای دانش‌آموزان دوره اول آموزش متوسطه
- رشد جوان** برای دانش‌آموزان دوره دوم آموزش متوسطه
- رشد جوان** برای دانش‌آموزان دوره دوم آموزش متوسطه

مجله‌های عمومی بزرگسال

به صورت ماهنامه یا فصلنامه در یک سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

- رشد آموزش ابتدایی • رشد فناوری آموزشی • رشد مدرسه فردا
- رشد معلم • رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد مدیریت مدرسه • رشد برهان متوسطه دوم

مجله‌های تخصصی بزرگسال

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی • رشد آموزش پیش‌دستانی • رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش سلامت و تربیت بدنی • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش زبان‌های خارجی
- رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد آموزش شیمی • رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش • رشد آموزش فیزیک • رشد آموزش هنر
- رشد آموزش خانواده • رشد علوم زمین

مجله‌های عمومی و تخصصی رشد برای معلمان، دانشجو-معلمان، و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

- نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۳۷۰
- تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸
- وبگاه: www.roshdmag.ir

تمرین و نهاده‌سازی مؤلفه‌های هوش هیجانی در فرزندان خود بکوشند.

در اهمیت کتاب درسی، آلتبیچ معتقد است «کتاب درسی رسانه‌ای است که همه‌روزه معلمان و شاگردان از آن استفاده می‌کنند، بنابراین گاهی اوقات معلم به‌عنوان تمام برنامه درسی، بر آن تأکید می‌کند» (آلتبیچ، ۱۹۹۱، به نقل از نوریان، ۱۳۸۷). این رسانه با اهمیت، دربردارنده بخش‌های نوشتاری، تصویری و تمرین‌هایی است که در راستای تحقق هدف‌های کتاب، تهیه و سازمان‌دهی می‌شوند. چگونگی تنظیم محتوای کتاب‌های درسی عامل مهمی در کیفیت یادگیری است. از این رو در طراحی و تألیف آن باید معیارها، اصول و ضوابط خاصی در ابعاد گوناگون، به‌ویژه از منظر روان‌شناختی، مدنظر باشد. همچنین با توجه به اهمیت و نقش هوش هیجانی و اجتماعی در آموزش و یادگیری دانش‌آموزان، لازم است کتاب‌های درسی از لحاظ میزان توجه به هیجانات، و احساسات فردی و اجتماعی کودکان بررسی و تجزیه شوند. مطالعات انجام‌شده (زینس، بلودورث، وایزبرگ، و والبرگ، ۲۰۰۴) نشان می‌دهند که یکپارچه‌سازی یادگیری هیجانی اجتماعی با عواملی چون برنامه تحصیلی، رویکردهای آموزشی، افزایش نمره، بهبود مهارت‌های خواندن، ریاضیات، نوشتن، افزایش میزان فارغ‌التحصیلی، کاهش نرخ ترک تحصیل، افزایش حضور در مدرسه و کاهش مردودی ارتباط دارد (مکلم، ترجمه کیانی و بهرامی، ۱۳۹۰، ص ۹۷).

بر توجه به هوش هیجانی، در برنامه‌های درسی و آموزشی، بسیار تأکید شده است، چرا که امروزه ثابت شده است که هیجان بر سایر توانایی‌های شناختی انسان تأثیر دارد و به‌عنوان منبع اولیه انگیزش به‌شمار می‌رود. حال که هوش هیجانی اهمیت بالایی دارد، لازم است مؤلفه‌های آن به دانش‌آموزان آموزش داده شود، به‌ویژه در دوران کودکی و اوایل تحصیل (دوره ابتدایی) توجه شود (حسینی، ۱۳۹۱). همچنین، ضروری است خانواده‌ها ضمن اطلاع از وضعیت پرداختن به هوش هیجانی در برنامه‌های درسی و آگاهی از آن‌ها، به ایفای نقش خود در این خصوص تأمل و فعالیت کنند.

خواننده گرامی، برای مطالعه ادامه این مطلب، شماره بعدی را مطالعه فرمایید.

* منابع

- حسینی، حسین (۱۳۹۱). «تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی (بخوانیم و بنویسیم) دوره ابتدایی با توجه به مؤلفه‌های هوش هیجانی از دیدگاه بار-ان». پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، تهران.
- عبدالهی، سمیه (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های هوش هیجانی در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی



فراخوان مقاله: نخستین همایش بین‌المللی تعالی تعاملات خانواده و مدرسه چالش‌ها، الگوها و راه‌سبدها



محورهای همایش: (+ ۴۲ زیر محور)

- ۱- مبانی فلسفی، دینی و بنیادهای نظری جایگاه تعاملات خانواده و مدرسه در تعلیم و تربیت
- ۲- تعاملات خانواده و مدرسه در امر تربیت در مبانی قانونی، حقوقی و فقهی
- ۳- تحلیل تعاملات خانواده و مدرسه در نظام آموزش و پرورش ایران
- ۴- جایگاه توانمندی‌های تربیتی خانواده در تعاملات خانواده و مدرسه
- ۵- تحلیل کارکردهای نهادهای سازمان‌های مرتبط با تعاملات خانواده و مدرسه
- ۶- تأثیر رسانه، فضای مجازی و فناوری بر تعاملات خانواده و مدرسه
- ۷- نقش تعاملات خانواده و مدرسه در تحقق اهداف تعلیم و تربیت (عدالت و کیفیت آموزشی)
- ۸- صلاحیت‌های مورد انتظار از مؤلفه‌های نظام آموزشی (مدیریت و راهبری، منابع انسانی، برنامه درسی، تربیت معلم) برای تحقق تعاملات بهینه خانواده و مدرسه

«تعاملات خانوادگی به گونه‌ای شده که در پیچیدگی‌های علمی و اجتماعی (ISC) قرار گرفته و نیازمند مطالعه‌ای جامع و بین‌رشته‌ای است. این همایش فرصتی مناسب برای تبادل نظر و گفت‌وگو بین محققان و متخصصان در زمینه‌های مختلف مرتبط با تعاملات خانوادگی و مدرسه است.»

تاریخ‌های مهم:

- مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰
- اعلام نتیجه بررسی مقالات به مؤلفان: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶
- زمان برگزاری همایش: سه شنبه سوم بهمن ماه ۱۴۰۲
- برگزارکننده: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، پژوهشگاه خانواده و مدرسه
- نشانی دبیرخانه همایش: ایران، تهران، خیابان شهید قربی، کوچه شهید دهقانی نیا
- جنب مسجد الرحمن، پلاک ۶، طبقه دوم، پژوهشگاه خانواده و مدرسه.
- تلفن: ۸۸۳۳۳۸۲۹ - ۰۲۱ دورنگار: ۸۸۳۱۱۰۰۸ - ۰۲۱
- وبگاه همایش: efsiconf.ir و efsiconf.medu.ir





هفته وحدت گرامی باد

... امروز و در آتیه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرند، خنثا کردن تبلیغات تفرقه افکن خانه‌برانداز است. توصیه اینجانب به مسلمین و خصوصاً ایرانیان به‌ویژه در عصر حاضر، آن است که در مقابل این توطئه‌ها عکس‌العمل نشان داده و انسجام و وحدت خود را، به هر راه ممکن افزایش دهند و کفار و منافقان را مأیوس نمایند.